

گزارش محفل یاد بود اولین سال یاد در گذشت رفیق ضیاء

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و باقی رفقای ما هر یک رفیق حفیظ عضو اصلی کمیته مرکزی حزب، رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی حزب، رفیق وثوق، رفیق کریم الله و رفیق مهمند سه عضو فعال و برجسته حزب و رفیق پشه‌ای یک تن از فرماندهان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به پا خیزند و دو دقیقه سکوت کنند.

بعد از سکوت دو دقیقه‌ای مسئول کمیته منطقه شماره دوم سخنانش را این طور ادامه داد:

«رفقا!»

رفقا!

«درین مدت یک سال که از مرگ نا بهنگام رفیق ضیاء می‌گذرد، بخوبی مشخص گردید که جای مدیریت‌های مدبرانه و استادانه رفیق ضیاء را به این زودی‌ها پر نخواهیم کرد. در این مدت هنوز حزن و اندوه او از قلب ما بیرون نرفته است، زیرا رفیق ضیاء برای حزب ما مانند یک صخره‌ای استوار بود، قاطعیتش در استراتژی و انعطافش در تاکتیک ما را جسورتر از هر روز دیگر می‌ساخت. او معلم توانایی بود که به ما درس ایستادگی روی اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را آموخت، و به ما یاد داد که در مقابل دشمنان انقلاب با قاطعیت و دوستان انقلاب با فروتنی رفتار نماییم.»

مسئول کمیته منطقه شماره دوم افتتاح محفل را این گونه به پایان رساند:

«بیایید هم‌واره یاد رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و رهبر خردمند، توانا و معلم پرولتاریا کشور را گرامی بداریم.»

ترتیب سخنرانی‌ها و صحبت‌های رفقای حاضر توسط رفیق سلحشور تنظیم می‌شود و یکایک رفقا به استیژ سخنرانی دعوت می‌شوند.»

رفیق سلحشور حرفش را این گونه آغاز نمود:

«رفقا!»

درودهای سرخ و انقلابی خود را خدمت یکایک شما رفقای که در این جا بخاطر تجلیل اولین سالگرد رفیق ضیاء جمع شده اید تقدیم می‌دارم. گرد هم آیی شما رفقا برای تجلیل از اولین سالگرد در گذشت رفیق ضیاء تعهد راسخ ما و شما را به خط ترسیم شده رفیق ضیاء نشان می‌دهد. و نشان می‌دهد که رفقا مصمم به پیش برد خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

بعد از فراخوان دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به تمامی کمیته های منطوقی و واحدهای تشکیلاتی حزب به خاطر تدویر محفل یاد بود از اولین سال در گذشت رفیق ضیاء، کمیته منطقه شماره دوم روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۲ خورشیدی تشکیل جلسه داد و فیصله ذیل را به تمامی اعضا و هواداران حزب در منطقه دوم صادر نمود:

طبق فراخوان دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای تدویر اولین سال یاد در گذشت رفیق ضیاء به تمامی رفقای منطقه شماره دوم ابلاغ می‌گردد که برای گرامی داشت از یاد و خاطره رفیق ضیاء روز سه شنبه اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی آمادگی‌های لازم را داشته باشند. گرامی داشت از اولین سال یاد رفیق ضیاء به معنای تعهد مجدد به پیش برد خط ترسیم شده رفیق ضیاء و آرزوهایش مبنی بر مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده، تسلیمی، تسلیم طلبی، رویزبونیسم و انحلال طلبی جهت به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و حرکت سریع به طرف سوسیالیسم و تحقق کمونیسم در افغانستان می‌باشد.»

روز سه شنبه مورخ اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی با آن که اوضاع بد کرونایی مردم و منطقه را تهدید می‌نمود اکثریت رفقا بشمول کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در منطقه شماره دوم گردهم جمع شدند و تعدادی از رفقا نسبت به اوضاع کرونایی در محفل شرکت کرده نتوانستند. محفل با یاد و خاطره رفیق ضیاء آغاز گردید. ستیژ محفل با دو قطعه عکس بزرگ رفیق ضیاء مزین گردیده بود.

محفل یاد بود از اولین سال یاد رفیق ضیاء ساعت دو بعد از ظهر آغاز گردید و تا ساعت شش عصر ادامه یافت. محفل یاد بود اولین سال یاد رفیق ضیاء توسط مسئول کمیته منطقه دوم افتتاح گردید. مسئول کمیته منطقه شماره دوم رفقا را این گونه مورد خطاب قرار داد:

«رفقا!»

ما این جا جمع شدیم تا یاد و خاطره رفیق ضیاء را گرامی بداریم و با وی تجدید میثاق نماییم که خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط او و رفقای هم رزمش ترسیم گردیده ادامه دهیم، و از جان و دل برای وحدت و هم بستگی حزب تلاش ورزیم.

بنائاً از رفقا تقاضا می‌کنم که به خاطر یاد بود از رفیق ضیاء صدر

از طریق برپایی و پیش برد چنین جنگی است که میتوان آرمان والای رفیق ضیاء را زنده نگه داشت و درفش رزمنده حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از طریق چنین جنگی به اهتزاز در آورد و رویای دیرینه رفیق ضیاء را بر آورده سازیم. ما با تعهد خرابیین به منافع علیای کشور یاد و خاطره رفیق ضیاء را زنده نگه خواهیم داشت و در راه تحقق آرمان والای رفیق ضیاء که همانا تطبیق خلاقانه مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در شرایط مشخص کشور است، از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.

به پیش در راه برای برپایی و پیش برد جنگ
مقاومت ملی مردمی و انقلابی

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم!

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

هیئت تحریر شعله جاوید

۱۴۰۰ / ۴ / ۱ خورشیدی»

که توسط رفیق ضیاء ترسیم گردیده، هستند. تصمیم جدی شما رفقا به همه اعضاء، هوداران حزب و مائوئیست‌های کشور قوت قلب می‌بخشد که خط ترسیم شده حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان توسط رفیق ضیاء هم چون موج خروشان به پیش می‌رود و در نیمه راه متوقف نمی‌شود.»

سیس هر یک از رفقا به استیژ دعوت گردیدند و مقالات، اشعار و سخنرانی‌های خویش را ارائه نمودند. و در اخیر محفل قطع‌نامه‌ای که توسط هیئت تحریر شعله جاوید تهیه گردید بود توسط یکی از اعضای کمیته منطقه به خوانش گرفته شد. قطع‌نامه با این نقل خاتمه یافت:

« زمانی که پروسه خروج قوای نظامی اشغال‌گران امپریالیست از افغانستان تکمیل گردد و رژیم پسا توافق طالبان با رژیم دست‌نشانده ایجاد گردد، در چنین صورتی رژیم دست‌نشانده پسا توافق و اشغال‌گران امپریالیست حامی و پشتیبان شان به عنوان دشمنان عمده خلق‌های کشور آماج مبارزات ملی مردمی و انقلابی زحمت‌کشان کشور قرار خواهند گرفت. باید جدا توجه نمود که این بحث بدان معنا نیست که در چنین حالتی ترکیب مجموعی دشمنان عمده انقلاب و خلق‌های افغانستان تفاوت خواهد نمود، بل که بدان معناست که آماج مستقیم تاکتیکی روزمره در مبارزات انقلابی در درجه اول رژیم دست‌نشانده خواهد بود.

با توجه به تمامی مسایلی که فوقاً بر شمردیم، بر پایی و پیش برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده کنونی و رژیم دست‌نشانده پسا توافق در افغانستان غیر قابل انصراف است. فقط از طریق چنین جنگی است که می‌توان به انقیاد مستعمراتی کشور خاتمه داد و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را بدست آورد.

افتتاح محفل یادبود اولین سال درگذشت رفیق ضیاء

توسط مسؤل کمیته منطقه شماره دوم

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

ما این جا جمع شدیم تا یاد و خاطره رفیق ضیاء را گرامی بداریم و با وی تجدید میثاق نمائیم که خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط او و رفقای هم رزمش ترسیم گردیده ادامه می‌دهیم، و از جان و دل برای وحدت و هم بستگی حزب تلاش می‌ورزیم.

بناءً از رفقا تقاضا نمودم که به خاطر یاد بود از رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و باقی رفقای ما هر یک رفیق حفیظ عضو اصلی کمیته مرکزی حزب، رفیق عزیز

چه مشعلی از دانایی خاموش شد

چه قلبی از تپش باز ایستاد

رفقای عزیز!

امروز اول سرطان سال ۱۴۰۰ خورشیدی یعنی روز درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان می‌باشد.

عضو اصلی کمیته مرکزی حزب، رفیق وثوق، رفیق کریم الله و رفیق مهمند سه عضو فعال و بر جسته حزب و رفیق پشه‌ای یک تن از فرماندهان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به پا خیزند و دو دقیقه سکوت کنند.

رفقا!

درین مدت یک سال که از مرگ نا بهنگام رفیق ضیاء می‌گذرد، بخوبی مشخص گردید که جای مدیریت‌های مدبرانه و استادانه رفیق ضیاء را به این زودی‌ها پر نخواهیم کرد. در این مدت هنوز حزن و اندوه او از قلب ما بیرون نرفته است، زیرا رفیق ضیاء برای حزب ما مانند یک صخره‌ای استوار بود، قاطعیتش در استراتژی و انعطافش در تاکتیک ما را جسورتر از هر روز دیگر می‌ساخت. او معلم توانایی بود که به ما درس ایستادگی روی اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را آموخت، و به ما یاد داد که در مقابل دشمنان انقلاب با قاطعیت و دوستان انقلاب با فروتنی رفتار نمائیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با به کارگیری آموخته‌های رفیق ضیاء توانست که بعد از درگذشت او مبارزه جدی با انحلال طلبی را پیش ببرد و حزب را از انحلال طلبی نجات دهد. با بکارگیری آموخته‌های رفیق ضیاء بود که حزب در ۲۵ حمل ۱۴۰۰ خورشیدی سومین کنگره سراسری‌اش را موفقانه تدویر نمود و پیرومندان به اختتام رساند. در این روز ما یک بار دیگر تجدید میثاق می‌نمائیم که وحدت و هم‌بستگی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را مانند مردمک چشم خود حفظ نمائیم. و اصول بنیان‌گذاری شده توسط رفیق ضیاء و رفقای هم‌رزمش را تا پای جان به پیش می‌بریم.

محفل امروزی ما که توسط کمیته منطقه شماره دوم حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تدارک دیده شده، مشتمل بر مقالات، دکلمه‌ها و سخنرانی‌هایی است که به سمع رفقا رسانیده می‌شود.

در محفل امروزی ما اکثریت رفقای منطقه بشمول کادرها، اعضا و هواداران حزب شرکت نموده، اما نسبت به شرایط کرونایی بعضی رفقا در این محفل حضور ندارند. تعدادی از کادرها، اعضا و هواداران حزب پیرامون شخصیت رفیق ضیاء بعنوان یک معلم آگاه، و یک رهبر خردمند صحبت خواهند نمود.

امروز در غیاب رفیق ضیاء رسالت و پیش برد خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط رفیق ضیاء بنیان‌گذاری شده بدوش ما و تمامی اعضای حزب است. ما باید هر چه جدی‌تر و اصولی‌تر برای پیش برد این خط در میان توده‌ها رفته و خط را توده‌یی بسازیم.

تجلیل از اولین سال‌گرد درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بیان‌گر وحدت و هم‌بستگی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و ادامه خط مائوئیستی رفیق ضیاء بوده و می‌باشد.

رفیق ضیاء رهبر خردمند و توانا، شخصیتی بود که در نیمه دهه شصت خورشیدی جنبش نوین کمونیستی افغانستان را بنیان‌گذاری نمود و درفش مستقل پرولتاریا یعنی حزب کمونیست و جنبش کمونیستی را در افغانستان به اهتزاز در آورد. ما با سر بلندی اظهار می‌داریم که افتخار تاریخی این مبارزه فقط با رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء در پهلوی این که درفش مستقل پرولتاریا و جنبش کمونیستی را در افغانستان به اهتزاز در آورد، با تحلیل داهیان خویشت توانست که نکات ضعف و انحرافی مسلط بر "سازمان جوانان مترقی" را نشان دهد و از نکات منفی گسست نماید و نکات مثبتش را متکامل‌تر بسازد. او با این کارش خط انقلابی رفیق اکرم را که سال‌ها زیر خاکستر دفن گردیده بود دوباره زنده ساخت و از آن با جدیت دفاع نمود.

رفیق ضیاء با تعیین تضاد عمده و وظیفه عمده مبارزاتی نه تنها علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده، تسلیمی و تسلیم طلبی به مبارزه برخاست، بل که علیه دشمنان غیر عمده مبارزاتش را در تابعیت از تضاد عمده به نحو احسنی پیش برد و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در این مسیر آبدیده نمود. به همین ترتیب رفیق ضیاء علیه رویزونیسم "سنتزهای نوین" آواکیان در سطح ملی و بین‌المللی به مبارزه پرداخت و آن را زمین‌گیر نمود و تجرید کرد. او برای دفاع از خط پرولتری در سطح ملی و بین‌المللی سهم فعال گرفت و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در این مسیر آبدیده نمود.

ما امروز در این جا گردهم جمع شدیم تا یک بار دیگر به رفیق ضیاء تعهد بسپاریم که خط بنیان‌گذاری شده او را با جدیت ادامه می‌دهیم.

بیائید همواره یاد رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و رهبر خردمند، توانا و معلم پرولتاریا کشور را گرامی بداریم.

ترتیب سخنرانی‌ها و صحبت‌های رفقای حاضر توسط رفیق سلحشور تنظیم می‌شود و یکایک رفقا به استیژ سخنرانی دعوت می‌شود.

رفیق ضیاء همیشه در قلب ما باقی خواهد ماند

یاد و خاطره رفیق ضیاء جاودانه باد

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی

رفقا!

درودهای سرخ و انقلابی خود را خدمت یکایک شما رفقای که در این جا بخاطر تجلیل اولین سالگرد رفیق ضیاء جمع شده اید تقدیم می‌دارم. گرد هم آیی شما رفقا برای تجلیل از اولین سالگرد در گذشت رفیق ضیاء تعهد راسخ شما را به خط ترسیم شده رفیق ضیاء نشان می‌دهد. و نشان می‌دهد که رفقا مصمم به پیش برد خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط رفیق ضیاء ترسیم گردیده، هستند. تصمیم جدی شما رفقا به همه اعضاء، هوداران حزب و مائوئیست‌های کشور قوت قلب می‌بخشد که خط ترسیم شده‌ای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان توسط رفیق ضیاء هم چو موج خروشان به پیش می‌رود و در نیمه راه متوقف نمی‌شود.

رفقا!

یک سال قبل در چنین روزی ما رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از دست دادیم. در طول یک سال گذشته ما بخوبی کمبود رفیق ضیاء را بعنوان یک رهبر خردمند و توانا حس نمودیم.

بعد از درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دشمنان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بی نهایت خوش حال بودند و فکر می‌کردند که با درگذشت رفیق ضیاء، حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان دیگر توانایی پیش برد مبارزاتی را ندارد، اما رفقای هم رزم رفیق ضیاء تثبیت نمودند که بیرق حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان همیشه در اهتزاز خواهد بود.

رفقای ما بزودی توانستند که حزب را باز سازی نموده و در ظرف کمتر از ده ماه سومین کنگره سراسری حزب را موفقانه تدویر نمایند که ما اختتام پیروزمندانه سومین کنگره حزب را شاهد بودیم.

رفیق ضیاء از زمان بنیان گذاری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تا زمان پدروود حیاتش حزب را بدرستی رهبری نمود و علیه تمامی اشکال رویزونیسم، اپورتونیزم، انحلال طلبی، تسلیمی و تسلیم طلبی در سطح ملی و بین المللی مبارزه نمود و حزب را در این مسیر آبدیده نمود.

رفقا! ما زمانی موفق به پیش برد خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط رفیق ضیاء ترسیم گردیده خواهیم شد که در جهت استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب جدی بوده و وحدت حزب را هم‌چو مردمک چشم خود حفظ نماییم.

در این قسمت محفل از رفیق کارگر می‌خواهم تا مقاله‌ای را که تهیه نموده اند به خوانش بگیرد.

سند تحریری رفیق کارگر

رفقا!

مبارزات خویش، عملاً نشان دهند که دیگر توسری خور و دشنام شنو نیستند، آن‌ها باید در جریان مبارزات آگاهانه شان تثبیت نمایند که از حقوق خود آگاه شده و از عزت نفس و حقوق خود دفاع می‌نمایند.»

رفیق ضیاء گنجینه معنوی جامعه ما بود. او هم چو خورشید تابناکی بود که راه‌هایی توده‌های زحمتکش افغانستان را از تاریکی و ظلمت کسانی که بر آن‌ها ستم روا می‌دارند، نشان داده است.

رفیق ضیاء برای من الگو بود. هر زمانی که با او رو به رو می‌شدم روحیه مبارزاتی ام چند برابر می‌گردید. برخورد صمیمانه او با یک کارگر ساده و تلاش برای رهنمایی مبارزه علیه دشمنان انقلاب برایم نیرو و توان می‌بخشید.

مدت یک سال است که رفیق ضیاء دیگر در میان ما نیست، ولی خاطراتش همیشه در وجود ما زنده و پا بر جاست. مرگ رفیق ضیاء پر قو نیست، بلکه هم چو کوه است. امیدواری من این است که بتوانم خط ترسیم شده رفیق ضیاء را پیش برده و عمرم را به همین شکل به پایان رسانم.

زنده و جاوید باد یاد و خاطره رفیق ضیاء

به پیش در راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی

درودهای گرم و انقلابی خود را خدمت شما رفقای که در اولین محفل سالگرد درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان حضور به هم رسانیدید تقدیم می‌دارم.

رفیق ضیاء رهبر خردمند و توانا، زندگی اش را وقف مبارزه علیه ظلم و ستم برای رسیدن توده‌های مظلوم به آزادی و استقلال کشور نمود.

امروز اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی است و یک سال می‌شود که رفیق ضیاء دیگر در میان ما نیست، اما در مدت یک سال هیچ‌گاه نتوانستم یاد و خاطره اش را فراموش نمایم.

رفیق ضیاء بسیار به سادگی زندگی نمود، او با مردم صمیمی و در هم آمیخته بود. اولین معلم رفیق ضیاء درد ورنج، غم و اندوه توده‌های ستم‌کش جامعه بود.

رفیق ضیاء با عشقی که به مردم داشت، تمام زندگی خود را وقف مبارزه با دشمنان طبقاتی توده‌های ستم‌کش افغانستان نمود. او همیشه مدافع حقیقت، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی بود.

توصیه رفیق ضیاء برای منی کارگر ساده همیشه این بود که: «کارگران باید مستقلانه متشکل شوند و با شگوفای ساختن

با تشکر از رفیق کارگر

تا کی درون ظلمت شبها گریستن؟

یا در پناه پرده پندار های پوچ

بر آستان عشق و هوس دیده دوختن؟

فریاد ها کشید!

توفنده سیل سرکش زورآزما شوید!

رزمنده سر کنید!

رنگین چکامه های ستم سوز خویش را.

تا موج روستا، «طغیان شهرها»

توفنده تر شود، وز دوش توده ها

یکباره بگسلد

زنجیر های حيله و تزویر و بندگی.

و آنگاه در طلیعه خورشید رستخیز

مستانه سر کنیم

زیبا ترانه های شگوفان زندگی

از بوستان خرم و از مرغزار سبز

وز شهر و روستا

همواره بشنویم، امواج و پرخروش

موج، طنین خنده مغرور دختران...

در این قسمت محفل از رفیق م. تقاضا مندم که آن چه را تهیه نموده اند به سمع شما برساند.

سند تحریری رفیق م

یاد و خاطرات رفیق ضیاء بطور همیشه در قلب ها جاودانه خواهد ماند

مسیر شهر آزادی

دل یاران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است

غم مرگ عزیزان به خاک افتاده سنگین است

مداوا بهر درد ما بود عزم نبرد ما

ولی نبود غم و اندوه علاج رنج و درد ما

به جنگ ما به جز فتح و فنا دیگر شعاری نیست

ز خصم ددمنش جز قتل و غارت انتظاری نیست

بکوبیم یا که او سازد تن ما را به دارآدین

درین پیکار خشم آگین سر دشمن به سنگ کین

هزاران رفته در این ره هزاران دیگر آیند

هزاران مانده از این ره هزاران دیگر پایند

سرود رهنور دانش خوش آوا زیر و بم دارد

مسیر شهر آزادی دراز است، پیچ و خم دارد

که بزم انقلاب است این نه بزم عیش و مهمانی

هزاران جان فدا باید تیار از بهر قربانی

سال گرد جان گداز صدر حزب کمونیست مائوئیست افغانستان را به تمامی اعضای حزب و دیگر احزاب کمونیست جهان که پیوند مبارزاتی به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان داشته و دارند تسلیم عرض می کنم. رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هم رزم و قافله سالار جنبش چپ سرزمین ما و پرولتاریای بین المللی اگر امروز در میان ما حضور ندارد ولی آرمان هایش در سطح ملی و بین المللی طرفداران

و هواخواهان زیادی دارد که تاریخ آن را ثبت نموده و در قلب هر انسان مبارز و آگاه باقی خواهد ماند.

از زمان بنیان گذاری "سازمان جوانان مترقی" توسط رفیق اکرم یاری، افراد زیادی در پروسه مبارزاتی و انقلابی جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در میان رهروان راه این جنبش وجود داشته اند که به خیل رفته گان راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی پیوستند و تاریخ هم گواه مبارزاتی شان است. اما رفیق ضیاء سردار این قافله سالاران انقلابی بود که جنبش نوین کمونیستی کشور را در نیمه دهه شصت خورشیدی از زیر خاکستر دفن شده بیرون کشیده و با ارزیابی همه جانبه آن از جنبه های منفی آن گسست نمود و جنبه های مثبت آن را تکامل داد و تا آخرین روزهای حیاتش بخاطر حفظ و پاکیزه نگه داشتن آن با هر نیروی ارتجاعی و انحرافی مبارزاتش را دقیقاً پیش برد.

تعیین خط درست و اصولی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و اندیشه پیشرو انقلابی اش معیاری است بر جاودانه بودنش، که برای نسل انقلابی آینده برای پیشبرد انقلاب دموکراتیک نوین افغانستان مایه امیدواری است.

رفیق ضیاء خط درست و انقلابی را در شرایط اشغال سوسیالی امپریالیست های "شوروی" درکشورانتخاب کرد و به عنوان یک انقلابی صادق درشرایطی که سازمان آزادی بخش مردم افغانستان درجهت مخالف خواسته های واقعی مردم تن به تسلیمی، تسلیم طلبی و سازش در برابر تیوری سه جهان داد، از پذیرفتن نظریات غلط خود داری کرد و چون یک انقلابی پرشور ولی آرام و پرکار، منضبط درعرصه مبارزات ملی و بین المللی مسیر خود را بر مبنای اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی معین ساخت.

رفیق ضیاء شناخت دقیق و عمیقی نه تنها از اشکال و انواع رویزیونیزم داشت، بل که امپریالیزم را با تمام خصوصیاتش بدرستی شناخته بود. او دقیقاً می دانست که امپریالیزم هیچ گاه با فیودالیزم مبارزه نمی کند، بل که از وی حمایت می نماید. او دقیقاً درک نموده بود که امپریالیزم با مجموع قدرت مالی و نظامی آن در افغانستان نیروی است که از بقایای فیودالی با تمام روبنای بوروکراتیک و میلیتاریستی آن پشتیبانی می کند و به آن الهام می بخشد. آن را می پروراند و حفظ می کند. او مبارزه با تسلیم شدگان و تسلیم طلبانی که معتقد بودند که امپریالیزم «کشور آباد می کند و طبقه کارگر را رشد می دهد» بدون وقفه شروع نمود و نشان داد که این یک خیال خام و یک رویا بیش نیست. به این اساس مبارزه با تسلیم طلبی را جزء لاینفک مبارزه با اشغال گران امپریالیست ورژیم دست نشانده می دانست.

اشغال گران امپریالیست با شکل دهی یک رژیم دست نشانده با حاکمیت شئونیزم میلیتی و جنسی، فرهنگ شئونیزم فیودالی را تقویت نمود و آن را بسط و گسترش داد، ایجاد مدارس دینی با هزینه های هنگفت مالی نمونه بارز آن می باشد. رفیق ضیاء تمام این خصوصیات را از شروع تجاوز و اشغال گری به افغانستان از دید مائوئیستی بررسی نموده و برنامه کنگره وحدت بیان فشرده نظرات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء دارای شناخت متعالی از دانش پرولتاریایی در عرصه ملی و بین المللی بود. ما کمبودش را در نبودش بخوبی درک می کنیم و متیقین هستیم که رفیق ضیاء فنا ناپذیر گردید. رفیق ضیاء از دهه

شصت خورشیدی به این طرف با تکامل خط مائوئیستی رفیق اکرم یاری و کاربست آن در شرایط مشخص افغانستان رسالت خود را بطور شایسته ای انجام داده است.

در شرایط اشغال کشور توسط نیروی متجاوز و اشغال گر آمریکا و ناتو، تأسیس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بنیان گذاری کرد، و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از همان بدو تأسیس مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم را بعنوان ایدئولوژی رهنمای اندیشه و عمل خود پذیرفته و به کار بسته است. مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم یک ایدئولوژی پرولتاریائی بین المللی است و خصلت جهان شمول دارد به همین جهت در شرایط مشخص هر کشور منجمله افغانستان قابل تطبیق است. بدین لحاظ در اساس نامه حزب قید گردیده که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یک حزب سیاسی پرولتاریائی و پیش آهنگ پرولتاریائی درافغانستان است و از لحاظ تئوری در صف مقدم پرولتاریا و توده ها قرار دارد و مبارزات انقلابی در جامعه یک جریان متداوم است که باید در متن و بطن پیش برد مبارزات انقلابی در جامعه پیوسته ادامه داشته باشد. در درون حزب نیز مبارزات دو خطی بر سر حفظ و تکامل خصلت پرولتری حزب از یک جانب و قلب ماهیت نمودن واز بین بردن از جانب دیگر دائماً بروز می نماید. این مبارزات انعکاس مبارزات طبقاتی جامعه در درون حزب است و بصورت اجتناب ناپذیری با فراز و نشیب تبارز می نماید.

رویزیونیزم فلسفه مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی، اقتصادی سیاسی و آموزش های سوسیالیزم علمی را نفی می کند و فلسفه ماتریالیزم دیالکتیک و ماتریالیزم تاریخی را مردود می شمارد و تحول ساده و آرام را به جای دیالکتیک زنگ و انقلابی می نشاند الکتیزم را جای گزین دیالکتیک می کند، این شیوه کار هیچ گونه نظریه انقلابی و جامعی در پروسه تکامل اجتماعی به دست نمی دهد.

رفیق ضیاء این مسایل را دقیقاً درک و هضم نموده بود و به همین دلیل او نه تنها مبارزاتش را علیه اشغال گران امپریالیست و رژیم پوشالی بعنوان دشمن عمده پیش برد، بل که در عرصه مبارزاتی علیه رویزیونیزم، میلیتاریزم فاشیستی، تیوری سه جهانی و رویزیونیزم آوآکیانی، لیبرالیزم و نئولیبرالیزم و اندیشه های تسلیم طلبانه با عزم آهنین و درک متعالی خردمندانه پیکار نمود خصوصیات جامعه خود را خوب درک نموده بود و خود را درگیر مبارزه با این پدیده های که مشخصه یک جامعه مستعمره - نیمه مستعمره - نیمه فیودالی نمود و حزب را در این مسیر بصورت دقیق رهبری کرد.

رفیق ضیاء میراث دار و تکامل دهنده اندیشه های دموکراتیک نوین و سوسیالیزم علمی در افغانستان می باشد. و آن چه را که از این مکتب دریافته بود برای نسل آینده کشور میراث به جا گذاشت.

نوید فتح شبستان دهم به راهروان

سرود رزم پیام آوران شود نامم

امروز ویروس کرونا (کوید ۱۹) برای خلق های جهان به یک معضل تبدیل گردیده و کشورهای سرمایه داری را به بحران مواجه ساخته، امپریالیست ها به نحوی از انحاء برای نجات شوم شان می خواهند از آن استفاده های سوء نمایند.

در شرایط کنونی افغانستان که طالبان به اشغال گران آمریکایی تسلیم شده اند و می رود تا پروسه تقابل و تبانی میان رژیم دست نشانده و طالبان به پروسه تبانی میان شان تبدیل گردد، امپریالیزم امریکا و متحدانش و کشورهای منطقه با ساز و برگ استخباراتی شان به جنگ های ارتجاعی - استخباراتی دامن می زنند و توده های ستمدیده کشور را در بدترین شرایط اقتصادی و امنیتی قرار داده، فقر و بیکاری نیز در کشور افزایش یافته است.

با نهایه شدن پروسه "مذاکرات بین الافغانی" و ایجاد دولت پسا توافق شرایط و اوضاع برای زحمت کشان اعم از زنان و مردان کشور بدتر خواهد شد و جا به جایی در تضادها بوجود خواهد آمد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با درک این اوضاع و احوال باید نیروی مبارزاتی اش را برای آگاه نمودن نسل جوان و توده های زحمت کش افغانستان چند برابر تقویت نموده و در جهت افشاگری هر چه بیش تر نیروهای ارتجاعی، میهن فروش و نیروهای تسلیم شده و تسلیم طلب بکوشد.

زنده باد انقلاب

زنده باد پیوند کارگران و دهقانان

زنده باد وحدت خلق های تحت ستم افغانستان و جهان

مرگ بر اشغال گران

مرگ بر دولت فاسد و دست نشانده افغانستان

یاد و خاطرات رفیق ضیاء بطور همیشه در قلب ها جاودانه خواهد ماند

با تشکر از رفیق م.

شعری را که رفیق م. در ابتدای صحبت هایش دکلمه نمود از رفیق ضیاء است. برای تاکید دوباره من آن را خدمت تان تقدیم می دارم.

مسیر شهر آزادی

دل باران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است

غم مرگ عزیزان به خاک افتاده سنگین است

مداوا بهر درد ما بود عزم نبرد ما

ولی نبود غم و اندوه علاج رنج و درد ما

به جنگ ما به جز فتح و فنا دگر شعاری نیست

ز خصم دد منش جز قتل و غارت انتظاری نیست

بکوبیم یا که او سازد تن ما را به دار آذین

درین پیکار خشم آگین سر دشمن به سنگ کین

هزاران رفته در این ره هزاران دیگر آیند

هزاران مانده از این ره هزاران دیگر پایند

سرود ره نوردانش خوش آوا زیر وبم دارد

مسیر شهر آزادی دراز است و پیچ و خم دارد

که بزم انقلاب است این نه بزم عیش و مهمانی

هزاران جان فدا باید تیار از بهر آزادی

حال از رفیق آ. د. می خواهیم آن چه را تهیه نموده اند به سمع شما برساند.

سند تحریری خانم دکتورس آ. د.

رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

به جاودانگی پیوست

فریاد شب

در شبستانی چنین سرد و خموش

آدمم ، تا شورشی برپا کنم

تاسکوت تلخ ساحل بشکنم

سینه را جولانگه دریا کنم

مست و از خودرفته در میدان رزم

پرمل آزادگی مینا کنم

چون پرستوهای نا آرام صبح

رازشب را فاش با غوغا کنم

عقده اوهام این شام سیاه

با پیام صبح روشن واکنم

رازصدها رمزمرگ و زندگی

نقش بر گه نامه فردا کنم

دل به توفان بندم و غلطم به موج

در کنار شعله مستی ها کنم

عشق می خواند مرا در بزم خلق

ناخلف باشم اگر حاشا کنم

رفیق ضیاء نه تنها رهبر فرزانه و خردمند حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بود، بل که رهبری بود که از وضعیت تک تک اعضای حزب باخبر بوده و مایه امید همه اعضای حزب بود و اوضاع ملی و بین المللی را به درستی می شناخت. او در برخورد با رفقا صمیمی، اما در عین حال در استراتژی قاطع و در برخوردهای تاکتیکی انعطاف از خود نشان می داد. با هر کمبود، نواقص، اشتباه و حتی انحراف بطور

دقیقاً یک سال است بزرگترین راد مرد تاریخ را از دست دادیم. یک سال است که رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در میان ما نیست و ما در این مدت همیشه کمبود او را احساس نموده ایم. جای بس تاثیر است که در شرایط حساس کشور رفیق ضیاء را از دست دادیم.

جدی برخورد می‌نمود، استدلالش خیلی دوستانه و صمیمانه بود. او بی نهایت تلاش برای اصلاح رفتارها داشت.

ما به خوبی درک نمودیم که نه تنها رهبری توانا، بل که یک تیوریسن بر جسته در سطح ملی و بین المللی را از دست داده ایم. رفیق ضیاء شخصیتی نادر در سطح منطقه بود و کاملاً متعهد به مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم که بیش از چهل سال عمرش را بطور حرفه‌ای در این راه وقف نمود، بود.

رفیق ضیاء بعد از اشغال کشور برای اتحاد مائوئیست های افغانستان تلاش فروان نمود و بالاخره موفق به ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید. بعد از ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء مبارزه علیه اشغال گران امپریالیسم و رژیم دست نشانده، بعنوان دشمنان عمده خلق های زحمت کش کشور سر لوحه مبارزاتی خود و وظیفه عمده مبارزاتی را در صدر وظایف مبارزاتی خویش قرار داد. او در این مدت بخوبی نشان داد که تسلیمی ها و تسلیم طلبان "چپ" به بخشی از نیروهای اشغال گر و رژیم پوشالی تبدیل شده اند، و با جرات اظهار نمود که مبارزه با تسلیمی ها و تسلیم طلبان جزء لاینفک مبارزه با اشغال گران امپریالیسم و رژیم دست نشانده است. او تا زمان بدرد حیاتش این مسیر مبارزاتی را به خوبی رهبری و به پیش سوق داد.

رفیق ضیاء نه تنها در سطح ملی علیه انحرافات، اپورتونیزم، رویزیونیسم و تسلیم طلبی مبارزه نمود، بل که در سطح بین المللی نیز در این راه پیش گام بود. او اولین کسی بود که علیه رویزیونیسم "سنتزهای نوین" آواکیان، رویزیوم "راه پارچندا" و انحراف عمیق "اندیشه گونزالو" ایستاد و مبارزاتش را با جدیت پیش برد و حزب را نیز در این مسیر به حرکت در آورد.

رفیق ضیاء نه تنها به خاطر آزادی طبقه کارگر و بقیه زحمت کشان افغانستان چهل سال زندگی حرفه‌ای خود را وقف مبارزه نمود، بل که رهایی زنان از قید هر گونه ظلم و ستم در پیوند فشرده رهایی طبقه کارگر نیز قرار می داد. او به خوبی درک نموده بود که بدون جنبش انقلابی زنان هیچ انقلابی نمی تواند به پیروزی برسد. لذا او همیشه جلوه های ستم بر زنان را بر ملا می نمود.

رفیق ضیاء بطور مختصر جلوه های ستم بر زنان را از زمان تجاوز سوسیال امپریالیسم "شوروی" تا کنون را این گونه توضیح نموده است:

« جنایات و ددمنشی های رژیم و باداران سوسیال امپریالیست شان، اکثریت عظیم زنان افغانستانی را نیز همانند مردان این کشور، در مخالفت با اشغال گران و رژیم دست نشانده شان قرار داد. زنان وسیعاً در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی دخیل گردیدند. اما به دلیل سلطه روز افزون نیروهای بنیاد گرای وابسته به امپریالیست های غربی و ارتجاع منطقه و عرب بر این مقاومت، نقش شان صرفاً یک نقش سنتی باقی ماند. این نیروها به زنان اجازه ندادند که فعالانه در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی شرکت نمایند. آن ها درین جنگ کشته می شدند، عزیزان شان را از دست می دادند، توسط نیروهای دشمن مورد تجاوز قرار می گرفتند و وسیعاً به آوارگی کشانده می شدند. اما اجازه نداشتند که اسلحه بر دارند و بصورت مسلحانه در مقاومت شرکت نمایند. حتی نیروهای چپ مخالف سوسیال امپریالیسم "شوروی" و رژیم دست نشانده اش، که طی چند سال اول مقاومت در مبارزات مسلحانه بصورت نسبتاً وسیع شامل بودند، زنان و دختران را وسیعاً به فعالیت های جنگی سوق ندادند و در نتیجه نقش آن ها در این بخش از مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی نیز قویاً غیر جنگی و به اصطلاح صرفاً سیاسی، و در همین سطح نیز محدود، باقی ماند. پس از آن که رهبری های این سازمان ها به خارج از کشور انتقال یافتند، همین نقش صرفاً سیاسی محدود زنان و دختران مربوط به آن ها نیز عمدتاً یک به یک نقش خارج کشوری مبدل گردید.

وقوع فاجعه هشت ثور ۱۳۷۱ یا تحویل دهی قدرت توسط بقایای رژیم باز مانده از دوران اشغال، به بنیاد گرایان اسلامی و ملیشه های متحد شان و به وجود آمدن " دولت اسلامی"، یک عقب گرد عظیم در مورد مسئله زنان در افغانستان را رقم زد. این عقب گرد، تقریباً تمامی دستاوردهای بدست آمده جنبش زنان را به سوی نابودی سوق داد. کار زنان شهری در بیرون خانه را وسیعاً محدود ساخت، تعداد دختران شامل در دانشگاه ها و مکاتب را وسیعاً تقلیل داد و حجاب اجباری را سرتاسری ساخت و زنان جوان و دختران جوان و حتی خرد سال را به گروگانان و غنایم جنگی خانه جنگی های ددمنشان باند های مختلف بنیاد گرا تبدیل نمود. حتی دادگاه عالی دولت اسلامی، یک فتوا نامه شرعی مبنی بر بستن کامل مکاتب دخترانه، اخراج دختران و زنان از دانشگاه ها، دفاتر دولتی، کارخانجات و رادیوها و تلویزیون صادر کرد. دولت اسلامی به دلیل تشمت، تفرقه درونی و عدم هم آهنگی شدید ارگان های مختلف آن، قادر نگردید، این فتوا نامه را بطور کامل تطبیق نماید. در واقع تطبیق کامل همین فتوا نامه امری بود که توسط امارت اسلامی طالبان جامه عمل پوشید.

امارت اسلامی طالبان تقریباً تمامی مکاتب دخترانه را بست، دختران را از دانشگاه ها اخراج کرد، تمامی زنان شهری را مکلف به برقع پوشی نمود، کار بیرون از خانه زنان شهری

را کاملا از میان برد، مسافرت زنان بدون سرپرست مرد را ممنوع قرار داد و حتی بازار و حمام زنانه را به روی زنان بست. دسته‌های باند بد نام " امر به معروف و نهی از منکر " طالبان در کوچه‌ها و جاده‌های شهرهای مختلف کشور، شلاق بدست، زنان و دخترانی را که حجاب شان مطابق به میل آن‌ها نمی‌بود، در ملاء عام شلاق می‌زدند و تحقیر و توهین می‌کردند. در همین دوره چند تظاهرات اعتراضی زنان توسط طالبان مسلح به خاک و خون کشیده شدند و تعدادی از زنان معترض به زندان افتادند.

یکی از بهانه‌های فریب‌کارانه امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود. این ادعا بخاطری یک بهانه فریب‌کارانه بود که امارت اسلامی طالبان و تمامی سیاست‌های ارتجاعی آن، منجمله شوونیزم غلیظ مرد سالارانه اش، نه در تخالف با سیاست‌های امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی و وابستگان منطقه یی شان، بل که در توافق با سیاست‌های مذکور، به روی صحنه آمد. شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان منطبق با سیاست‌های دوره یی آن‌ها بود و بدون حمایت فعال مستقیم و غیر مستقیم آن‌ها، موجودیت طالبان و امارت اسلامی شان می‌توانست یک امر قویا غیر محتمل باشد.

علاوتا ادعای مذکور بخاطری یک بهانه فریب‌کارانه بود که آن‌ها بجای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست‌نشانده ای را رویکار آوردند که نیروها و شخصیت‌های مرد سالار شوونیست، بخش اعظم ترکیب آن را تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت‌های ارتجاعی و اساس سیاست‌های شان، صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست‌های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست‌نشانده آن‌ها، مسئله زنان به مثابه گروگانگی در دست اشغال‌گران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون این که کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده‌های وسیع زنان به وجود آمده باشد.

البته هویدا است که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغال‌گران و رژیم پوشالی پرورنده شده و به صورت نمایشی به روی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیاد گرایان حاکم در رژیم دست‌نشانده را بپوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریب‌کارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بل که به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار نیز راه یافته اند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست‌پرورده، توده‌های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان با دوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است. در بعضی موارد مشخص، مثلا مکاتب دخترانه، حمام‌های زنانه، تا حدی کار زنان شهری در بیرون از خانه و غیره، تا آنجائی که به تفاوت تفسیرهای جهادی و طالبی از شریعت مربوط است، کم و بیش وضع زنان بهبود یافته است. اما سنت‌های دد منشانه‌ای که توسط امارت اسلامی طالبان ضد شرعی اعلام گردیده و رسماً منسوخ شده بودند، از قبیل بد دادن (دختر خون)، بدل، ملک موروثی دانستن زن بیوه توسط خانواده شوهر زن و غیره، بار دیگر وسیعا احیا شده اند و حتی توسط مقامات بلند پایه رژیم مورد اجرا قرار می‌گیرند.

نمی‌توان ادعا نمود که تفنگ بدستان طالب از دست‌درازی به زنان و تجاوز بر آن‌ها، کاملا بری بوده اند. اما دست‌درازی‌ها و تجاوزات منسوبین نیروهای امنیتی رژیم و نور چشمی‌های مقامات بلند پایه آن، به حدی رسوا و بی‌شرمانه گسترش یافته است که نه تنها با دوره امارت اسلامی طالبان به هیچ وجه قابل مقایسه نیست، بل که در تاریخ افغانستان کمتر مثل و مانندی دارد. اختطاف دختران جوان و حتی خورد سال و تجاوز بر آن‌ها، به یک امر روز مره تبدیل شده و کمتر روزی را می‌توان سراغ نمود که این قبیل حوادث به وقوع نپیوندد. اختطاف گران و متجاوزین اکثرا گرفتار و محاکمه نمی‌گردند و آن‌هایی هم که گرفتار می‌شوند، در بدل رشوه توسط مقامات قضایی رژیم برائت حاصل می‌کنند و یا در صورت مجازات توسط مقامات قضایی، مقامات بلند پایه رژیم، منجمله شخص کرزی [فعلا غنی]، آن‌ها را از زندان رها می‌سازند.

اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده ادعا دارند که زمینه‌های وسیعی برای اشتغال زنان در بیرون از خانه به وجود آورده اند. این ادعا از چند جهت فریب‌کارانه و دروغین است. اولاً از این جهت که در سطح کل جامعه زمینه اشتغال گسترش نیافته و روز بروز بر میزان بی‌کاری افزایش به عمل می‌آید. ثانیاً از این جهت که زنان و دختران شاغل در بیرون از خانه صرفاً یک اقلیت کوچک چند فیصده وابسته به اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده را شامل می‌گردد. ثالثاً از این جهت که با نابودی وسیع صنایع دستی و تولیدات غذایی خانگی، توده‌های وسیع زنان روستایی به شدت به سرآشوب فقر و بیچارگی افتاده اند. به این ترتیب سیر رو به رشد بی‌کاری و عدم اشتغال، کل جامعه، منجمله زنان، را تهدید می‌نماید و اشتغال زنان توسط اشغال‌گران و رژیم پوشالی افسانه فریب‌کارانه‌ای بیش نیست.

دهشت افگنی‌ها، خانه‌تلاشی‌ها و بمباران‌های کور نیروهای اشغال‌گر امپریالیست، معمولاً از میان زنان و اطفال قربانی می‌گیرند. منسوبین این نیروها، اعم از افسر و عسکر،

متجاوزین بالقوه و بالفعلی هستند که نه تنها زنان و دختران مناطق جنگی، بل که پسران و مردان این مناطق، و هم‌چنان زندانیان، را نیز پیوسته مورد تهدید جنسی قرار می‌دهند.

پناه‌گاه‌های مربوط به وزارت امور زنان رژیم که تقریباً در تمامی ولایات کشور به وجود آمده‌اند، برای زنان گرفتار مصایب، نه مکان‌های مصئون و امن، بل که مکان‌های استفاده جویانه جنسی مقامات رژیم از آن‌ها هستند. زن و دختری که یک‌بار به این "پناهگاه" ها وارد گردد، بربادی اش کامل و آینده اش کاملاً تیره و تاریک می‌گردد.

درین‌جا لزومی ندارد در مورد سیاست‌های زن ستیزانه طالبان زیاد صحبت نمائیم. طالبان، همان طالبان دوره امارت اسلامی هستند و اساساً کدام فرقی نکرده‌اند. آن‌ها در مناطق تحت کنترل شان مکاتب دخترانه را می‌بندند و زنان را از کار بیرون از خانه در موسسات دولتی و موسسات به اصطلاح کمک‌رسانی غیر دولتی، منع می‌کنند. اما این قدر هست که چون مناطق تحت کنترل شان در بیرون از شهرها قرار دارد، دسته‌های "امر به معروف و نهی از منکر" شان فعال نیستند، با پوشش سنتی زنان روستایی مشکلی ندارند و در مورد آن‌ها سخت‌گیری نمی‌کنند. «تاکیدات همه‌جا از من است»

رفیق ضیاء همیشه به زنان می‌آموخت که اگر می‌خواهید از قید اسارت رهایی یابید، باید وظایف ذیل را به عنوان وظایف مبارزاتی خویش همیشه در صدر مبارزات تان قرار دهید. او وظیفه عمده مبارزاتی زنان را چنین بیان نموده است:

«اولین وظیفه و وظیفه عمده جنبش زنان در افغانستان، مبارزه علیه اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده و بصورت مشخص مبارزه علیه برنامه‌های اغواگرانه آن‌ها در مورد زنان است. جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق‌طلبانه و عادلانه ضد شوونیستی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغال‌گران و خائنین ملی مورد سوء استفاده قرار بگیرد.

- مبارزه علیه اشکال مختلف شوونیسم مردسالار که تحت نام‌های مذهب، سنت، تقدس خانواده و غیره اعمال می‌گردد، به مثابه وظیفه خاص جنبش زنان.

- مبارزه برای گسترش جنبش سیاسی سکولار در جامعه مبتلا به بنیادگرایی چندجانبه افغانستان، یکی از وظایف مهم مبارزاتی جنبش زنان را تشکیل می‌دهد. بنیادگرایی، چه در چهره رژیم دست‌نشانده خود را نشان دهد، چه در

چهره طالبان و نیروهای مشابه آن، برای جنبش زنان زهر کشنده است و این جنبش هیچ چاره‌ای جز مبارزه جدی و پیگیر علیه آن ندارد...» (تاکیدات همه‌جا از من است)

رفیق تاکید مکرر داشت که هر گاه زنان بخواهند از قید اسارت رهایی یابند، جنبش زنان باید مبارزه علیه ستم جنسی را در پیوند فشرده مبارزات طبقاتی تا سرنگونی کامل سرمایه داری به پیش برد. یا به عبارت دیگر جنبش مبارزاتی زنان در پیوند فشرده و تنگاتنگ مبارزاتی طبقاتی طبقه کارگر و سایر زحمت‌کشان علیه ستم طبقاتی قرار داشته و در ضمن مبارزه علیه شئونیزم میلیتی و جنسیتی را نیز پیش ببرد.

رفیق ضیاء به زنان آموزش می‌داد که جنبش مبارزاتی زنان باید با جنبش زنان سایر کشورها ارتباط فشرده برقرار نماید و متقابلاً یک‌دیگر را حمایت نمایند

یکی دیگر از توصیه رفیق ضیاء به جنبش انقلابی و مائوئیستی داخل و خارج کشور این بود که باید تلاش نمایند تا جنبش مبارزاتی زنان را تقویت نمایند، او تاکید می‌نمود که گرچه مبارزه علیه شئونیزم میلیتی و شئونیزم جنسی باید در تابعیت از تضاد عمده کشور و مردمان کشور به پیش برده شود، اما این مبارزه یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و به هیچ عنوان نباید به فراموشی سپرده شده و به حاشیه رانده شود و یا این که به بعد از انقلاب ماکول گردد.

آموزش رفیق ضیاء این نکته را به خوبی مشخص می‌سازد که او به نقش زنان در مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و مبارزه طبقاتی چقدر اهمیت قابل بوده است.

امروز در افغانستان بر هیچ کس پوشیده نیست که زن برده‌خانگی است، شکنجه و توهین و حتا کشتن زن هیچ مجازاتی در پی ندارد و طبق این گفته معروف: «بی‌حجابی زن از بی‌غیرتی مرد است» غرور مرد به حساب می‌آید.

باید جنبش زنان آموزه‌های رفیق ضیاء را جدلاً در نظر گرفته و عملاً برای پیاده نمودن آن بکوشند و نقاب کذب را از چهره تمامی مرتجعین و میهن‌فروشان بردارند و تا سرنگونی قهری نظام ستم‌گرانه و استثمارگرانه و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و حرکت بسوی سوسیالیسم به پیش روند.

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد

با تشکر از رفیق آ. د.

بلی « یکی از بهانه‌های فریب‌کارانه امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود. این ادعا بخاطری یک بهانه فریب‌کارانه بود که امارت اسلامی طالبان و تمامی سیاست‌های ارتجاعی آن، منجمله شوونیزم غلیظ مرد سالارانه اش، نه در تخالف با سیاست‌های امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی و وابستگان منطقه بی‌شان، بل که در توافق با سیاست‌های مذکور، به روی صحنه آمد. شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان منطبق با سیاست‌های دوره بی‌ان‌ها بود و بدون حمایت فعال مستقیم و غیر مستقیم آن‌ها، موجودیت طالبان و امارت اسلامی شان می‌توانست یک امر قویا غیر محتمل باشد.

علاوتاً ادعای مذکور بخاطری یک بهانه فریب‌کارانه بود که آن‌ها بجای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست‌نشانده ای را رویکار آوردند که نیروها و شخصیت‌های مرد سالار شوونیزم، بخش اعظم ترکیب آن را تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت‌های ارتجاعی و اساس سیاست‌های شان، صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست‌های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های امریکایی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست‌نشانده آن‌ها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغال‌گران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون این‌که کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده‌های وسیع زنان به وجود آمده باشد.»

حال از رفیق ساسان می‌خواهم که روی سٹیژ آمده و آن‌چه را تهیه نموده اند به خوانش بگیرد.

سند تحریری رفیق ساسان

رفیق ضیاء رهبری خردمند و معلم توانا برای خلق‌های زحمت‌کش افغانستان بود

رفقا! حزب کمونیست انقلابی امریکا خود را بنمایش گذاشت، رفیق ضیاء بی‌دغدغه و بدون ضیاع وقت علیه آن بعنوان پسا مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیسم به مبارزه برخاست و دقیقاً نشان داد که اگر جلوی آن گرفته نشود به رویز یونیزم منتهی می‌گردد که پیش بینی رفیق ضیاء کاملاً دقیق از آب در آمد.

رفیق ضیاء با این خصوصیات زندگی نمود و با این خصوصیات دیده از جهان فرو بست و به خواب ابدی رفت. این مرگ، مرگی است شرافت‌مندانه به سنگینی کوه. بنا بقول شاعر:

« من ای هم رزم و هم زنجیر و هم سنگر همی دانم

که مرگی ما پر قو نیست، کوه هست و گران سنگ است»

با کمال تاسف که بعد از درگذشت رفیق ضیاء تعدادی از رفقای " نیمه راه" که نتوانسته بودند خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء را هضم نمایند، آگاهانه و غیر آگاهانه به این خط پشت نمودند و انحلال طلبی را پیشه کردند.

زمانی که ببرهای تامیل تحت رهبری کرن توسط ارتش متجاوز هند به خاک و خون کشیده شد و کرن هیچ‌گاه تن به تسلیمی نداد، تا جان به تن داشت در برابر ارتش متجاوز هند مقاومت نمود تا این‌که کشته شد. آن‌گاه رفیق ضیاء در این مورد شعری سرود، در این شعر چهره گونزالو و پاراچندا را بعنوان کسانی که مبارزه را "نیمه" گذاشته و به دشمن تسلیم شدند به تصویر کشیده و چهره کرن را با آن‌که مارکسیست - لنینیست - مائوئیست نبود و یک فرد ملی بود متبارز نمود و برتر از گونزالو و پاراچندا به تصویر کشیده است. این سروده رفیق ضیاء در مورد رفقای "نیمه راه" ما نیز صادق است. بناءً ضروری است که در این زمان آن‌را زمزمه نمایم:

من هم به نوبه خود حضور گرم شما رفقای مبارز و انقلابی را در محفل یادبود اولین سال‌گرد درگذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان خیر مقدم می‌گویم.

رفیق ضیاء رهبری خردمند و معلم توانا برای خلق‌های زحمت‌کش افغانستان بود، او همیشه به آزادی مردم ستم‌دیده و استقلال کشور می‌اندیشید. چقدر دردناک است از دست دادن چنین رهبر خردمند و توانایی را.

ما یک سال است که این ضایعه بزرگ و غیر قابل‌سنجش را با خود حمل می‌کنیم و درد و اندوه رفیق را متحمل می‌شویم.

یکی از خصوصیات رفیق ضیاء این بود که هر گاه هر یک از رفقا با او مقابل می‌شد با صحبت هایش روحیه مبارزاتی رفیق چند برابر می‌گردید.

یکی دیگر از خصوصیاتش این بود که هیچ نیروی توان مقابله با او را نداشت. دانش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی او به اندازه‌ای برایش توان بخشیده بود که هر نیروی مخالف مجبور بود در مقابلش سر تعظیم فرود آورد و تسلیم شود.

رفیق ضیاء از نیمه دهه شصت خورشیدی که جنبش نوین کمونیستی را بنیان گذاری نمود تا زمان بدرود حیات خود، با جدیت علیه هر گونه انحراف، رویز یونیزم، اکونومیزم، خیانت ملی، تسلیمی و تسلیمی طلبی به مبارزه برخاست و تمامی مخالفینش دم فرو بستن و هیچ‌گاه حاضر به مبارزه فعال ایدئولوژیک - سیاسی با او نگرددند.

رفیق ضیاء اولین کسی بود که در سطح بین‌المللی علیه "اندیشه گونزالو" و "راه پاراچندا" بعنوان یک انحراف به مبارزه برخاست، و زمانی که "سنتزهای نوین" آواکیان در متن بیانیه و اساس‌نامه

چو پیکاریِ ظفر یابد رجز خوان
میان جنگ وقت ادعا نیست

دردی سختی است

سخت ترین دردها

درد شکستن یاران

و درد متعاقب آن

درد پدرود گفتن شان با آرمان

و درد متعاقب آن

درد نقض عهد و پیمان شان

و درد متعاقب آن

درد شهادت علیه هم‌سنگران شان.

ببر امازون

وقتی در جنگل بود

و می‌جنگید

ما را در هر گوشه جهان

نبردهایش برای جنگیدن آماده می‌کرد.

و وقتی هم در قفس بود

ولی می‌گرید

غرش‌هایش به ما نیرو می‌بخشید.

ازین رو ما همه در سراسر جهان

برای حفظ جانش با جان کوشیدیم

و از نان اندک خود زدیم

و برای زنده ماندنش خرج کردیم.

اما وقتی از درون زندان

برای صلح و تسلیم زوزه کشید

دیگر از آن ببر جنگی و غرش‌هایش

اثر و نشانه‌ای باقی نماند

و ناگهان ببر دیروزی مان را

در هیئت یک گوره ناتوان یافتیم.



با آرمان پدرود گفت

نقض عهد و پیمان کرد

و خود شهادت زنده‌ای علیه ما گشت.

پس لشکرش شکست و پراکنده گشت

و یاران هم‌سنگرش نیز

یکی یکی به اسارت افتادند

و او جان و تن به صلح خواهی سپرد

اما به صلح نرسید

و حتی به تسلیمی هم نرسید.

فرجامش اگر هم چو مائو نشد

می توانست هم چون چپائو باشد

و ما می توانستیم عکسش را

زینت بخش پناه‌گاه مان بسازیم.

اما حالا نمی توانیم بسازیم

و نمی خواهیم بسازیم.

ببر هیمالا یا

وقتی به جنگل رفت

و خروش رعد آسای نبردش

از دامنه‌های ایوریست شنیده شد

یافتن پای گاهی در زمین

در نظر ما مجسم شد

و با پیش‌روی‌های پیهم بعدی اش

خود مان را آماده فتح آن قله یافتیم

تلاش‌های پیروزمندش

همه ما را به وجد می آورد

و قوت مان می بخشید.

به شدت فریفته اش بودیم

حتی وقتی راه عوض کرد

و با دلهره هوشدار باشش دادیم



ولی چون با اطمینان می گفت

کماکان می خواهد به قله برسد

نتوانستیم کاملاً تکذیبش کنیم

و او را تهنیت و شاد باش گفتیم.

اما اکنون که او را

به روشنی و صراحت

همراه گرگان و شغالان می بینیم

و مقهور کرگسان و لاشخواران

به " کرن "

آری به " کرن "

غبته می خوریم.

" کرن " پس از سی سال نبرد

در راهش جان داد

راهی که انتخاب کرده بود



محکم تر و قوی تر از اوجالان

بی گمان راه او راه بنیادین نبود

و او نتوانست پیروز شود

و نمی توانست پیروز شود

اما می توانست و توانست

به تسلیمی و انقیاد تن در ندهد

بخاک افتاد

اما پیش دشمنش به سجده نیفتاد.

مگر نه شعار نبرد اینست؟

یا مرگ یا پیروزی!

ببر همالایا

اگر دومی را نمی توانست

کاش اولی را بر می گزید

تا اگر هم چو مائو نگشت

هم چو سرو بلندش می گشت

و ما می توانستیم عکسش را

زینت بخش پناه‌گاه مان بسازیم.

اما حالا نمی‌سازیم

و نمی‌خواهیم بسازیم.

که په " میوند " کی شهید نه شوی

گرانه لالیه بی ننگی ته دی ساتینه!

جنگ‌جویان بدبخت

نه به پیروزی می‌رسند

و نه به مرگ دست می‌یابند

شکست می‌خورند

و آواره جهان می‌شوند

و یا به کنج قفس می‌افتند.

ما خود این بدبختی را

در گذشته تجربه کرده ایم.

و جنگ‌جویان بدبخت تر

ناتوانان از نبرد اند

و ما هم اکنون

این بدبختی مضاعف را

به تجربه نشسته ایم.

اما بدبخت‌ترین جنگ‌جویان

بدبختانی اند که

شکست شان را پیروزی

تسلیمی شان را برتری

سر خمی شان را سرفرازی

و انحراف شان را استواری

جا می‌زنند

و بر خود می‌بالند.

و بهره‌ای ما این‌گونه گشتند

درس ما از عاقبت شان

و عبرت ما از سرگذشت شان

این است و باید این باشد:



با تواضع تدارک نبرد چیدن

و با تواضع جنگیدن

بدون خود ستایی و بزرگ نمایی

رجز خوانی‌های قبل از پایان یک نبرد

لافزنی‌های بیهوده است.

پس از آن که نبرد به پختگی رسید

و پیروزی به کف آمد

حقیقت هم‌چو آفتاب

با دو انگشت پنهان نخواهد شد.

آری!

انحلال طلبان بعد از در گذشت رفیق ضیاء به آرمان صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پرورد گفتند و نقض عهد و پیمان نموده به رجز خوانی و لاف زنی‌های بیهوده پرداختند و تلاش می‌ورزند تا انحراف شان را استواری و اصولیت جا بزنند. اما تاریخ تثبیت خواهد نمود که رفقای "نیمه راه" ما نه به پیروزی می‌رسند و نه به مرگ دست می‌یابند، بل که مرگ شان مانند پر قوی خواهد بود که بادش خواهد برد.

رفقا!

بهترین تجلیل از یاد و خاطره رفیق ضیاء همانا ادامه دادن خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء یعنی خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و حفظ وحدت حزب می‌باشد. هر گاه ما بتوانیم این خط را ادامه دهیم، هم خود و هم رفیق ضیاء را زنده نگه خواهیم داشت. ما سوگند یاد می‌کنیم، که خط حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که توسط رفیق ضیاء و هم‌زمان او بنیان گذاری شده به پیش می‌بریم و ما سوگند یاد می‌کنیم و می‌گوئیم که رفیق ضیاء!

ما هم مانند تو وحدت حزب را هم‌چو مردمک چشم خود حفظ خواهیم نمود در فشی را که تو بر افراشتی به همان شکلش به اهتزاز نگه خواهیم داشت.

رفیق ضیاء به جاودانگی پیوست

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد.

با تشکر از رفیق ساسان

طلسم شوم استبداد بشکن

بگیر و رونقی فرهاد، بشکن

ازین پس هر چه بادا باد، بشکن

نخست این نظم بی بنیاد بشکن

اگر خواهی شوی آزاد، بشکن

بیا و پنجه بیداد بشکن

بدستی تیشه و در دیگری سر

به فریادی زلب مهر خموشی

اگر خواهی بنا کردن بنایی

تو شاهینی، قفس را "سرمد" از خشم

در این قسمت محفل از رفیق ک. می‌خواهم آن‌چه را که تهیه نموده اند خدمت تان تقدیم نماید.

رفیق ضیاء جاودانه و فنا ناپذیر است

چه جان بخش است در عشقی تبیین

جهانی دیگر از نو آفریدن

بسوی کهکشانها پیش رفتن

به بال زحمت انسان پریدن

شهاب تیزگام رزم و پیکار

در این وادی به پرواز آوردن

به تیغ خشم محنت آشنایان

گلوی میرو سلطان را بریدن

و آنگه در بهارستان میهن

به پای گلبن زحمت چمیدن

سرود زندگانی ساز کردن

گل امید انسان پروریدن

زباغ آرزوی رادمردان

گیاه هرزه گی را پاک چیدن

خوشا در پرتو خورشید زحمت

« جهانی دیگر از نو آفریدن »

رستاخیز



یک سال قبل رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از دست دادیم. بر هیچ کس پوشیده نیست که رفیق ضیاء زندگی اش را وقف مبارزه در راه مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم نمود. مرگ نا به هنگام رفیق ضیاء واقعا یک ضایعه بزرگ برای خلق ستم دیده کشور و زنان این کشور که نه تنها از ستم طبقاتی، بل که از ستم امپریالیستی و شئونیزم مردسالارانه جامعه رنج می‌برند، می‌باشد.

رفیق ضیاء یک انترناسیونالیست کبیر بود، او از زمان فروپاشی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی تا زمانی که مرگ او را در آغوش گرفت، نه تنها علیه رویونیسم نوحاسته آواکیانی و پاراچندایی مبارزه نمود، بل که تلاش جدی برای احیای دوباره جنبش انقلابی انترناسیونالیستی نمود و طرحات مشخص حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به جلسات احزاب و سازمان های مائوئیست جهان ارائه نمود که تا همین اکنون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان همان طرحات و پیش نهادات را در جلسات ویژه احزاب و سازمان های مائوئیست جهان به پیش می‌برند.

رفیق ضیاء نه تنها یک رهبر راسخ و آموزگار عالی بود، بل که یک نویسنده، یک شاعر و یک فرمانده شجاع و قاطع بود. منافع شخصی رفیق ضیاء همیشه تابع منافع سیاسی وی بود. بر همین اساس بود که او ساده زیست و با مشکلات اقتصادی تا آخر دست و پنجه نرم نمود. او از ثروت اندوزی نفرت داشت و همیشه به رفقا توصیه می‌نمود که دنبال کارهای بزرگ با درآمد زیاد نباشند. او توصیه می‌نمود که همین درآمدهای بزرگ است که مانع مبارزات انقلابی روشن فکران گردیده است. او از سازمان های که غرق NGO (انجو) بازی بودند یاد می‌نمود و تشریح می‌کرد که چگونه دنبال زندگی شخصی رفتند و از هم فروپاشیدند.

بحث مفصل بر روی زندگی شخصی رفیق ضیاء ضرورت ندارد، زیرا کسانی که از نزدیک با وی آشنایی داشتند زندگی او را بدقت مشاهده نموده اند و شاهد زندگی فقیرانه رفیق ضیاء بوده و می‌باشند. اما ایدئولوگ‌های بورژوازی امپریالیسم، تسلیم شدگان و تسلیم طلبان افغانستان به اشغال‌گران امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده از هیچ‌گونه افتراء و تهمت علیه رفیق ضیاء با تشکر از رفیق ک.

بدترین بیسواد، بیسواد سیاسی است!

ابا نورزیدند و هر گونه الفاظ زشت، رکیک و غیر شرافتمندانه را نثارش نمودند، اما این حرکات تسلیم شدگان و تسلیم طلبان کوچک‌ترین اثر منفی روی رفیق ضیاء نگذاشت، او با قامتی استوار در مبارزه علیه اشغال‌گران، رژیم پوشالی، تسلیم شدگان و تسلیم طلبان جدی تر از قبل گام برداشت.

رفیق ضیاء در مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی هیچ‌گاه اصول انقلابی را فراموش ننمود و به زبان سیاسی در مقابل زبان لومینانه به مبارزه برخاست. او با اسناد و مدارک نشان داد که حرکات و عمل‌کردهای تسلیم طلبان در خدمت منافع اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده قرار دارد. همین زبان سیاسی و استدلال منطقی وی بود که آن‌ها در صحنه سیاسی به شکست مواجه نمود و به انزوای سیاسی کشاند.

هر خواننده‌ای که به سایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مراجعه نموده باشد بطور دقیق متوجه شده است که حتی یک کلمه رکیک نمی‌توان در شماره های شعله جاوید یافت.

رفیق ضیاء همیشه به اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان این توصیه می‌نمود که:

«از تظاهر و افاده فروشی بپرهیزید، زیرا تظاهر و افاده فروشی بیش از همه قابل تحقیر است، برنده‌ترین و موثرترین سلاح فقط روش علمی است. براساس روش علمی است که می‌توان حقیقت را از میان واقعیت‌ها بیرون کشید.»

من متیقین هستم که رفقای ما با تمام توان این توصیه رفیق ضیاء را در نظر دارند و در عمل بکار می‌بندند.

رفیق ضیاء همیشه در قلب ماست

یاد و خاطره رفیق ضیاء را همیشه گرامی می‌داریم.

وی کور و کر است، درک سیاسی ندارد و نمی‌داند که هزینه‌های زندگی از قبیل قیمت نان، مسکن، دارو و درمان همگی وابسته به تصمیمات سیاسی هستند. او حتی به جهالت سیاسی خود افتخار کرده، سینه جلو می‌اندازد و می‌گوید که: "از سیاست بیزار است".

چنین آدم سبک مغزی نمی‌فهمد که بی‌توجهی به سیاست است که زنان فاحشه و کودکان خیابانی می‌سازد، قتل و غارت را زیاد می‌کند و از همه بدتر بر فساد صاحبان قدرت می‌افزاید.

"بر تولد برشت"

حال از رفیق س. می‌خواهم تا آن‌چه را تهیه نموده اند بخوانش بگیرد.

رفیق ضیاء به جاودانگی پیوست

بیانیه و اساسنامه حزب کمونیست انقلابی امریکا تیوریزه نمود، رفیق ضیاء علیه "سنتزهای نوین آواکیان" به مبارزه برخاست و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را نیز در این مسیر بصورت درست و اصولی رهبری نمود و سیمینار حزبی را روی این موضوع تدویر نمود و از کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی خواهان مبارزات درونی از طریق نشریه درونی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی گردید، متأسفانه که هیچ یک از مقالات رفیق ضیاء علیه "سنتزهای نوین" آواکیان در نشریه درونی نیفتاد و به دسترس اعضای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی قرار نگرفت.

رفیق ضیاء بعد از شش سال تمام مبارزه علیه رویزیونیزم پسا مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم "سنتزهای نوین" آواکیان مبارزاتش را علیه رویزیونیزم "سنتزهای نوین" آواکیان بصورت علنی شروع نمود و به دسترس تمام احزاب مائوئیست جهان قرار داد.

مبارزات رفیق ضیاء علیه "سنتزهای نوین" آواکیان بعنوان رویزیونیزم پسا مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم حزب کمونیست انقلابی امریکا و حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) در سطح جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و بقیه احزاب مائوئیست تجرید نمود.

رفیق ضیاء نه تنها در افغانستان یک رهبر خردمندی بود که همتا نداشت، بل که به یقین می توان گفت که در سطح منطقه بی همتا بود.

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد

امروز اول سرطان ۱۴۰۰ مصادف است با اولین سالگرد در گذشت رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان. یک سال از در گذشت رفیق ضیاء گذشت، اما در مدت یک سال اعضای و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان کمبود او را بدرستی احساس نموده اند.

ما در این روز این جا جمع شدیم تا یاد و خاطره بزرگ ترین دانشمند مارکسیست - لنینیست - مائوئیست را گرامی بداریم، و تعهد بسپاریم که مسیر مبارزاتی او را با جان و دل به پیش می بریم و در راه استحکام و گسترش حزب در بین روشنفکران و توده های زحمت کش افغانستان با جدیت تلاش می نمایم.

اعتقاد راسخ ما اینست که هر گاه بتوانیم بصورت دقیق و اصولی راه مبارزاتی رفیق ضیاء را ادامه دهیم بطور یقین می توان گفت که هیچ گونه خلاء در امر رهبری بوجود نخواهد آمد.

رفیق ضیاء یک مارکسیست - لنینیست - مائوئیست و یک تیوریسن کبیر بود. او نه تنها در افغانستان، بل که احزاب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست جهان نیز او را بعنوان تیوریسن بزرگ می شناختند.

رفیق ضیاء سال های متمادی علیه "راه پارچندا" و "اندیشه گونزالو" بعنوان یک انحراف جدی در سطح بین المللی به مبارزه برخاست، اما حزب کمونیست انقلابی امریکا و حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) که رهبری کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را قبضه نمودند از مبارزات رفیق ضیاء جلو گیری بعمل آوردند.

زمانی که در سال ۲۰۰۶ میلادی آواکیان "سنتزهای" خود را در با تشکر از رفیق س.

رمز تحول

خلق را بنگر که چون بهمن ز خواب آید برون

وز طلسم شوم دزدان با شتاب آید برون

این سخن از سینه هر شیخ و شاب آید برون

از بن هر صخره صد گلشن گلاب آید برون

این کهستان گردرفش انقلاب آید برون

پایگاه دانش آمد جوش و جولان عمل

راستین عهد جهان شد عهد و پیمان عمل

روتامل کن که باشد مرگ پایان عمل

نکته سنج معنی رزم است توفان عمل

انقلابی بایدا همچون شهاب آید برون

تا بکی صبرو سکوت تلخ با رنج و الم

ناکسان سرگرم عیش و خلق درد ریای غم

نیست بی جا گر بگویم بی تامل دمبدم

زندگانی جلوه پیکار با دیو ستم

غیر از آن از هستیش نقش حباب آید برون

گر ستم گررا ز خون ما بود خوان نکو

کارگر را نیست یکدم هیچ پروائی زاو

از حریم خلق می آید بگوش این های و هو

بزم زحمت، مظهر جوشان عشق و آرزو

زین خمستان تا ابد جوش شراب آید برون

مشق عصیان کن فروهل دانه توفان راه

تادر آن سنگردل جنگاوران گیرد پناه

گربیا خیزند مردم کی کند کاری سیاه

صبح رستاخیز شام مرگ دژخیمان شاه

کز همه نیرنگ شان نقشی بر آب آید برون

هست کار کارگر متن تحول درجهان

بورژوا را زین فراز آمد تجمل درجهان

این سخن بنوشته آمد بی تغافل درجهان

گرشگافی رمز آهنگ تحول درجهان

انقلاب و انقلاب و انقلاب آید برون

رستاخیز

در این قسمت محفل از رفیق م.ب. می خواهیم تا سخنانش به گرمی محفل ما بیفزاید.

سند تحریری رفیق م.ب.

یاد نامه مردی از سلاله قهرمانان تاریخ افغانستان

لنینیستی – مائوئیستی مانند بقیه تسلیم طلبان "چپ" به جاه و مقامی برسد، اما چنین نکرد و روی اصول پا فشاری نمود. او زندگی حقیرانه را بر تسلیم شدن به اشغال گران و رژیم پوشالی ترجیح داد.

رفیق ضیاء در مکتب رنج آموخته بود که باید برای بر انداختن مناسبات کهنه اجتماعی مبارزه کرد و قیام نمود و در برابر نظام موجود نه گفت و تمام ارزش های دنیای بورژوازی را از طریق انقلاب قهری نفی نمود.

یک سال پیش در چنین روزی اندیشمندی متعهد، متفکر، سیاستمداری دانا در گذشت. رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در خانواده خرد مالک دهقانی در یکی از روستاهایی ولایت.... به دنیا آمد.

نخستین معلم رفیق ضیاء درد و رنج مردم ستم دیده افغانستان بود. او در طوفانی از اندوه و اقیانوسی از رنج پرورش یافت. رفیق ضیاء هیچ وقت برای رهایی فردی مبارزه و تلاش ننمود. او تا بدورد حیات به طبقه خود وفادار ماند. برای او نیز میسر بود که با سازش و تسلیم طلبی و انحراف از اصول مارکسیستی –

لنینیزم - مائوئیسم بیگانه است از "ساما" برید و بنیان جنبش کمونیستی در افغانستان را پایه ریزی نمود و همین قاطعیت، سخت کوشی و جدیت وی بود که توانست در زمان اشغال افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و متحدینش حزب پر قدرتی را بنا نهد و با تعیین خط و مشی درست و اصولی آن را به مدت ۱۷ سال رهبری نماید.

رفیق ضیاء به توده ایمان داشت که سازندگان تاریخ اند و آن‌ها می‌توانند در برابر دشواری‌ها و نا همواری‌ها ایستادگی و مقاومت کنند و سیمای جامعه و جهان را دگرگون نمایند و ارزش‌ها، رابطه‌ها و ضابطه‌های مناسبات کهنه را بر هم زنند.

اعتقاد ما اینست که توقف و درنگ انسان می‌تواند مقدمه‌ی باشد برای مرگ و نابودی. رفیق ضیاء همیشه می‌گفت که سکوت در مقابل ستم جنایت است، و نباید دقایقی که از آسمان باروت می‌بارد و فضای افغانستان را تاریک نموده و تاراج گران هر جنایتی که از دست شان می‌آید بر مردم روا می‌دارند سکوت کرد، بل که باید صدای خود را بلند نمود و چهره بیداد گران زمان را افشاء کرد و توده‌ها را با کار پی‌گیرانه و خستگی ناپذیر خود بسیج نمود. فقط از این طریق است که می‌توان به جنگ‌های تخریب کارانه و تجاوز کارانه اشغال‌گران و رژیم پوشالی خاتمه داد و جهان نوینی عاری از ستم بنا نهاد.

رفیق ضیاء از همان آغاز تجاوز و اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیسم امریکا دقیقاً درک نموده بود که تجاوز و اشغال افغانستان بیکاری، قحطی و گرسنگی را پدید می‌آورد و هر چه از عمر اشغال‌گران بگذرد نفرت توده‌ها از آن‌ها بیش‌تر می‌گردد، به همین علت بود که به ما آموخت که با ایمانی راسخ و خارا ئین به منافع علیای کشور و مردمان کشور برای رهایی توده‌ها از قید هر گونه ستم به مبارزات خود ادامه دهیم و تا رسیدن به جامعه‌ی عاری از ستم لحظه‌ای درنگ نکنیم.

رفیق ضیاء رهبری بزرگ بود، او دید باز داشت او زبان توده‌ها را خوب می‌فهمید، سیمایی که از او به یادگار مانده کمتر کسی خواهد توانست بر چنین سیمایی دسترسی پیدا نموده و بردل و روان‌ها جای بگیرد.

یک سال از مرگ او گذشت، جای صدای رعد آسای او خالی است. هر جا که سخن از نبوغ پیش می‌آید سیمای او در نظر است نامت ماندگار و یادت گرامی باد.

رفیق ضیاء انقلابی از جان گذشته و فدایی پیش‌تاز که توقف را نمی‌شناخت و آن را ننگ می‌دانست و با هر دشواری و نا همواری به مبارزه بر خاست و تا آخرین لحظه حیات خود، هیچ‌گاه سنگر توده‌ها را رها نکرد و برای یک لحظه هم توقف و درنگ را روا نداشت.

رفیق ضیاء ما را به مقاومت، مبارزه و ایستادگی علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی فرا می‌خواند. ما از او آموختیم که باید علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی به مبارزه بر خیزیم و توده‌ها را در یک مقاومت همه‌جانبه ملی مردمی و انقلابی برای بیرون راندن قهری اشغال‌گران و سرنگونی رژیم پوشالی و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین بسیج نمائیم.

رفیق ضیاء از جامعه‌ی سخن می‌گفت که در آن گرد خاموشی، سکوت، اندوه و فراموشی پاشیده شده بود، و در میان مردم تخم بی‌اتفاقی، تعصب و پراکندگی کاشته شده بود و هنوز هم می‌کارند. رفیق ضیاء از عمق چنین جامعه‌ی سخن می‌گفت. وقتی می‌نگریست که سرها در گریبان است، مردم در بی‌باوری بسر می‌برند، هیچ بادی از هیچ سویی بر نمی‌خیزد و اشغال‌گران و میهن فروشان آب را گل آلود کرده و توده‌ها را خلع سلاح نموده اند و کسی به سوی توده‌ها دست دوستی دراز نمی‌کند که بساط شب و شب پرستان را بر چینند. در چنین شرایطی که توهم و سردرگی ایدئولوژیک در کشور حاکم بود، رفیق ضیاء گام به جلو گذاشت و به دفاع از مارکسیسم - لنینیزم - مائوئیسم بر خاست و در اتحاد نیروهای مائوئیست کشور در یک حزب واحد و ترسیم یک خط درست و اصولی سیاسی نقش اساسی بازی نمود.

رفیق ضیاء روان جامعه‌ی که در آن زندگی می‌کرد بخوبی می‌شناخت. او به قانون تکامل و پیروزی نهادهای نو بر کهنه ایمان خدشه ناپذیر داشت.

رفیق ضیاء از عمق فاجعه سخن می‌گفت و صدای خود را از دیوارهای که استبداد در اطراف توده‌ها کشیده بود بلند نمود. او بخوبی می‌دید که شب چیره است، گرد خزان باریده است، اما نا امید نمی‌گردد. او راه پیمای سخت کوش و امیدوار است. توقف نمی‌کند به رفتن ادامه می‌دهد، از سنگ و صخره می‌گذرد و باور دارد که سر انجام به روشنایی و آفتاب بهاران می‌پیوندد. همین ایمان راسخ رفیق ضیاء بود که بعد از جانباختن زنده یاد مجید با اعلام مواضع "ساما" به عنوان یک خط رویونیستی و تسلیم طلبانه به مبارزه بر خاست و با تسلیم شدن علنی "ساما" به اشغال‌گران سوسیال امپریالیست و رژیم پوشالی مبارزاتش جدی تر گردید و زمانی که مطمئن شد که خط "ساما" با مارکسیسم -

با تشکر از رفیق م. ب.

بزرگترین بد بختی آدمی این است که در برابر ستم جرات طغیان را از دست دهد.

جان کلام!

زندگی این جا است که طغیان برضد بیدادگری دوام یابد. لحظه ای که انسان ستم را به آسانی تحمل کند آن زمان شوم ترین دوره حیاتش آغاز می گردد.

"برتولیت برشت"

حال از خانم تقاضامندم که مطالب شان را ارائه کنند.

سند تحریری رفیق خانم

رفیق ضیاء فنا ناپذیر است

رفقا!

رفیق ضیاء به ما آموخت که در تابعیت از ستم امپریالیستی و ستم طبقاتی باید علیه ستم جنسی و میلیتی به مبارزه برخیزیم و جلوه‌های گوناگون ستم جنسی و ستم میلیتی را افشاء نمائیم. طبق رهنمود رفیق ضیاء مبارزات زنان انقلابی کشور باید در خدمت این افشاءگری تا سرنگونی کامل بقایای نظام ستم‌گرانه قرار داشته باشد.

ما زنان جامعه افغانستان نقش و شخصیت رفیق ضیاء را در مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده به عنوان دشمنان عمده کشور و مردمان کشور و هم‌چنین مبارزه او را علیه ستم جنسی و ستم میلیتی در تابعیت از این تضاد به خوبی درک نموده و دقیقاً می‌دانیم که چقدر با اهمیت و با ارزش بوده است.

با تاجر و اندوه فراوان، یک سال است که ما در سوگ بزرگ‌ترین راد مرد تاریخ نشستیم. رفقای ما باید با جدیت تمام بکوشند تا جای خالی رفیق ضیاء پر نمایند.

یاد و خاطر رفیق ضیاء رهبر فرزانه حزب ما گرامی باد.

یک سال می‌شود که رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، رهبری خردمند و توانا، رفیقی کاملاً متعهد به مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در میان ما نیست. کارنامه‌ای که از رفیق ضیاء به جا مانده است، تثبیت‌کننده این امر است که رفیق ضیاء در سطح ملی و بین‌المللی برای حفظ و پاکیزه‌گی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم علیه اندیشه‌های انحرافی و رویزونیستی که نسل جوان را مسموم می‌نمود با جدیت مبارزه نمود. این کارنامه رفیق ضیاء او را جاودانه و فنا ناپذیر ساخت.

رفیق ضیاء در طول دوران مبارزاتی خویش مبارزه علیه ستم جنسی و ستم میلیتی را به فراموشی نسپرد. او همیشه به ما می‌آموخت که ستم جنسی و ستم میلیتی با ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی گره خورده است. بدون مبارزه با ستم امپریالیستی و ستم طبقاتی نمی‌توان به ستم جنسی و ستم میلیتی پایان داد. او در ادامه بحثش می‌افزود که این موضوع بدان معنا نیست که مبارزه علیه ستم جنسی و ستم میلیتی را فراموش نموده و یا به بعد از انقلاب ماکول نمائیم، بل که به این معناست که در هر شرایط مبارزه علیه ستم جنسی و ستم میلیتی باید در تابعیت از تضاد عمده به پیش برده شود. بناءً مبارزه زنان علیه ستم جنسی باید در پیوند فشرده و ارتباط متقابل تنگاتنگ با مبارزات طبقاتی زحمت‌کشان علیه استثمار طبقاتی و مبارزه علیه ستم ملی شوونیستی قرار داشته باشد. مبارزه زنان نباید صرفاً یک مبارزه روشن‌فکرانه باشد، بل که لازمی و ضروری است زنان زحمت‌کش کشور را آگاهی دهد و آن‌ها را بسیج و سازماندهی نماید. در غیر این صورت هیچ کاری از جنبش مبارزاتی زنان ساخته نیست.



آه

ضیاء

ای رهبر خردمند و توانا

رفیق با مرام و با وفا

ای رفیق قهرمان و دانا

در لوح دل و جان ما نقش تو باقیست

این رفتنت

این وداعی تلخ تو

درد جان کاهی را بجای گذاشته است

و بار سنگینی اندوه ات

به حجم کوه

بر پشت ما بار شده است

و سوزانیده است

تمام پیکر مان را

حال از رفیق خانم داکتر... می خواهم آن چه را تهیه نموده اند به سمع شما برساند

سند تحریری رفیق دکتورس

در فراق رفیق ضیاء

با جدیت تلاش کنید، تا درفش حزب هم چنان در اهتزاز بماند!

درودهای گرم و انقلابی خود را خدمت شما تقدیم می دارم. کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، اعضا و سایر هواداران حزب تسلیت عرض می نمایم. امید است که بتوانیم با گام های استوار بیشتر از گذشته خطی که رفیق ضیاء ترسیم و رهبری نمود ادامه دهیم و به پیش حرکت کنیم.

از این که رفقا برایم اجازه دادند که در محفل یاد بود اولین سالیاد رفیق ضیاء صحبتی داشته باشم و از این که رفقا لحظاتی وقت گران بهای خود را در اختیارم قرار دادند اظهار سپاس و قدردانی می نمایم.

رفیق ضیاء رهبر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که ایده ها و آرمان های والايش در خون و رگ های بدن ما جاری است، در نزد هر یک از اعضای حزب جایگاه والایی داشته و دارد.

قبل از همه من هم به نوبه خود مصیبت وارده درگذشت وضایعه بسیار الم ناکی که اکنون یک سال از آن می گذرد و قلب های یکایک ما را خون آلود ساخته و خدشه دار نموده است، خدمت خانواده محترم شان، اعضای دفتر سیاسی،

رفیق ضیاء بهترین پشتوانه برای اعضای حزب بود، او حزب را به خوبی رهبری نمود و به تمامی اعضای حزب آموخت که همیشه به تضاد عمده توجه نمایند. و همیشه روی تفکیک تضادها و هم چنین وظیفه عمده مبارزاتی تاکید می‌ورزید.

رفیق ضیاء با تفکیک تضادها بدرستی توانست که خط مرز میان انقلاب و ضد انقلاب بکشد، تعیین همین خط و مرز بود که رفیق ضیاء علیه اشغال‌گران، رژیم دست‌نشانده، تمامی مرتجعین، تسلیمی‌ها و تسلیم طلبان به مبارزات جدی، بی‌امان دست زد و رفقای هم‌رزمش را در این مبارزه آبدیده نمود. ما امروز کمبود رفیق ضیاء را به خوبی درک می‌نمائیم.

رفیق ضیاء همیشه می‌گفت که فقط برای رهایی توده‌ها یک راه وجود دارد، آن هم جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی تا سرحد بیرون راندن قهری اشغال‌گران، سرنگونی رژیم دست‌نشانده و استقرار جامعه دموکراتیک نوین و پیش روی بسوی سوسیالیسم.

در خاتمه می‌خواهم یاد آوری نمایم اینکه هرروز و هر لحظه ممکن رفیقی را ازدست بدهیم و یا خود ما در جمع رفقا نباشیم، برای این که این بیرق در اهتزاز بماند باید با جدیت تلاش نمائیم که به کادرهای ورزیده تبدیل شویم تا بتوانیم خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء را هم‌چو خودش به پیش هدایت و رهبری نمائیم. زیرا بدون کادرهای ورزیده نه می‌توانیم وحدت حزب را حفظ نمائیم و نه می‌توانیم راه درست و اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی را تعقیب نمائیم.

بناءً از تمامی رفقا تقاضا مندم که هر چه بیشتر تلاش نمایند تا از لحاظ سیاسی جایگاه و مقام شایسته رفیق ضیاء را پر نمایند.

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد

در قسمت این ضایعه فراموش نشدنی هرچند گفتنی‌ها زیاد است که حتی کتاب‌ها نوشته شود و هفته‌ها بحث گردد باز هم این گفتنی‌ها تکمیل نخواهد شد. زیرا رفیق ضیاء کسی بود که مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم را درست درک و هضم نموده و خدماتی شایانی در حفظ و پاکیزگی آن نموده است. رفیق ضیاء در این زمینه از همه سرآمد بود. باشد تا در راهی که رفیق ضیاء قدم گذاشته، ما هم آن خط را پیش ببریم. با پیش برد خط ترسیم شده رفیق ضیاء است که خواسته‌ها، آمال و آرزوهای زحمت‌کشان جامعه بر آورده خواهد شد.

رفیق ضیاء یگانه کسی بود که بیشترین وقت عمر خود را صرف مبارزه با اشکال و انواع ریزبونی‌ها، اپورتونیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی نمود و بی‌شک در این مسیر از همه چیز خود گذشت و عمر خود را وقف مبارزه در این راه کرد.

مسئولیت‌های ما بعد از درگذشت رفیق ضیاء چندین برابر گردیده است. باید با جدیت و پشت‌کار خطی که رفیق ضیاء بنیان‌گذاری نمود با جدیت به پیش ببریم.

برای ما مایه افتخار بود که گاه‌گاهی فرصت مساعد می‌شد در پهلوی نشسته به سخنان و آموزه‌های علمی وی گوش فرا می‌دادیم ولی با آن هم به طور شاید و باید نتوانستیم از داشته‌های علمی او استفاده اعظمی نمائیم.

به همه رفقا معلوم است که رفیق گنجینه بسیار پر بار و گران‌بهای بود ملیت، قومیت و جنسیت را نمی‌شناخت با تمامی کسانی که پهلوی صحبت‌هایش می‌نشستند بخصوص اعضا و رفقای حزبی وقتی به او مراجعه می‌کردند، با هر کدام برخورد مناسب احوال و برابر با فهم و درکش با اوسخن‌گفته و معلومات ارائه می‌کرد.

رفیق ضیاء در شناخت انسان‌ها و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد بسیار فهیم و دانا بود، کسانی که در محفل و جلسات وی شرکت می‌کردند و رهنمود و معلومات از وی می‌خواستند، به خوبی می‌توانست تغییرات قابل توجهی در ذهنیت‌شان ایجاد نماید.

درود به زنجیر شکن

من ، ای شاهین آزاده

که پرواز فلک‌سای تو نیرنگ کهن بشکسته، می‌دانم

که برق خشم دشمن سوز خلق آخر همی سوزد

درین پیکار دوران ساز هستی بخش

بنای هستی این لاشخواران فسونگر را

من، ای دخت دلیر و قهرمان خلق می‌دانم

که زنجیر اسیران ستم، مردانه بشکستی

و با آهنگ رقص آتش اندر کاخ ددخویان این مامن

بیاس رنج مردم - اخگرافکندی

من، ای پیک امید و آرمان خلق می‌دانم،

که پیغام ستیز و رزم تو در سینه‌ها بس شعله افروزد

که فریاد خروشان تو اندر صحنه پیکار،

درفش پای‌مردی‌های توفان خیز، افرازد

"تو، ای هم‌رزم وهم‌زنجیرو هم‌سنگر"

درودگرم ما را از حصار تیره زندان پذیرا شو

که ما امشب بنام فتح تو، از ساغرامید

مل آزادگی باردگرنوشیم

که امشب بنام رزم تو، از گلشن جاوید

گل وارستگی باردگربوئیم

در این قسمت محفل از رفیق ف. می‌خواهم که با سخنان شان محفل ما را گرمتر سازد.

به یاد رفیق ضیاء

امروز اولین یاد بود از سالگرد فقدان رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، رهبر بزرگ، مدیر و مدبر توانمند، سیاست مدار چیره دست و آگاه و قلم بر کف بستر علمی و عملی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم که عمر گرانبارش را صرف تمامی عرصه های تطبیق علمی و عملی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم نمود و در تمام ابعاد سیاسی، نظامی و فرهنگی میدان دار بی مثال دوران بود.

این شعر گونه را به خاطر یاد بود آن بزرگ مرد، تقدیم جمع دوستان و دوست داران آن نامدار میدارم:

تورفتی و چمن از عرصه بهاران رفت.

فضای خرمی و بوی ابر و باران رفت.

صدای بلبل دل خسته را کسی نشنید.

صفای هم‌دلی و جمع و جوش یاران رفت.

درین حدیقه کسی راز دار غنچه نشد.

نماد رشد زانبوه شاخساران رفت.

طلسم تیره تفریق در چمن پیچید.

فضای جمع زدیباچه بهاران رفت.

جنون تاخت، سوران عرصه را مجذوب.

عنان خوش سفری از کف سواران رفت.

بیا که دست محبت به هم دراز کنیم.

وگر نه هم‌چو ضیاء یک نه در هزاران رفت.

ف.هـ

میروم

میروم رویای خویش پیدا کنم
 لحظه دیروز را رسوا کنم
 میروم تا از برای میهنم
 لشکر زحمت کشان یک جا کنم
 در پی آزادی این زندگی
 میروم تا خویشتن دریا کنم
 تاکنون دیوانه گی را رفته ام
 حالیا فرزانی بر پا کنم
 میروم تا در فروغ زندگی
 "سینه را جولانگه دریا کنم"
 در پی آزادی این مرز و بوم
 میروم تا رزم نو بر پا کنم
 در پی رویای خود، ای میهنم
 جان خود در راه تو اهدا کنم
 در پی آزادی این سرزمین
 نسل نو هم گام با فردا کنم
 عزت "سیروس" و "آهنگر" شوم
 شعله این سرزمین، اخگر شوم
 تا بسازم اقتدار ملک خود
 وز برای ملت من سنگر شوم
 کسب استقلال و آزادی خوش است
 انقلاب و راه آبادی خوش است
 هم گنان من توئی ای هم وطن
 هم کلام من توئی ای هم وطن
 عشق و هستی حاصل این زندگیست
 رمز هستی راز و رمز زندگیست
 پس بیا با ما بیا ای نوجوان
 تا بسازیم لشکری از هم رهان
 برکنیم بنیاد ظلم و زور را
 عدل و داد آید اندر آن زمان
 هم بسازیم سرزمین خود ودان
 هم بسازیم این زمین خود را ودان
 در این قسمت محفل از رفیق ل. می خواهیم که با سخنانش به گرمی محفل ما بیافزاید.

متن سخنرانی رفیق ل. به مناسبت اولین سالگرد درگذشت رفیق ضیاء

رفقا!

ناسیونالیستی راه رهایی توده‌های ستم‌دیده افغانستان نیست. او در زندان دقیقاً مشاهده نمود که نه تنها میلیت هزاره، بل که توده‌های زحمت‌کش پشتون، تاجیک و ازبیک نیز مورد تحقیر و توهین و ستم قرار دارند. او در زندان دقیقاً ستم طبقاتی را درک نمود و این نتیجه‌گیری رفیق ضیاء، سمت و سوی مبارزاتی اش را تعویض کرد. او به خوبی درک نموده بود که از بین بردن ستم‌گری ملی و تمامی اشکال ستم با نابودی طبقات ممکن و میسر می‌گردد و فقط مبارزه طبقاتی پرولتاریای سازمان یافته است که بشریت را از قید ستم می‌تواند رهایی بخشد.

رفیق ضیاء بعد از رهایی از زندان به گروه زنده یاد مجید که به تازگی از "گروه انقلابی خلق‌های افغانستان" بریده بود پیوست. بعد از ایجاد "ساما" دست به سلاح برد و علیه رژیم کودتای به مبارزه مسلحانه پرداخت.

بعد از جان‌باختن زنده یاد مجید کلکانی، مسیر مبارزاتی "ساما" شکل دیگری به خود گرفت، از مسیر ملی دموکراتیک به مسیر اسلامی تغییر جهت داد و "برنامه تازه اندیشان" که از "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" دفاع می‌نمود بنام "اعلام مواضع ساما" نشر و پخش گردید. در این زمان رفیق ضیاء در غرچستان سرگرم نبرد با اشغال‌گران سوسیال امپریالیست و رژیم مزدور شد بود که پنجاه کاپی از "اعلام مواضع ساما" بدستش رسید تا پخش نماید. اما رفیق ضیاء به پخش "اعلام مواضع ساما" مبادرت نوزید، زیرا او با "اعلام مواضع ساما" به عنوان یک خط رویزونیستی مخالف بود. مبارزات رفیق ضیاء در درون "ساما" از همین جا شروع می‌شود.

زمانی که "ساما" طرحی برای فرستادن کادرها به چین و تربیه ایشان توسط رویزونیست‌های چینی را ریخت، رفیق ضیاء با این طرح به مخالفت برخاست. اما رهبری "ساما" هیچ وقعی به مخالفت رفیق ضیاء ننهاد و در کنفرانس سرتاسری "ساما" این طرح را به تصویب رساند. این مسئله را رفیق ضیاء این گونه بیان می‌نماید:

« من قبلاً با طرح تربیت کادرها برای "ساما" توسط چینی‌ها مخالفت کرده بودم ولی "رهبر و شرکاء" علی‌رغم مخالفت قبلی من برنامه گروه اعزامی را به صورت مدرسه سازمانی تنظیم کردند (یکی از پیش‌نهادهای "رهبر" در مورد کار آموزشی در سازمان عبارت بود از ایجاد مدرسه سازمانی و تربیت حداقل ده کادر درجه اول برای رهبری آینده سازمان که مورد تصویب کنفرانس سرتاسری قرار گرفت). قبل از حرکت گروه اعزامی "رهبر و شرکاء" در غیاب من به یک فیصله رسیده بودند و آن این بود که:

طبق فراخوان دفتر سیاسی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، ما در این جا جمع شده ایم تا اولین سالگرد درگذشت رفیق ضیاء را تجلیل نمائیم. نخست جا دارد تا حضور گرم شما رفقا را در محفل تجلیلیه اولین سالگرد درگذشت رفیق ضیاء خیر مقدم بگویم، و علاوه نمایم که در شرایط و اوضاع بد کرونایی حضور شما در این محفل بیان‌گر تصمیم تان در ادامه خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء و رفقای هم‌رزمش می‌باشد.

رفقا!

می‌خواهم کارنامه سیاسی رفیق ضیاء را بصورت مختصر و فشرده خدمت شما تقدیم نمایم.

رفیق ضیاء در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در یکی از روستاهای ولسوالی... ولایت... دیده به دنیا گشود پدرش شغل کشاورزی داشت و از جمله دهقانان میانه حال بود. رفیق ضیاء دوره ابتدائیه را در ولسوالی که زندگی می‌کرد سپری نمود. بعد از ختم دوره ابتدائیه پدرش او را با هزینه شخصی به کابل روان نمود و در یکی از لیسه‌های شهر کابل شامل گردید، او تحصیلاتش را با موفقیت سپری نمود. رفیق ضیاء بعد از ختم دوره تحصیلی به مدت دو الی سه سال در بخش تفحصات گاز شبرغان به صفت مامور مصروف کار بود، بعد از آن به زندگی حرفه‌ای روی آورد و بیش از چهل سال عمرش را بصورت حرفه‌ای در مبارزات طبقاتی علیه رژیم‌های ارتجاعی صرف نمود. رفیق ضیاء از استعداد خاصی برخوردار بود، او با رفقا و دوستانش صمیمی بود. رفیق ضیاء از ابتدای جوانی به تاریخ و فلسفه علاقه داشت و در این زمینه تحقیقاتی نیز انجام داد. او در ابتدا در باره تاریخ و فلسفه اسلامی به تحقیقات پرداخت.

رفیق ضیاء در جوانی با گوشت و پوست خود ستم رژیم شاهی را حس می‌نمود و به مبارزه علیه رژیم ستم شاهی پرداخت. در این زمان مبارزاتش مدغم از مبارزه ملی - مذهبی - ناسیونالیستی بود. رفیق ضیاء در سال ۱۳۵۶ خورشیدی در ولایت... بازداشت گردید و زندانی شد و تا زمان کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ خورشیدی در زندان باقی ماند. بعد از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ با فرمان تره کی زندانیان به استثنای تعداد قلیلی از زندان آزاد شدند، رفیق ضیاء هم از جمله تعداد قلیل زندانیانی بود که به مدت تقریباً شش ماه دیگر زندان را سپری نمود و بعد با قید ضمانت از زندان آزاد گردید.

زندان، آموزگار خوبی برای رفیق ضیاء بود، با کنجکاوی زیادی که داشت در زندان به این نتیجه رسید که مبارزات ملی - مذهبی

«تحکیم ارتباط دوامدار با حزب کمونیست چین برای "ساما" اهمیت استراتژیک دارد.» در جلسهٔ مختصری که کمیتهٔ مرکزی قبل از حرکت گروه اعزامی داشت من با این فیصله مخالفت کردم و متذکر گردیدم که:

«اساساً شناخت ما ازین "دوستان تازه" بیش تر از تحکیم ارتباط اهمیت استراتژیک دارد، زیرا این جنبه مربوط به موضع گیری ایدئولوژیک بر می گردد. ما باید بر اساس شناختی که رفقای ما حاصل می کنند و بی گمان شناخت قبلی ما را عمیق تر خواهد ساخت ببینیم که چگونه می توانیم روابط مان را با ایشان تنظیم نماییم. رفقا باید بخاطر داشته باشند که روابط صرف سیاسی است (بازهم "حماقت روستایی"). همگی سکوت کردند و چیزی نگفتند.» (اسناد تاریخی.... صفحه ۱۶۸)

زمانی که غند سنگین در کوه دامن به اشغال گران سوسیال امپریالیزم و رژیم دست نشانده تسلیم گردید رفیق ضیاء با تسلیم طلبی در درون "ساما" به مبارزه برخاست. او در نامه سرگشاده تمامی اعضای "ساما" را چنین مورد خطاب قرار داد:

«اکنون که خیانت تسلیم طلبی یک ادعا نیست، بل که به یک واقعیت دردناک و نفرت انگیز تبدیل شده است. و فرد فرد رفقای صدیق و پاک باز ما چنگ و دندان اژدهای جنایت کار روس را در گلوی سازمان خود، جنبش انقلابی کشور و جنگ کبیر میهنی می بینند، مبارزهٔ قاطع با این روند اسارتبار و قطع ریشهٔ این "سرطان خبیثه" نمی تواند عاجل ترین و فوری ترین وظیفهٔ رزمندگان راه شهیدان ما را که در مشی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان تجلی یافته است، نسازد. از این رو است که کندوکاو بخاطر ریشه یابی، علل و عوامل آن، بدون این که مقاطعه با عناصر خاین و تسلیم شده به دشمن ملی را به تعویق بیندازد- وظیفهٔ مبرمی است که پاکیزگی و رزمندگی رفقای ما را در آینده تضمین می نماید.» (اسناد تاریخی.... صفحه ۶)

مبارزات تسلیم طلبانه و ضد پرولتری "ساما" رفیق ضیاء را به مبارزه بی امان دائمی وا داشت. رفیق ضیاء بگونه قاطع مبارزاتش را علیه تسلیمی و تسلیم طلبی در درون "ساما" شروع نمود.

رفیق ضیاء در کنفرانس سرتاسری "ساما" مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی علیه تسلیم طلبی را به شدت ادامه داد، این کار رفیق ضیاء قیوم رهبر را وادار نمود که برای تحقیق و بررسی تسلیم طلبی "کمیته تحقیق و بررسی تسلیم طلبی" را ایجاد نماید و مسئولیت کمیته را به رفیق ضیاء بسپارد.

قیوم رهبر به این خیال خام که شاید با ترفیع موقعیت تشکیلاتی رفیق ضیاء، او را از مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی علیه تسلیم طلبی دور نگه خواهد داشت، مسئولیت نظامی "ساما" را به او سپرد و وی را به عضویت دفتر سیاسی "ساما" ارتقاء داد، اما هیچ کدام این حیلها کوچک ترین اثری بر اراده رفیق ضیاء نگذاشت. او هم چنان مبارزاتش را علیه تسلیم طلبی با جدیت شروع نموده و به تحقیق و بررسی تسلیم طلبی پرداخت.

هنوز این تحقیقات تکمیل نگردیده بود که هیئت ده نفری به ریاست "ولید" وارد چین شد و بعد از بحث و تبادل نظر با رویزونیست های چینی، هیئت اعزامی "ساما"، به خاطر "دریافت امکانات" از رویزونیست های سه جهانی حاضر به پذیرش تیوری رویزونیستی سه جهانی گردیدند، اما رویزونیست های چین این کمک را مشروط به رفتن مسئول نظامی و رهبری "ساما" به چین، دانستند.

زمانی که هیئت اعزامی از چین برگشت و پیام رویزونیست های چینی مبنی بر نشست حضوری رهبری و مسئول نظامی "ساما" را به کمیته مرکزی رساند، اعضای کمیته مرکزی بشمول قیوم رهبر ذوق زده شده و این دعوت را پذیرفتند، اما رفیق ضیاء با این دعوت مخالفت نمود و حاضر به سفر چین نگردید. از این زمان به بعد مبارزات رفیق ضیاء نه تنها علیه تسلیمی و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی در درون "ساما" ادامه یافت، بل که به شکل گسترده مبارزاتش را در درون "ساما" علیه رویزونیزم سه جهانی به پیش برد.

رهبری "ساما" خواهان آن بودند که اعضای "ساما" نباید از رابطه گیری "ساما" با چین باخبر شوند، رفیق ضیاء با این طرح به مخالفت پرداخت و خواهان آن بود که باید تمام اعضا در جریان چنین رابطه گیری قرار بگیرند و چهره رویزونیزم سه جهانی را درک کنند.

رهبری "ساما" جریان تسلیم طلبی را مربوط به انگیزه های محلی و چند نفر می دانستند، اما استدلال رفیق ضیاء این بود که جریان تسلیم طلبی مربوط به قضایای محلی و یا انگیزه های چند نفر نبوده، بل که مربوط به خط "ساما" است که در "اعلام مواضع ساما" بروشنی دیده می شود. رفیق ضیاء رویزونیزم درون "ساما" را پایه ایدئولوژیک تسلیم طلبی در "ساما" می دانست.

بحث روی تسلیم طلبی و تیوری سه جهان میان رفیق ضیاء و رهبری "ساما" از جمله جنجال برانگیزترین مسایل بحثی بود، زیرا استدلال قیوم رهبر این بود که تیوری سه جهان استراتژی بین المللی پرولتاریا جهان نه، بل که استراتژی پرولتاریای افغانستان و چین است. رفیق ضیاء نه تنها این بحث قیوم رهبر را غلط، بل که نشان داد که این تیوری یک تیوری ضد ماؤئیستی است که در جهت کوبیدن انقلاب کبیر فرهنگی چین بکار گرفته شده است.

مارکسیزم - لنینیسم - مائوتیسم دسترسی پیدا نموده و ماهیت رویزیونیستی تیوری سه جهان را کاملاً درک نمود. و پی برد که خط "ساما" هیچ ارتباطی به مارکسیزم لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون ندارد.

زمانی که رفیق ضیاء به کشور برگشت و گزارشات سفرش را بصورت مفصل ارائه نمود و پیش‌نهاد حزب کمونیست ترکیه مبنی بر ایجاد حزب کمونیست افغانستان و شرکت در دومین کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - اندیشه مائوتسه دون در سال ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۳ خورشیدی) را با قیوم رهبر در میان گذاشت، اما قیوم رهبر هیچ اعتنایی به این پیش‌نهاد نکرد و زمینه مسافرت به چین را تدارک دید.

این حرکت قیوم رهبر (تدارک سفر به چین) رفیق ضیاء را به این نتیجه رساند که دیگر هم‌کاری با "ساما" کاری است بس مشکل. او بر مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی علیه تسلیم طلبی ملی و طبقاتی و هم‌چنین علیه تیوری رویزیونیستی سه جهانی استوارانه ایستاد و به مبارزاتش ادامه داد. او بخوبی درک نموده بود که موضع‌گیری علیه تسلیم طلبی و تیوری سه جهان خط مرز میان انقلاب و ضد انقلاب و به همین ترتیب خط و مرز میان مارکسیزم - لنینیسم - مائوتیسم (در آن زمان اندیشه مائوتسه دون) و رویزیونیسم است.

بناءً رفیق ضیاء قطع رابطه خود با "ساما" را اعلام نموده و در ۱۴ حمل ۱۳۶۵ خورشیدی (۳ اپریل ۱۹۸۶ میلادی) "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" را بنیان‌گذاری نمود. رفیق ضیاء رابطه اش را با احزاب مارکسیست - لنینیست - مائوتسه دون اندیشه و بخصوص جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مستحکم نمود.

این کار رفیق ضیاء باعث خشم رهبری تسلیم طلب "ساما" گردید، زیرا انشعاب بخش غرچستان "ساما" باعث ضربه خوردن روابط چین و "ساما" گردید و "ساما" از کمک‌های مادی چین محروم گشت. بدین اساس "ساما" هر آن‌چه از دستش آمد در مورد رفیق ضیاء دریغ نورزید (حتی حمله بالای خانه و به آتش کشیدن خانه‌اش). اما رفیق ضیاء چون کوه استوار ماند و بدون ترس و تزلزل مبارزاتش را علیه تسلیم طلبی و تیوری سه جهان بعنوان یک تیوری رویزیونیستی ادامه داد.

"هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" تحت رهبری رفیق ضیاء برای پیش‌برد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی "ندای انقلاب" را بعنوان جریده تیوریک - سیاسی "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" منتشر نمود.

جریده "ندای انقلاب" مبارزات اصولی و قاطع خویش را علیه رویزیونیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی "ساما" و به همین ترتیب علیه "مشعل‌رهایی" ارگان تیوریک - سیاسی "سازمان‌رهایی افغانستان" بعنوان یک ارگان رویزیونیستی سه جهانی آغاز نمود

رفیق ضیاء تیوری سه جهان را تیوری استراتیژی بین‌المللی دار و دسته رویزیونیستی "تین سیائوپینگ" می‌دانست که خلاف این گفته مائوتسه دون «انقلاب را دریا بید و تولید را افزایش دهید» در حرکت است و انقلاب فرهنگی چین را یک فاجعه می‌داند و دوباره سازی اصلاحات اقتصادی را توسعه می‌نماید.

زمانی که قیوم رهبر دریافت که ارتقاء موقعیت تشکیلاتی رفیق ضیاء مانع مبارزات او علیه تسلیم طلبی و تیوری سه جهان نگرددید از ترفند دیگری کار گرفت و برنامه سفر رفیق ضیاء را به اروپا روی دست گرفت، و به رفیق ضیاء وظیفه سپرد که به نمایندگی از "ساما" در کنفرانس ژنیو شرکت نمایند.

حدس قیوم رهبر در مورد سفر رفیق ضیاء این بود که به احتمال قوی که دیگر به افغانستان برنگردد و در آن‌جا پناهندگی حاصل نماید، و یا این که در ارتباط با کمیته ژنیو تحت تاثیر سه جهانی‌ها قرار خواهد گرفت. در هر دو حالت برنامه سفر رفیق ضیاء را به نفع "ساما" ارزیابی نموده بود. اما رفیق ضیاء برنامه سفرش را طبق برنامه قیوم رهبر پیش نبرد، او در ابتدا در مورد کمیته ژنیو تحقیقاتی بعمل آورد و دانست که اکثریت قریب به اتفاق این کمیته پیرو تیوری سه جهان اند، لذا هیچ تماسی با کمیته نگرفت و کارش را مستقلانه پیش برد.

رفیق ضیاء در محکمه پاریس و محفل هامبورگ شرکت کرد. رفیق ضیاء در محفل هامبورگ روی تضادها و مشخصاً تضاد عمده و غیر عمده و تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی تماس گرفت. و بیان نمود که باید مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی سلطنت طلب و نیروهای اسلامیت در تابعیت از تضاد عمده به پیش برده شود. بر مبنای این استدلال رفیق ضیاء علیه تسلیم طلبی طبقاتی نیز موضع قاطع گرفت. این موضع‌گیری رفیق ضیاء توجه کمونیست‌های پیرو، ایران و ترکیه را جلب نمود و زمینه ساز بحث‌ها و تبادل نظر میان رفیق ضیاء و احزاب کمونیست این کشورها و بخصوص حزب مارکسیست - لنینیست ترکیه گردید.

رفیق ضیاء با حزب مارکسیست - لنینیست ترکیه وارد بحث مفصل گردید، در این بحث‌ها موضع "ساما" را مورد نقد قرار داد و با حزب کمونیست ترکیه موضع واحدی را اتخاذ نمود و قرار بر این شد تا این ارتباط هر چه بیش‌تر بین طرفین بعمل آید.

حزب مارکسیست - لنینیست ترکیه به رفیق ضیاء پیش‌نهاد نمود که "ساما" باید گام عملی در جهت تشکیل حزب کمونیست افغانستان بر دارد و در دومین کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائوتیست (در آن زمان اندیشه مائوتسه دون) شرکت نماید. این کنفرانس در سال ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۳ خورشیدی) دایر گردید که منجر به تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شد.

رفیق ضیاء در این سفر کاملاً آبدیده شده و به شناخت بهتر

و تمامی خطوط انحرافی "ساما" و "سازمان رهایی افغانستان" را مورد بررسی قرار داد.

رفیق ضیاء در "ندای انقلاب" جنبش کمونیستی افغانستان را بصورت دقیق تجزیه و تحلیل و جنبه‌های مثبت و منفی "سازمان جوانان مترقی" را نشانی نمود، از جنبه‌های منفی آن گسست و بتکامل جنبه‌های مثبت آن پرداخت.

رفیق ضیاء طرح برنامه پیشنهادی حزب کمونیست افغانستان را وظیفه عمده مبارزاتی خویش قرار داد، زیرا او بدرستی درک نموده بود که بدون سه سلاح انقلاب هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد و بناءً ایجاد حزب کمونیست افغانستان در اولویت کاری اش قرار گرفت.

رفیق ضیاء در سال ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی) "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" را ساخت. او در یک سند اساسی برنامه‌ای بنام "اعلام مواضع سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان" مائوئیسم را مورد تأیید قرار داد و قسمتی از اعلام "مواضع..." به تشریح مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم اختصاص داده شد.

رفیق ضیاء برای متحد نمودن گروه‌ها و سازمان‌های مارکسیست - لنینست - مائوئیست افغانستان تلاش فراوان نمود. و در این زمینه با "اتحاد مارکسیست - لنینیست‌های افغانستان" و "سازمان پیکار برای نجات افغانستان"، "کمیته وحدت و انسجام" را پایه‌ریزی نمود.

رفیق ضیاء با الهام‌گیری از انقلاب کبیر فرهنگی چین به درستی به اهمیت مبارزه درونی دوخط پی برده بود، بناءً این موضوع را با دو جناح متشکله "کمیته انسجام و وحدت" در میان گذاشت و خواهان یک نشریه درونی برای پیش برد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی گردید، که از طرف هر دو تشکیل متذکره پذیرفته نشد. اما رفیق ضیاء برای مبارزات خطی درون سازمانی به انتشارات نشریه سنگر بعنوان یک نشریه درونی متعلق به "سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان" اقدام نمود، که این نشریه در زمان "حزب کمونیست افغانستان" تا زمان ایجاد "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" فعال بود و در حدود ۴ شماره آن منتشر گردید.

در سال ۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی) رفیق ضیاء "حزب کمونیست افغانستان" را بنیان گذاری و شعله جاوید دور دوم را بعنوان ارگان مرکزی حزب کمونیست افغانستان منتشر نمود. طبقه کارگر افغانستان برای اولین بار بود که از حزب پیش‌آهنگش بهره مند گردیده بود. افتخار این تکامل کیفی جنبش کمونیستی افغانستان فقط و فقط متعلق به رفیق ضیاء است.

رفیق ضیاء در سال ۱۹۹۳ میلادی (۱۳۷۲ خورشیدی) در جلسه

گسترده که از طرف جنبش انقلابی انترناسیونالیستی برنامه ریزی شده بود شرکت نمود. در همین جلسه بود که سند زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم به تصویب رسید. رفیق ضیاء در جلسه روی تعیین تضاد عمده جهانی به شدت پافشاری داشت و استدلالش این بود که تضاد میان امپریالیسم و خلق‌های تحت ستم جهان در شرایط فعلی تضاد عمده جهانی را تشکیل می‌دهد که حزب کمونیست انقلابی امریکا و حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) به آن به مخالفت برخاستند. گرچه اکثریت شرکت کنندگان جلسه به این باور بودند که تضاد میان امپریالیسم و خلق‌های ستم‌دیده جهان تضاد عمده کنونی جهان است، اما متأسفانه که مطلب لابنحل باقی ماند و به کدام فیصله نرسید. در جلسه سال ۲۰۰۰ میلادی تضاد میان امپریالیسم و خلق‌های ستم‌دیده جهان بعنوان تضاد عمده جهانی مشخص گردید که فقط حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) به آن رای منفی داد.

حزب کمونیست انقلابی امریکا با تأیید تضاد عمده جهانی توانست که دوباره عضویت در کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را بدست آورد، اما بعد از مدتی نظر نماینده خود را مبنی بر تضاد عمده جهانی رد نمود. همین دید انحرافی یکی از عوامل غلطیدن حزب کمونیست انقلابی امریکا به رویزونیسم پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی گردید.

زمانی که امپریالیسم امریکا و متحدینش به افغانستان حمله نموده و این کشور را به اشغال خود در آوردند، حزب کمونیست افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء با پخش اعلامیه اشغال‌گری امپریالیست‌ها را محکوم نمود و طرح وحدت همه مائوئیست‌های افغانستان را ریخت. در آن زمان "کمیته وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی) افغانستان"، "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان" و بعضی شخصیت‌ها و سازمان دیگر این طرح را پذیرفتند. در اوایل سال ۱۳۸۲ خورشیدی جلسات رو در رو میان "حزب کمونیست افغانستان"، "کمیته وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی) افغانستان" و "اتحاد انقلابی کارگران افغانستان" شروع شد و این جلسه، سه روز را در بر گرفت. در ختم جلسه رفیق ضیاء پیش‌نهاد ایجاد کمیته وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان را برای حل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی نمود که از طرف دو تشکیل دیگر پذیرفته شد و در ختم اعلان جلسه اعلامیه مشترک هر سه جناح علیه اشغال‌گران امپریالیست و لوی جرگه اضطراری تحریر گردید. این اولین اعلامیه مشترک سه جناح اشتراک کننده در کمیته وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان بود. بعد از این، پروسه وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان شروع گردید و بیش از دو سال دوام نمود. متأسفانه که تعدادی از اشتراک کنندگان پروسه را تا آخر پیش نبردند و فقط سه جناح (حزب کمونیست افغانستان، سازمان پیکار برای نجات افغانستان و اتحاد انقلابی کارگران افغانستان) پروسه را به آخر رساندند که در اول می سال ۲۰۰۴ میلادی (۱۳۸۳ خورشیدی) منجر به کنگره وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان

و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید.

رفیق ضیاء نه تنها در رهبری "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان"، "سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان" و "حزب کمونیست افغانستان" قرار داشت، بل که به اتفاق آراء در کنگره وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان رهبری "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" را نیز از آن خود ساخت و در دومین کنگره سراسری "حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان" نیز به اتفاق آراء در رهبری حزب قرار گرفت و تا زمان پدرود حیات بخوبی توانست که حزب را در جهت اصولی رهبری نماید.

رفیق ضیاء هفده سال حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را رهبری نمود. گرچه در زمان حیات رفیق ضیاء، ریزش‌ها حتی ریزش‌های گروپیک در حزب بوجود آمد، که در این میان ریزش گروپیک سال ۱۳۹۲ خورشیدی یعنی یک سال قبل از دومین کنگره سراسری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان که در اثر حرکات ضد اخلاقی پرولتری یکی از اعضای حزب رونما گردید. حرکت ضد اخلاقی پرولتری این فرد نه بار اول، دوم، سوم و چهارم، بل که چندمین حرکت ضد اخلاقی پرولتری در حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بود که از وی سر زد. هر حرکت وی باعث ریزش زنان در حزب گردید، اما حرکت ضد اخلاقی وی در سال ۱۳۹۲ خورشیدی بزرگ‌ترین ریزش را در سطح حزب بوجود آورد. هرگاه حزب در حرکات اولی، دومی و حتی سومی و چهارمی علیه این انحراف با قاطعیت برخورد می‌نمود ما شاهد چنین ریزشی در حزب نمی‌بودیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء با انواع و اشکال رویزبونیسم، اپورتونیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی به درستی مبارزه نمود و این مبارزات را تا کنون بخوبی پیش برده است.

رفیق ضیاء در مدت هفده سال با انواع و اقسام دروغ و افتراء رو به رو گردید، اما چون کوه ایستاد و علیه هرگونه توطئه و افتراء طبق اصول مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی مبارزه نمود و همه را خنثی و حزب را به جلو سوق داد و وحدت حزب را حفظ کرد.

پروسه وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی تحت رهبری رفیق ضیاء در شرایط خاصی جریان داشت که با شرایط بقیه کشورها متفاوت بود.

پروسه وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در افغانستان که منجر به تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید در شرایطی بوجود آمد که اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا افغانستان را اشغال نموده بودند. در چنین شرایطی موجی از تسلیمی و تسلیم

طلبی نیروهای به اصطلاح چپ را فراگرفته بود و همه شان به فکر ایجاد احزاب علنی بودند. هنگامی که "مارکسیست‌های علنی" به تب و تلاش احزاب علنی و راجستر شده افتادند، اشغال‌گران امپریالیست از فرصت استفاده اعظمی نمود و تمامی شان را بر محور رژیم دست‌نشانده گرد آورد. در چنین شرایطی بود که رفیق ضیاء وارد میدان مبارزاتی علیه این انحرافات عمیق و گسترده گردید و به فکر ایجاد یک حزب کمونیست ثابت قدم، به هم پیوسته و کاملاً مخفی گردید. رفیق ضیاء با ثبات این گام را برداشت و همراه رفقای هم‌رزمش توانست که این خواست را بر آورده سازد.

در چنین شرایطی وظیفه‌ای که جلو روی رفیق ضیاء قرار داشت عبارت بود از: تعیین و تفکیک تضادهای، کشیدن مرز میان انقلاب و ضد انقلاب، فاصله گرفتن از نیروهای تسلیم شده و تسلیم طلب و متشکل نمودن کادرهای مجرب از انقلابیونی که انضباط حزبی را جداً رعایت نموده و در فن مبارزه با پولیس مهارت داشته باشند.

تسلیم شدگان و تسلیم طلبان همان کسانی بودند که بر ضد حزبیت قد علم نموده و اعتقاد شان این بود که فعلاً شرایط برای ایجاد حزب کمونیست در افغانستان مهیا نیست، و این شعار را سر می‌دادند که «بگذار اشغال‌گران امپریالیست افغانستان ویران را آباد کند و طبقه کارگر افغانستان را رشد دهد، آن‌گاه زمینه برای ایجاد حزب کمونیست در افغانستان مهیا می‌گردد.» همین دید غلط بود که آن‌ها را به دامن اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی انداخت.

بزرگ‌ترین خدمت رفیق ضیاء در قبال توده‌های ستم‌کش افغانستان و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان عبارت بود از: تعیین تضاد عمده و غیر عمده و وظیفه عمده مبارزاتی و تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی و به همین ترتیب افشاء نمودن خطر "نقشه" تسلیم شدگان و تسلیم طلبان که تازه در حال تکوین بود. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء بخوبی توانست که خطر خط مشی تسلیم شدگان و تسلیم طلبان را در نظر مجسم سازد و این خطرات را آشکار نماید. پس از آشکار نمودن این خطرات حمله بی‌امان ایدئولوژیک - سیاسی علیه تسلیم شدگان و تسلیم طلبان را آغاز نموده و تمام مسئله را روی این خطر متمرکز کرد، زیرا این مبارزه مربوط به حیات و ممات حزب بود.

زمانی که اولین شماره شعله جاوید ارگان مرکزی حزب انتشار یافت، تمامی تسلیم شدگان و تسلیم طلبان علیه ارگان مرکزی حزب صف واحدی را ایجاد نموده و به تبلیغ و ترویج علیه حزب پرداختند، اما حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء از جا نجنبید و چون صخره‌ای بر جا ایستاد و به دفع حملات دشمنان انقلاب پرداخت.

انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) در سال ۱۹۹۳ بود که قطعنامه "زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم" را تصویب کرد و در بحث‌ها نقش اساسی داشت. و بعداً، زمانی که رویزیونیسم آواکیانیزم و پاراچندا - باترای ظهور نمود، او در صفوف مقدم مبارزات علیه آن‌ها قرار گرفت، حزب خود را هدایت کرد و در دسته بندی‌های بین‌المللی که علیه آن‌ها شکل گرفت، هم‌کاری نمود.

رفیق ضیاء شاعر بود. او به مناسبت نشست گسترده سال ۱۹۹۳ شعر سروده بود، که اهمیت تاریخی آن را انعکاس می‌داد.

جایی که در پولیمیک علیه آواکیانیزم، با رد روایت دروغین شان بدنبال مشارکت رهبران مائوئیست سراسر جهان در مبارزه علیه رویزیونیسم دنگ سیائو و خوجهائی بود و نقش آنان را یادآوری می‌کرد. من به نقش‌شان توجه کرده بودم. هرچند این موارد بدلیل این‌که به زبان‌های خودشان تحریر یافته بود، ناشناخته باقی مانده است؛ اما عمق افکار برنده آنان از غنای مباحثش در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به وضوح دیده می‌شد. من هنگام نوشتن آن سطور، رفیق ضیاء را در ذهن خودم داشتم.»

رفیق ضیاء یک متفکر و رهبری عالی بود که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در مبارزه علیه انواع و اشکال رویزیونیسم، اپورتونیزم، سکتاریزم، اکونومیسم، انحلال طلبی، تسلیمی و تسلیم طلبی به مدت هفده سال رهبری نمود و حزب را در این مسیر آبدیده ساخت.

رفیق ضیاء به نیروی خلاقانه توده‌ها ایمان داشت، به همین علت بود که او هیچ‌گاه نخواست توده‌ها را ترک کند و در خارج کشور اقامت گزین شود. او در میان توده‌ها زیست و در میان توده‌ها زمانی که از خانه به سمت شفاخانه در حرکت بود چشم‌هایش را بست و بخواب ابدی فرو رفت.

رفقا! ما امروز در این‌جا جمع شده ایم تا یک بار دیگر به خط ترسیم شده توسط رفیق ضیاء تجدید میثاق نموده و تعهد بسپاریم که این خط را تا آخر به پیش می‌بریم.

یاد و خاطره رفیق ضیاء گرامی باد

اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی

تاریخ ثابت ساخت که رفیق ضیاء هزار بار محق بود که حزب را به مبارزه آشتی ناپذیر علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و تمامی تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان و عناصر ضد حزبی سوق داد. فقط در سایه این سیاست تشکیلاتی درست و اصولی بود که حزب ما توانست روی پای خود بایستد و با انواع و اشکال انحرافات درونی مبارزه نماید و به این طریق وحدت داخلی و هم‌پیوستگی را در درون حزب ایجاد نماید.

زمانی که بیانیه و اساس‌نامه حزب کمونیست انقلابی امریکا به دسترس حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان قرار گرفت، رفیق ضیاء اولین کسی بود که علیه خط و مشی حزب کمونیست انقلابی امریکا ایستاد و آن را یک خط انحرافی ضد مائوئیستی و پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی خواند.

بزرگ‌ترین خدمت رفیق ضیاء در جنبش بین‌المللی کمونیستی این بود که علیه انحراف عمیق اندیشه گونزالو و رویزیونیسم "راه پاراچندا" ایستاد و مبارزات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را حول و هوش این قضایا بصورت دقیق رهبری نمود و زمانی که بیانیه و اساس‌نامه حزب کمونیست انقلابی امریکا انتشار یافت علیه آن به مبارزه برخاست و رویزیونیسم نهفته در درون "سنتزهای نوین" را آشکار ساخت. از آن به بعد حمله بی‌امان خود را علیه "سنتزهای نوین" آواکیان شروع نمود و مبارزات حزب را روی این قضایا متمرکز کرد.

رفیق ضیاء با درک عمیقی که از اشکال و انواع رویزیونیسم داشت، قبل از این که "سنتزهای نوین" آواکیان بتواند در بین جنبش انقلابی انترناسیونالیستی جا باز کند چهره رویزیونیستی اش را آشکار ساخت.

یک تن از مائوئیست‌های ... در مورد رفیق ضیاء چنین می‌نویسد:

« از دست دادن رفیق ضیاء، صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ضایعه بزرگی برای جنبش بین‌المللی کمونیستی محسوب می‌شود.

وی نقش بسیار براننده‌ای در دفاع از درفش مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در بحبوحه سرکوب شدید و سردرگمی ایدئولوژیک در آن کشور ایفاء کرد. وی سپس نقش اصلی را در اتحاد نیروهای مائوئیست در افغانستان در یک حزب واحد بر اساس خط درست ایدئولوژیک - سیاسی، بازی نمود.

رفیق ضیاء یک انترناسیونالیست ثابت قدم پرولتری بود. او یکی از اشتراک‌کنندگان کنفرانس تاریخی جنبش

با تشکر از رفیق ل.

بیداد گری ، این زمان ، با گامی استوار پیش می رود.
 ستم گران ، خود را برای صد قرن ، تجهیز می کنند .
 زور ، قول می دهد : « چنین که هست می ماند . »
 جز صدای فرمان روایان ستم گر
 هیچ صدای طنین نمی افکند .
 و در بازارها ، استثمار بانگ برمی دارد : « اینک ،
 تازه من آغاز می کنم . »
 اما از استعمار شدگان ، اکنون ، بسیاری می گویند :
 « آن چه ما می خواهیم ، هرگز شدنی نیست . »
 اگر زنده یی ، مگو : « هرگز »
 هیچ یقینی را یقین نیست .
 چنین که هست ، نمی ماند .
 پس از ستم گران ،
 ستم دیدگان سخن خواهند گفت .
 چه کسی را یارای آن است که بگوید : « هرگز » ؟
 از کیست که استعمار ، دوام می یابد ؟
 از ما
 از کیست که استعمار ، معدوم می شود ؟ باز هم
 از ما
 اگر از پای افتاده یی ، بر خیز
 اگر شکست خورده یی ، باز بجنگ !
 آنکس که جای گاه خویش را شناخت ، چگونه می توان بازش داشت ؟
 چرا که شکست خوردگان امروز ، فاتحان فردا
 و « هرگز » به « هم امروز » تبدیل می شود .
 از : برگزیده اشعار برتولت برشت

در اخیر محفل قطع نامه محفل توسط یکی از اعضای کمیته منطقه دوم به خوانش گرفته می شود.

قطعه نامه

بگونه غیر عادی حساس ساخته بود. همین حساسیت او بود که وی را از مبارزات ملی - مذهبی به مبارزات کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) کشاند.

رفیق ضیاء در نیمه دهه شصت خورشیدی با تحلیل و تجزیه همه جانبه خط "سازمان جوانان مترقی" تحت رهبری رفیق اکرم یاری را از زیر خاکستر دفن شده بیرون کشید و به تکامل جنبه

در تاریخ اول سرطان ۱۳۹۹ خورشیدی بود که رفیق ضیاء رهبر توانا و خردمند حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به اثر سخته قلبی چشم از جهان پوشید و به خواب ابدی فرو رفت. ما در ظرف یک سال کم بود رفیق ضیاء را به خوبی حس نموده ایم.

احساس بلاواسطه سیاسی یک جا با درک عمیق تیوریک از ارتباط بین استبداد سیاسی و ستم طبقاتی، رفیق ضیاء را از نظر سیاسی

پرولتاریای سازمان یافته است که بشریت را از اهریمنانی که بر آن ستم روا می‌دارد رهایی خواهد بخشید.» او همیشه تاکید می‌ورزید که منافع پرولتاریا خواستار بر اندازی پایه‌های طبقاتی و سیطره طبقاتی یعنی مالکیت خصوصی و تولیدی بی لگام اجتماعی است. او تاکید داشت که برای این کار باید مبارزه طبقاتی سازمان یافته پرولتاریا علیه مالکیت خصوصی بسیج شوند. او همیشه خاطر نشان می‌ساخت که مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است.

بر همین مناسبت است که باید نام رفیق ضیاء برای هر کارگر و هر فرد ستم‌کش افغانستان آشنا شود. و به همین مناسبت است که در مجموع فعالیت‌های ما برای بیدار ساختن آگاهی طبقاتی در کارگران و بقیه زحمت‌کشان کشور باید تصویر دقیقی از زندگی و کار نامه رفیق ضیاء ارائه کنیم.

بدبختانه که بعد از درگذشت رفیق ضیاء انحلال طلبان خزیده در درون حزب برای مدت یک سال موانع عدیده‌ای جلو حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ایجاد نمودند و حزب مجبور بود برای برداشتن این موانع کار و پیکار نماید. این کار مانع آن گردید که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نتواند تصویر دقیقی از زندگی و کارنامه رفیق ضیاء در سطح ملی و بین‌المللی ارائه نمایند. با برداشته شدن این موانع حزب مصمم است که این کار را با جدیت تمام به پیش برد و تصویر دقیقی از کارنامه رفیق ضیاء را در سطح ملی و بین‌المللی ارائه نماید.

تاریخ گواه آنست که امپریالیزم همیشه افرادی را که به منافع شخصی و گروهی خود فکر می‌کنند تربیه نموده و به لباس مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در درون احزاب مائوئیست جا به جا می‌کنند که در شرایط مشخص اگر نتوانند حزب را به انحلال بکشانند، حداقل ضرباتی را متوجه این احزاب نموده و موانعی برای پیش روی شان ایجاد نماید. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. چنین افرادی هیچ گاه فکر نمی‌کنند که کار شان بسود حزب و انقلاب هست و یا نیست، آن‌ها طوری عمل می‌نمایند که مسایل انقلاب و حزب هیچ ربطی به آن‌ها ندارد.

لنین بطور دقیق نشان داده که انحلال طلبی در تمایلات بورژوازی لیبرال ریشه دارد، او بطور واضح نشان داده که انحلال طلبی با افکار بورژوازی در درون حزب رخنه می‌نماید و تلاش می‌ورزد مواضع انقلابی حزب را مخدوش نموده و حزب را یا به انحلال بکشاند و یا این که به یک حزب اصلاحات اجتماعی تبدیل نماید. بنام مبارزه علیه انحلال طلبی حیاتی‌ترین وظایف را در

های مثبت آن پرداخت. یا به عبارت دیگر رفیق ضیاء با تحلیل همه جانبه خط "سازمان جوانان مترقی"، از یک سو از جوانب منفی آن گسست نمود و از جانب دیگر جنبه‌های مثبت آن را تکامل داد.

رفیق ضیاء با این کار درست و اصولی خود مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم (در آن وقت اندیشه مائوتسه دون) را جای‌گزین رویا و تخیل نمود. او با این کار داهیانه خود نشان داد که درهم شکستن دژ ستم‌گران بدون سه سلاح انقلاب (حزب کمونیست، ارتش خلق و جبهه متحد ملی) غیر ممکن است.

بنام رفیق ضیاء با بنیان‌گذاری "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" و سپس "سازمان انقلابی کمونیست‌های افغانستان" و به تعقیب آن "حزب کمونیست افغانستان" به تشریح مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم پرداخت. او در این راه با جدیت تمام به پیش رفت.

رفیق ضیاء در سال ۱۹۹۳ میلادی (۱۳۷۲ خورشیدی) در کنفرانس تاریخی بین‌المللی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی شرکت نمود و در این کنفرانس نقش اساسی در بحث‌ها داشت و یکی از امضاء کنندگان سند "زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم" بود.

رفیق ضیاء بعد از تجاوز اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم امریکا و اشغال افغانستان با نشر یک اعلامیه و محکوم نمودن اشغال کشور خواهان وحدت همه مائوئیست‌های افغانستان شد. رفیق ضیاء بعد از طی مراحل پروسه وحدت موفق به وحدت سه جناح از مائوئیست‌های کشور و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گردید. او مدت هفده سال حزب را بدرستی رهبری کرد و حزب را در مبارزه با انواع و اشکال رویزیونیزم، اپورتونیزم، اکونومیزم، انحلال طلبی، تسلیمی و تسلیم طلبی آبدیده نمود. او نقش براننده در دفاع از مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم در زمان سر درگمی ایدئولوژیک - سیاسی و تیوری‌های انحرافی تسلیم طلبانه در افغانستان و جهان ایفاء نمود.

بنام آن‌چه رفیق ضیاء برای خلق ستم‌کش افغانستان و جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی انجام داده است، باید درک روشنی از آموزش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی او برای جنبش طبقه کارگر و بقیه زحمت‌کشان افغانستان و جهان داشت.

رفیق ضیاء همیشه بر این گفته مارکس و انگلس تاکید می‌ورزید که «نه تلاش خیر خواهانه افرادی شرافتمند بل که مبارزه طبقاتی

مقابل احزاب مائوئیست قرار می دهد. مبارزه علیه انحلال طلبی، رویزیونیسم، اپورتونیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی جز لاینفک مبارزه با امپریالیسم است.

هر گاه احزاب مائوئیست در مقابل چنین افرادی هوشیاری خود را از دست بدهند و با قاطعیت علیه این گرایش ضد پرولتری نایستند، یقیناً که نمی توانند خصلت پرولتری حزب را حفظ و پیوسته تکامل دهند. دیر یا زود یا به سمت انحلال می روند و یا این که به یک حزب رفرمیست تبدیل می گردند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، رفیق ضیاء را در شرایط بس حساس کشور از دست داد. بعد از درگذشت رفیق ضیاء حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از یک سو با انحلال طلبی مواجه گردید و باید با جدیت علیه این انحراف رویزیونیستی به مبارزه بر می خاست و از سوی دیگر طالبان که به اشغال گران امریکایی تسلیم شده بودند، تلاش می ورزند تا از طریق "مذاکرات بین الافغانی" و ایجاد یک رژیم "اسلامی پسا توافق" در خوان یغمای اشغال گران شریک شوند، نیز مبارزه نموده و به افشاگری معاملات شان به اشغال گران امریکایی و رژیم دست نشانده بپردازد.

امروز در افغانستان روشن فکران تسلیم شده و تسلیم طلب خیال پرداز فکر می کنند که با توافق رژیم دست نشانده و طالبان بر سر میز "مذاکرات بین الافغانی" صلح و رفاه عمومی در افغانستان بر قرار می گردد. این همان خواب و خیالی است که تعدادی از خیال پردازان و حتی "نوابغی" در زمانی که مارکس و انگلس تازه تیوری های خود را بر علیه طبقه حاکمه پایه ریزی می نمودند، می دیدند. در آن زمان آن ها این مسئله را مطرح می نمودند: «تنها کافی است فرمان روایان و طبقات حاکمه در مورد بی عدالتی اجتماعی قناعت داده شوند تا صلح و رفاه عمومی بر روی زمین بر قرار گردد.» این افراد به مبارزه طبقاتی پرولتاریا به مثابه یک نیروی اجتماعی مستقل عقیده نداشتند. تسلیم طلبان و خیال پردازان افغانستانی نیز فکر می کنند که با یک جا شدن طالبان و رژیم دست نشانده، صلح و امنیت سرتاسری بوجود آمده و بدبختی از جامعه افغانستان رخت خواهد بست.

در افغانستان امروزی تسلیم طلبان خیال پرداز به همین جهت علیه حزبیت به مبارزه بر خاسته از جنگ انقلابی (جنگ خلق) در افغانستان بی زارند و اعتقاد شان را در مورد سرنگونی قهری طبقه حاکمه از دست داده اند. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بارها اعلام نموده است: صلحی که در افغانستان توسط اشغال گران امریکایی، طالبان و رژیم دست نشانده در حال شکل گیری است، صلحی بر مبنای منافع علیای توده های مردمان

کشور و مصالح علیای استقلال کشور نبوده و نیست. امکان دارد که تغییرات فاحشی در رده بندی های تضادهای عمده و غیر عمده کشور رونما گردد، اما انقلاب کشور کماکان لا ینحل باقی می ماند. ما باید به استقبال اوضاع جدید و فرصت های نوین مبارزاتی بر خاسته از آن، بشتابیم.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بارها گفته و باز هم مکرراً تاکید می ورزد که اشغال گران امریکایی خواهان خروج کامل از افغانستان نیستند. خلیل زاد در مصاحبه ای تلویزیونی خود بارها تکرار نموده که قوای امریکایی در آمدن به افغانستان از کسی اجازه نخواسته و در رفتن نیز از کسی اجازه نمی گیرد. امپریالیسم اشغال گر امریکا دقیقاً که تمام نیروهای نظامی خود و متفقین خود را از افغانستان بیرون خواهد نمود، زیرا در شرایط کنونی که امپریالیسم اشغال گر امریکا "توافق نامه استراتژی یک" و "توافق نامه امنیتی" با رژیم دست نشانده به امضاء رسانده، داشتن پایگاه های نظامی دایمی و حضور نیروهای نظامی در این پایگاهها برایش ضرور نیست. زیرا طبق این توافق نامه هر زمانی که بخواهد می تواند مجدداً و به سرعت وارد عمل شود.

امپریالیسم اشغال گر امریکا از یک سو "توافق نامه" هایی که شبیه "توافق نامه گندمک" و "توافق نامه دیورند" می باشد در دست دارد و از سوی دیگر شبکه های قوی استخباراتی در درون افغانستان و پایگاه های نظامی اش در خلیج فارس بهترین زمینه برای کنترل افغانستان است. امریکا در پهلوی این همه امکانات باز هم در صدد ایجاد پایگاه های نظامی و استخباراتی در داخل خاک پاکستان می باشد. گر چه پاکستان با این درخواست امریکا مخالفت نموده است، به احتمال قوی که با یک معامله میان امریکا و پاکستان این خواست امریکا در پاکستان جامه عمل بپوشد.

یگانه مسئله ای که اشغال گران امریکایی خواهان پیاده نمودن آن هستند، مسئله فوق الذکر است. ترامپ در جریان آخرین سفرش درهند علناً بیان نمود که می خواهد از طریق نیروهای استخباراتی امریکا در افغانستان منطقه را کنترل نماید. بایدن نیز ادامه دهنده همین سیاست در افغانستان است.

استعمار انگلیس با امضاء "توافق نامه گندمک" و "توافق نامه دیورند" با امیران دست نشانده شان در حدود هشتاد سال بدون حضور قوای نظامی به استثنای جنگ اول و جنگ دوم افغان و انگلیس، افغانستان را در سیطره اشغال گرانه خود نگه داشت.

در شرایط کنونی و بعد از امضای "توافق نامه صلح میان طالبان و اشغال گران امریکایی و رژیم پویشالی" وضعیت دوران استعمار انگلیس در افغانستان تکرار خواهد گردید.

با توجه به تمامی مسایلی که فوقاً بر شمردیم، بر پایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده کنونی و رژیم دست‌نشانده پسا توافق در افغانستان غیر قابل انصراف است. فقط از طریق چنین جنگی است که می‌توان به انقیاد مستعمراتی کشور خاتمه داد و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را بدست آورد.

از طریق برپایی و پیش‌برد چنین جنگی است که می‌توان آرمان والای رفیق ضیاء را زنده نگه داشت و درفش رزمنده حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را از طریق چنین جنگی به اهتزاز در آورد و رویای دیرینه رفیق ضیاء را بر آورده سازیم. ما با تعهد خرابیین به منافع علیای کشور یاد و خاطره رفیق ضیاء را زنده نگه خواهیم داشت و در راه تحقق آرمان والای رفیق ضیاء که همانا تطبیق خلاقانه مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم در شرایط مشخص کشور است، از هیچ‌گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.

به پیش در راه برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم!

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

هیئت تحریر شعله جاوید

۱۴۰۰ / ۱ / ۴ خورشیدی

(۲۲/۶/۲۰۲۱ میلادی)

هدف اصلی امپریالیست‌های امریکایی این است که افغانستان را بصورت دراز مدت تحت کنترل خود نگه دارند و از طریق افغانستان تحولات بعدی منطقه و قدرت‌های منطقه‌یی را زیر نظر داشته باشند. بدین مناسبت است که امپریالیست‌های اشغال‌گر امریکا تلاش دارند تا یک رژیم اسلامی پسا توافق گوش بفرمان طبق خواست شان ایجاد نمایند. از طریق ایجاد رژیم اسلامی پسا توافق هم حالت مستعمراتی افغانستان حفظ خواهد گردید و هم مصارف هنگفت قوای نظامی شان را در افغانستان به صفر تقرب خواهند داد. اشغال‌گران امریکایی امیدوارند که پس از ایجاد رژیم پسا توافق اگر نتوانند بطور کلی جنگ اسلامیت‌ها را نابود نمایند، آن‌را به حداقل برسانند.

امپریالیزم اشغال‌گر امریکا کاملاً مطمئن است که در اوضاع بغرنج و فروپاشیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور که در ظرف دو دهه اشغال کشور شکل داده است، نه تنها رژیم پوشالی کنونی، بل که رژیم اسلامی پسا توافق مجبور است که "توافق‌نامه امنیتی میان اشغال‌گران امریکایی و رژیم پوشالی" را تا سال ۲۰۳۴ نیز تمدید نمایند. در چنین صورتی عین وضعیت دوران استعمار انگلیس در افغانستان تکرار خواهد شد. با ایجاد چنین شرایطی نه تنها بهره‌کشی و ستم بر خلق‌های زحمت‌کش و زنان کشور افزایش خواهد یافت، بل که عرصه بر نیروهای ارتجاعی غیر پشتون و "چپ" تسلیم شده تنگ‌تر خواهد گردید. زیرا رژیم پسا توافق هم شئون‌یست‌تر و هم اسلامی‌تر از رژیم پوشالی کنونی خواهد گردید.

زمانی که پروسه خروج قوای نظامی اشغال‌گران امپریالیست از افغانستان تکمیل گردد و "مذاکرات بین‌افغانی" به نتیجه برسد، رژیم پسا توافق طالبان و رژیم دست‌نشانده ایجاد گردد، در چنین صورتی رژیم دست‌نشانده پسا توافق و اشغال‌گران امپریالیست حامی و پشتیبان شان به عنوان دشمنان عمده خلق‌های کشور آماج مبارزات ملی مردمی و انقلابی زحمت‌کشان کشور قرار خواهند گرفت. باید جداً توجه نمود که این بحث بدان معنا نیست که در چنین حالتی ترکیب مجموعی دشمنان عمده انقلاب و خلق‌های افغانستان تفاوت خواهد نمود، بل که بدان معناست که آماج مستقیم تاکتیکی روزمره در مبارزات انقلابی در درجه اول رژیم دست‌نشانده خواهد بود.

با تشکر از رفیق...

من به نمایندگی از رفقا، از کمیته منطقه شماره دوم تشکر و قدر دانی می‌نمایم که به مناسبت اولین سال درگذشت رفیق ضیاء این محفل را ترتیب داده اند. محفل امروزی ما در این جا به پایان رسید، لذا ختم محفل را اعلام می‌دارم.

با تشکر و سپاس از حضور گرم همه رفقا.

به مناسبت سالگرد جان‌گداز حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

امپریالیسم امریکا و متحدانش و کشورهای منطقه با ساز و برگ استخباراتی شان به جنگ‌های ارتجاعی - استخباراتی دامن می‌زنند و توده‌های ستم‌دیده کشور را در بدترین شرایط اقتصادی و امنیتی قرار داده‌اند، که منجر به فقر و بیکاری و هزاران هزار بدبختی و بی‌خانمانی دیگر نیز در کشور شده است و میرود تا عمق فقر و بدبختی بیشتر و بیشتر گردد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در قسمت آگاه نمودن جوانان و توده‌های زحمت‌کش در داخل و خارج از کشور، متعهدتر از قبل حرکت خواهد کرد و مطمئناً با ادامه دادن مسیر مبارزاتی رهبر فقیدشان و با تکیه بر اساسنامه سومین کنگره سراسری حزب، بیشتر از پیش مجدانه تلاش به خرج خواهد داد تا این مسیر مبارزاتی را در جهت عملی‌سازی یعنی جنگ خلق سوق دهد.

اگرچه یک سال از فراق رفیق ضیاء می‌گذرد اما رهنمودهای ارزشمند وی در میان ما و همیشه در قلب ماست. یاد و خاطرات و مسیر مبارزاتی درخشانش را برای همیشه با خود خواهیم داشت و برای تحقق و گسترش آرمان‌های وی مبارزه خواهیم نمود.

گرامی باد یاد، خاطرات و مسیر مبارزاتی درخشان
رفیق ضیاء

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

هواداران حزب کمونیست (مائوئیست)
افغانستان - فرانکفورت - آلمان

اول جولای ۲۰۲۱ م.

۹ سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی

یک سال از درگذشت صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گذشت، اگرچه او در میان ما نیست اما آرمان‌های والایش برای همیشه در قلب تمام مبارزین واقعی (م ل م) باقی خواهد ماند.

رفیق ضیاء مبارز با دانشی بود که سالیان زیادی از وقتش را در سنگر مبارزه ملی، بین‌المللی و طبقاتی گذراند و الگوی حقیقی یک رهبر و مبارز واقعی کمونیستی (مارکسیست - لینینیست - مائوئیست) بود. شخصیت برجسته اش در سطح منطقه و جهان برای همه کس هویدا است، وی بیش از چهل سال از عمرش را در راه مبارزه بر مبنای تعهدات مارکسیسم - لینینیسم - مائوئیسم صرف نمود. رفیق ضیاء بعد از اشغال کشور توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیسم امریکا، در سال ۲۰۰۱ فراخوان وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان را داد که بعد از قبولی این فراخوان توسط چند جناح و بعد از دو سال جر و بحث، بالاخره، در اول می ۲۰۰۴ م، کنگره وحدت جنبش کمونیستی مارکسیستی - لینینیستی - مائوئیستی میان سه جناح شرکت کننده در کنگره (حزب کمونیست افغانستان، سازمان پیکار برای نجات افغانستان و اتحاد انقلابی کارگران افغانستان) شکل گرفت و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به رهبری رفیق ضیاء، ایجاد شد.

رفیق ضیاء دارای شناخت متعالی از دانش پرولتاریایی در عرصه ملی و بین‌المللی بود. ما کمبودش را بخوبی درک می‌کنیم و متیقین هستیم که رفیق ضیاء فنا ناپذیر می‌باشد. او به ما آموخت که هیچ‌گاه نباید از مبارزه دست کشید، زیرا با مبارزه پی‌گیر و متداوم می‌توان کشور را از زیر یوغ استعمارگرانه امپریالیست‌ها و خابنین ملی دست‌نشانده شان نجات دهیم.

در شرایط کنونی افغانستان که طالبان به اشغال‌گران آمریکایی تسلیم شده‌اند و می‌رود تا پروسه تقابل - تبانی میان رژیم دست‌نشانده و طالبان به پروسه تبانی تقابل تبدیل گردد،

در فراق رفیق ضیاء

عزم مان متین، رزم مان همچنان پایدار باد!

مارکسیستی - لینینیستی - مائوئیستی (در آن زمان اندیشه مائوتسه دون) از طریق «ساما» غیر ممکن است. از این خاطر طرح « هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان » را روی دست گرفته و به تاریخ در ۱۴ حمل ۱۳۶۵ خورشیدی (۳ اپریل ۱۹۸۶ میلادی) رفیق ضیاء قطع رابطه خود را با «ساما» رسماً اعلام نمود.

پایه ریزی « هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان » از جمله کارهایی بود که رفیق ضیاء پس از انشعاب از «ساما» روی دست

دومین کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لینینیست - اندیشه مائوتسه دون در سال ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۳ خورشیدی) اولین حرکت مبارزاتی در سطح بین‌المللی بود که رفیق ضیاء به دعوت مستقیم رفقای ترکیه، عملاً در آن اشتراک ورزید و پس از بازگشت به وطن، زمانی که گزارش سفر را به قیوم رهبر ارائه داد، رهبری «ساما» از کنار گزارش بی‌اعتناء عبور نمود. این حرکت قیوم رهبر، رفیق ضیاء را به این نتیجه گیری رساند که پیشبرد مبارزه در راه تأمین آزادی بر اساس خط

گرفت و «ندای انقلاب» را به دست نشر سپرد و مبارزات اصولی و قاطعانه را علیه رویزیونیسم، تسلیمی و تسلیم طلبی «ساما» و علیه خط و مشی رویزیونیستی «سازمان رهایی افغانستان» و علیه «مشعل رهایی» بعنوان یک ارگان رویزیونیستی سه جهانی روی دست گرفت.

وی بخوبی توانست جنبه های مثبت و منفی «سازمان جوانان مترقی» را تحلیل و بررسی نموده جنبه های مثبت آنرا تکامل دهد و روی طرح حزب کمونیست گام های اولیه را برداشت و تاکید می نمود که بدون سه سلاح انقلاب (خط و مشی حزبی، ارتش خلق و جبهه متحد ملی) هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد.

همین بود که در سال ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ م.) طرح «سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان» را روی دست گرفته و به تعقیب آن بخاطر وحدت گروه ها و شاخه های پراکنده جنبش چپ مارکسیست - لنینیست - مائوئیست (در آن زمان اندیشه مائوتسه دون) تلاش فراوان نمود، که همراه «املاء» (اتحاد مارکسیست - لنینیست های افغانستان) و «سازمان پیکار برای نجات افغانستان»، «کمیته وحدت و انسجام» را شالوده گذاری نمود.

همین بود که در سال ۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ م.) رفیق ضیاء توانست با اتکاء به جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) طرح «حزب کمونیست افغانستان» را روی میز آورده، حزب را بنیانگذاری کند و دور دوم شعله جاوید را بعنوان ارگان مرکزی حزب به دست نشر بسپارد و طبقه کارگر در افغانستان برای اولین بار حزب پیشاهنگ انقلابی اش را به دست آورد.

هنگامی که کنفرانس سرتاسری ۱۹۹۳ م (۱۳۷۲ خورشیدی) میان احزاب و سازمان های م ل م به دعوت جا (جنبش انقلابی انترناسیونالیستی) در سطح جهان تدویر یافت، رفیق ضیاء درین کنفرانس شرکت ورزید و نقش براننده ای در آن ایفاء نمود.

سند مهم این جلسه: «زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم» نیز به تصویب رسید که نقش براننده رفیق ضیاء درین جلسه بخوبی هویدا بود. او روی تعیین تضاد عمده جهانی به شدت پافشاری نمود که تضاد میان امپریالیزم و خلق های تحت ستم جهان در شرایط فعلی تضاد عمده جهانی را تشکیل میدهد، هرچند نماینده امریکا درین جلسه قبول کرد اما پس از جلسه حزب کمونیست انقلابی امریکا بدین فیصله، رای منفی ارائه نمود از آنجائی که بعضی مسائل لاینحل باقی مانده و به جلسه بعدی محول گردید، در جلسه سال ۲۰۰۰ م. تضاد میان امپریالیزم و خلق های ستم دیده جهان به عنوان تضاد عمده جهانی مشخص گردید هر چند حزب کمونیست ایران (م ل م) بدان رای منفی داد، اما نقش رفیق ضیاء در تمام جلسات بین المللی معلوم و مشهود بود.

در ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ هنگامیکه اشغالگران سفاک و خون آشام یانکی به کشور عزیز ما حمله کردند، تهاجم و لشکر کشی اشغالگرانه شان باعث شد که حزب کمونیست افغانستان تحت رهبری رفیق ضیاء با پخش اعلامیه ای آنرا محکوم نمود و طرح وحدت همه مائوئیست های افغانستان را ریخت.

تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نیز از جمله

دستاوردهای ارزشمند رفیق ضیاء است که پس از تدویر اولین کنگره وحدت توانست سه جناح را در حزب مقدم نموده و طرح حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با تصویب برنامه و اساسنامه حزبی در اول می ۲۰۰۴ م. اختتام موفقانه کنگره وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی افغانستان و ایجاد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را رسماً اعلام نمود و در سال ۱۳۹۴ خورشیدی نیز در راس تشکیلات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در دومین کنگره سراسری با اتفاق آراء برگزیده شد.

متأسفانه که پس از ۱۷ سال رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مرگ نابهنگام، وی را مجال نداد و از ما گرفت.

اینک وظیفه ماست تا در فقدان رفیق ضیاء عزم مان را راسخ و رزم مان را پایدار نموده و بخاطر برافراشتن درفش رزمنده حزب در قله های شامخ کشور توفنده مانند طوفان به پیش رویم و رخشنده مانند آفتاب بدرخشیم.

اینک وظیفه مبارزاتی ماست که همچنان روابط خویش را با تمام احزاب و سازمان های سراسر جهان مستحکم تر از سابق به پیشبرده و وظایف انترناسیونالیستی خویش را با اتکاء به اصول و ضوابط تشکیلات حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان همچنان به پیش ببریم و روابط عمیق خویش را بخاطر دفاع از جنگ خلق در هند و فیلیپین عمیق تر نماییم و علیه تمام انحرافات رویزیونیستی، اپورتونیستی و انحلال گرانه در سطح جنبش بین المللی کمونیستی ادامه دهیم و مسیر به جا مانده از رفیق ضیاء را در پیوند تنگاتنگ با سایر احزاب و سازمان های جهانی مستحکم نماییم.

پایدار و مستحکم باد روابط بین المللی احزاب و سازمان های م ل م

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم

کمیته روابط بین المللی - حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی

رفیق ضیا رهبر انقلابی و پیشرو زحمتکشان

رفقا!

یک سال از درگذشت رهبر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان گذشت. در این یکسال کمبود آن در راه مبارزه و انقلاب احساس شد.

واحد پایه‌ی شماره ۴ اندیشه و آرمان بزرگ او را برای رهایی خلق ستمدیده هرچه استوارتر ادامه داده، با پیکار و مبارزه در برابر خصم زبون، یاد او را گرامی می‌دارد. او شرف و عزت توده‌های زحمتکش و ستمدیده‌ی این سرزمین بود. با سربلندی و اندیشه برحقش، یک عمر در برابر بی‌عدالتی و نابرابری مبارزه کرد و میراث ماندگار را برای زحمتکشان به جا گذاشت.

در تاریخ جنبش چپ افغانستان بسیاری از مبارزین و انقلابیون برای نابرابری مبارزه کردند و جان‌شان را در این راه قربانی نمودند. این افتخار بلند این مردان و زنان بزرگ است که در تاریخ این ملت برای همیشه به خط زرین تجلی می‌نماید؛ رفیق ضیا یکی از پیشتازترین متفکر انقلابی بود که در میان جنبش بین‌المللی کمونیستی، راه اصولی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی را از راه غیر اصولی تفکیک کرد و انقلاب پرولتری را در سطح جهان دریافت. برای روشن نمودن خط مبارزاتی اصولی موضع مشخص و انقلابی خود و حزب خود را اعلان نمود. این از نمونه مبارزه خط اصولی متفکر کبیر (رفیق ضیا) از جنس پرولتاریا جهان بود. او باور و عشق که به ستمدیده‌ترین خلق جهان داشت، همه زندگی خود را وقف مبارزه در راه آزادی آنها نمود و هموار مدافع عدالت و آزادی واقعی توده‌های زحمتکش با از بین بردن شرایط خفقان و ضد انسانی آن بود.

رفیق ضیا! برای همه مبارزین واقعی خط روشن و نمونه واضح برای مبارزه و برانداختن نظامهای فرسوده به جا گذاشت که می‌توان از آن درس بزرگ عبرت آموخت و برای رهایی از بیدادگری و جفا به آن پای بند بود؛ نظم نوین با عدالت و برابری که با شئون انسانی برابر باشد احیا نمود. او منبع نیرو برای همه هم‌سنگران و مردم تحت ستم بود که برای آزادی به آنها خط درست و باور مبارزاتی را ترسیم کرد. برای آزادی طرح و برای ادامه آن برنامه داشت. او با همه مشکلات زندگی شخصی که داشت بی‌باکانه با اندیشه انسانی و با باور سستبر، مبارزه و انقلاب را به خط اصولی‌اش رهبری نمود و بر دیگران اولگو و نمونه شد.

ما با نمونه از شخصیت و آرمان رفیق ضیا راهش را ادامه می‌دهیم، عزم مان را هر چه تمام تر و مستحکم تر برای رهایی ستم دیدگان به پیش خواهیم برد.

با وجود مشکلاتی که در منطقه پایه‌ی شماره ۴ وجود دارد سالیاد رفیق فرزانه خود را گرامی می‌داریم و برای همه رفقا و خانواده آن تسلیت رفیقانه تقدیم می‌داریم.

به پیش در راه برپای و پیشبرد جنگ مقاومت ملی و مردمی

زنده باد آزادی

واحد پایه‌ی شماره ۴

مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ جورشیدی

رفیق ضیاء بر تارک اندیشه‌های ما جاودانه باد!

«اشپشته» شاهد حملات خونین طالبان تسلیم شده به یانکی‌ها بود.

خیزش‌های مردمی برنامه‌دیگر دولت دست نشانده است تا در برابر موج عظیم تبلیغات وسیع و انترنتی طالبان از خود به تصویر در آورد. اینبار ولایت ... شاهد تفنگ گرفتن مردم و به اصطلاح حمایت از نظام را در مقابله با طالبان به نمایش گذاشتند.

این صحنه‌ها دقیقا نشاندهنده عمق فاجعه‌ای است که ما پیش روی داریم و برای هر حالت آن باید از قبل

رفقای گرامی!

امسال اولین سالیاد مرگ رفیق ضیاء، ستاره تابناک انقلاب افغانستان است. دریغا و دردا که یکسال از فراق وی میگذرد، اما چقدر سهمگین و با چه مصیبتی؟ در سالی که گذشت، نه تنها بدبختی‌های جامعه بر دوش ستمدیدگان افزونی میکند بلکه حملات طالبان برای به دست آوردن قدرت سیاسی در برابر نیروهای دولتی رژیم دست نشانده شدت یافته است. حملات تهاجمی که با کشته و زخمی شدن هر دوطرف در ولسوالی ...، همین چند شب قبل صورت گرفته و پسته امنیتی واقعه

امیدواریم که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع جاری در کشور، برای تربیت کادر جوان خویش هر آنچه در توان دارد به دست گیرد تا بتوانیم شاهد بالندگی های بیشتر حزب در سطح کشور، منطقه و جهان باشیم.

یکبار دیگر، یاد و خاطره رفیق ضیاء را گرامی میداریم و با تعهد راسخ خود را برای مقابله با اشغالگران امپریالیست، خائنین ملی دست نشانده و اشغالگران مرتجع داعشی، آماده می سازیم.

به پیش در راه تدارک و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

زنده باد استقلال - زنده باد آزادی

واحد پایه‌یی شماره ۱۱

اول سرطان ۱۴۰۰ خورشید

تدارک و تدبیر بگیریم. تا جائیکه به تحلیل شرایط و اوضاع روز متکی شویم، دیده میشود که بوجود آمدن چنین حالتی است که خبر از یک جنگ وسیع دیگر با بیطرف بودن به اصطلاح نیروهای یانکی همراه است و خود رژیم دست نشانده باید از پس چنین جنگی بیرون برآید. اشغالگران امپریالیست صرفاً وعده تامین امنیت به کابل را و همچنان میدان هوایی کابل را داده اند اما از ولایات کشور نامی نبرده اند، بدین ملحوظ دیده میشود که جنگ برخاسته و شعله ور شده در ولایات متعدد کشور، به سمت بحران عمومی به پیش میرود و رژیم دست نشانده را به طرف سقوط تدریجی سوق میدهد.

ما به عنوان انقلابیون کشور باید از شرایط بغرنج روزگار بتوانیم چالش ها را به فرصت بدل نموده و برای مقابله با هریک ازین چالش ها به مبارزه برخیزیم. افسوس که جای گران سنگ رفیق ضیاء به شدت خالی است و ما این خلاء را به شدت احساس می کنیم.

مسیر مبارزاتی به جا مانده رفیق ضیاء را

به طور عمیق و گسترده

ادامه می دهیم!

«نویسنده باستانی چین "سی ما چیان" می نویسد: «همه کس می میرد، ولی مرگ یکی ممکن است سنگین تر از کوه تایی و مرگ دیگری سبک تر از پر قو، باشد.» مرگ بخاطر منافع خلق سنگین تر از کوه تایی است، ولی خدمت به فاشیست ها و مرگ بخاطر منافع استثمارگران و ستمگران سبک تر از پر قو است.» (پنج اثر - نوشته مائوتسه دون - به خلق خدمت کنید - صفحه ۵)

خالی رفیق ضیاء را پر نموده و درفش ظفرمند حزب را هم چنان در اهتزاز نگاه دارد.

بلی! وداع تلخ و اندوهگین رفیق ضیاء درد جانکاهی را بجای گذاشت و سنگینی بار دوریش به حجم کوه بر شانه های ما افتاد و قلب ها را سوزانید.

کمیته منطوقی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در حالی اولین مراسم سال یاد وفات رفیق ضیاء را تدویر می کند که مرض مهلک کرونا (کووید - ۱۹) موج وار و جهش یافته سراسر مملکت را در نوردیده و اکثریت مردمان ستم دیده ما را به خود آغشته کرده است. ما آگاهیم که این گونه امراض از دامن امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم سرمایه داری سربلند نموده و در یک جنگ بیولوژیکی، جهان را در خود پیچانده است، جنگی که از یک سو اقتصاد سراسر جهان را با رکود مواجه نموده و از سوی دیگر سود هنگفت چندین هزار میلیارد دالری را از بازار گرم خرید و فروش واکسین

اول سرطان امسال مصادف است با اولین سال یاد وفات زنده یاد، رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، تئوریسن ملی و بین المللی، شخصیتی بی نظیر و دلسوز، آموزگار، نویسنده و شاعر توانا و متعهد به مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم، که مرگش همچون کوه های هندوکش و بابا بر شانه های ما سنگینی نموده است و سینه ها از فراغش می سوزد، اما حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان - با تکیه در مسیر مبارزاتی و آرمان های سرخ به جا مانده از رفیق ضیاء - مصمم است که بتواند به زودترین فرصت ممکن هرچند مشکل، جای

و تمام توده های محروم و ستم دیده این دیار که با او آشنایی داشتند و از نزدیک می شناختند، بود، و ما با الهام گیری از دروس به جا مانده رفیق و با تکیه بر چنین سنگر مستحکم و پولادین، اکنون با ثبات تر از قبل به پیش حرکت می کنیم تا مسیر مبارزاتی مان را به پیروزی منتهی سازیم.

اگرچه رفیق با مرام ما ضیاء دیگر در میان ما نیست و جسمش در خاک دفن شده است، اما نامش همیشه با ماست و اکنون جاویدانه بر دل های هر مبارز کمونیست واقعی (م - ل - م) یاد می شود و به یک ارزش معنوی و شناخته شده در میان احزاب و سازمان های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست جهان معرفی شده است. وی در مقابله با سنتزهای نوین باب آواکیان اولین فردی بود که در جهان قدم علم کرد و آنرا پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی - هومانستی خواند، هنگامی که پولینوم چهارم کمیته مرکزی حزب فیصله نمود که سنتزهای نوین پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی - هومانستی است، حزب کمونیست هند (مائوئیست) اولین حزبی بود که طی نامه ای به کمیته مرکزی حزب نوشت: که این پیشگویی تان پیش از وقت و لبه آن بسیار تیز و برنده است، اما یک سال بعد، حزب کمونیست هند (مائوئیست) با قدرت تمام نوشت: که پیشگویی های حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نه تنها پیش از وقت نبود بلکه به وقت بود و حتی کم گفته بودند، سنتزهای نوین باب آواکیان رهبر حزب کمونیست انقلابی امریکا نه تنها پسا مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی - هومانستی می باشد بلکه رویزیونیستی است.

از آن به بعد، مسیر مشخص مبارزات کمونیستی در سطح جهان، روی مسائل مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم تعمیق و گسترش یافت و احزاب و سازمان های جهان یکی پی دیگری، آغاز مبارزات علیه سنتزهای نوین باب آواکیان را مدیون حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و در راس رهبری زنده یاد رفیق ضیاء می دانستند. این افتخار از آن رفیق ضیاء است که در تاریخ مبارزات جنبش بین المللی کمونیستی فراموش ناشدنی و ماندگار خواهد بود.

ما در شرایطی امسال به بزرگداشت سال یاد زنده یاد رفیق ضیاء گام می گذاریم که امپریالیست های اشغال گر

کرونا، ورشکستگی و خرید سهام شرکت های بزرگ توسط کارتل ها و ترست های نظام سرمایه داری بدست آورده است، اما درین میان، تاوان این جنگ بیولوژیکی را توده های ستم دیده و بیچاره می دهند که از دیدگاه سیستم امپریالیستی انگل و بدردنخور اجتماع به شمار می آیند، و از زمان شیوع پاندمی کرونا تا کنون همین قشر تحت ستم جامعه، و افراد کهن سال و جوانان ناتوان از سراسر جهان، علی الخصوص مردمان افغانستان، قربانی این جنگ شده و می شوند.

ما مصمم هستیم که با مقابله همه جانبه علیه دژ نظام امپریالیستی/سرمایه داری که همچنان تضاد عمده در جهان را تشکیل می دهد، قادر خواهیم بود ازین بن بست ها عبور کنیم و برای پیاده نمودن آرمان های سرخ به جا مانده رفیق ضیاء و رفقای وفادار هم رزمش تا قطره خون در شریان های ما جریان داشته باشد درین مسیر قویا مبارزه نمائیم. ما با تکیه بر تئوری جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) در افغانستان تلاش داریم تا از حالت تدارک - برای برپائی چنین جنگی - عبور نموده و بتوانیم درفش پر افتخار حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را بر کوه پایه های کشور عزیزمان به اهتزاز در آوریم. هر چند می دانیم که جنگ خلق از سه مرحله (تدافع - تعادل - تعرض) عبور می کند و طولانی ترین مرحله، مرحله تدارک و تدافع جنگ خلق است که اکنون ما در حالت تدارک برای برپائی چنین جنگی قرار داریم، اما متعقد هستیم که با شروع آن و با تکیه بر اساسات ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی و با برنامه های طرح شده به جا مانده از رفیق ضیاء قادر خواهیم بود با تمام نیرو و توان بر اشغال گران لجام گسیخته امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان حمله ور شده و نظام دژخیم شانرا به قهری ترین و فجیع ترین شکل سرنگون نمائیم، و آن زمانیست که می توانیم استقلال سیاسی و آزادی کشور را به ارمغان آورده و بر تمام مصائب و بدبختی های جامعه خط پایان بکشیم.

مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم سنگر انقلاب جهانی است!

رفیق ضیاء صدر پر افتخار حزب، یک مارکسیست - لنینیست - مائوئیست به تمام معنی، و شخصیتی گران مایه و به عنوان آموزگار برای تک تک اعضای حزب

گام بر دارد، و با تکیه بر اساسات ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم که سنگر انقلاب جهانی است به پیش رفته و توده‌ها و پرولتاریای ستم‌دیده دیرمان را از بند اسارت آزاد ساخته و متحد بسازد.

بلی! ما با تمام توان و نیرو مبارزاتی انقلابی مان، برای بیرون راندن قهری نیروهای اشغال‌گر امپریالیست و هم‌بیمانان شان از کشور و فروپاشی رژیم دست‌نشانده و رژیم پسا توافق و رونمایی چهره‌های تسلیم طلب و انحلال‌گران سکتاریست از هیچ‌گونه اینار و فداکاری دریغ نخواهیم ورزید، و تا بنیان‌گذاری جامعه دموکراتیک نوین، و تا رسیدن به سوسیالیسم و هدف غایی کمونیسم هم‌پا با دیگر رفقای هم‌رزم خود، گام‌های مانرا مستحکم‌تر و پولادین‌تر از قبل بر خواهیم داشت.

رفیق ضیاء در مبارزه علیه هر نوع بیداد و ستم اشغال‌گرانه و خاینانه امپریالیستی/سرمایه‌داری و رژیم‌های مزدور و دست‌بوس یانکی‌ها، قاطعانه ایستاد و درین راه، از هیچ نوع سعی و تلاشی دریغ نورزید. وی هیچ‌گاه به منافع شخصی خود فکر نمی‌کرد، با زندگی فقیرانه و خانه کم‌آسایش - اگرچه برایش امکانات در آنسوی دریاها موثر بود - به مبارزه انقلابی خویش تا زمانی بدروود حیات ادامه داد.

غم از دست دادن چنین رهبری سنگین و جانسوز است، ولی اندوه و درد ما در پیکار و نبرد با عزم راستین و راسخ انقلابی مدوا می‌گردد. ما برای برپایی سرزمین نوین و بناء آبادی و آزادی با تمام قوت حرکت خواهیم کرد، و می‌دانیم درین راه شاهد همراهی هزاران هزار هم‌وطن وفادار مان خواهیم بود!

ای رفیقان رفته سرخ تاریخ

راحت بخوابید، آرام بخوابید،

نام‌های با شکوه تان

در تاریخ مبارزاتی جهان

و بر جریده دل‌های مان

ثبت است.

ای رفیقان با مرام و هم‌سنگران سرخ آلود

امریکایی طرح ریاکارانه و نمایشی خروج شانرا مطرح نموده و خواهان به قدرت رساندن رژیم پسا توافق هستند و بازار جنگ امپریالیستی - استخباراتی شان هم‌چنان گرم است.

ما در شرایطی امسال به بزرگداشت سال‌یاد زنده یاد رفیق ضیاء گام می‌گذاریم که در طی یک‌سال گذشته با توطئه انحلال‌گرانه سکتاریستی و دگماتیستی دو فرد جاه‌طلب مواجه شدیم، که باعث شد، اثرات ناچیزی بر پیکر حزب وارد نماید؛ ولی ما با مبارزه اصولی و دوامدار توانستیم طرح توطئه گرانه و انحلال طلبانه شان را خنثی نموده و سومین کنگره سراسری حزب - که یکی از آرمان‌های رفیق ضیاء بود - را موفقانه تدویر نمائیم.

ما اکنون با تمام نیرو و با استحکام بیشتر سرپا ایستاده هستیم، و برای پیاده نمودن آرمان‌های سرخ رفیق ضیاء و دیگر رفقای وفادار هم‌رزم مان که درین راه جان‌های شیرین شانرا از دست داده اند و هیچ‌گاه به رفاه، آسایش و آرامی شخصی شان فکر نکردند و منافع سیاسی را بر همه چیز ارجحیت دادند، با اراده پولادین و سترگ مبارزه می‌نمائیم، و درین شکی نیست که افراد خاین، فرصت‌طلب و انحلال‌طلبان سکتاریست، روسیاه تاریخ جنبش کمونیستی خواهند شد.

کمونیست‌ها عزاداری نمی‌کنند:

در جواب دیدگاهی تعدادی از دوستان و سم‌پاتی‌های حزب که گفته اند کمونیست‌ها عزاداری نمی‌کنند بلکه مبارزه می‌نمایند، باید گفت که بله، کمونیست‌ها هیچ‌گاه عزاداری نمی‌کنند اما دستاوردهای رهبران شانرا ارج می‌نهند، مراسم یادبود به عمل می‌آورند، از دستاوردها و کارکردهای آنان نام می‌برند و بدین ترتیب به احترام خدمات شایسته‌ای که انجام داده‌اند جلسات یادبود برگزار می‌کنند. این باید به یک قاعده تبدیل شود و ما باید رهبران خود را و دستاوردهای ارزشمند شانرا به مردم معرفی کنیم.

کمیته منطقی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان سوگند یاد می‌نماید که از آرمان‌های سرخ به‌جا مانده زنده یاد رفیق ضیاء دفاع نموده و برای پیاده نمودن این رویاهای مبارزاتی، قوی تر از قبل به پیش

که شایسته ستود هستید و درود!
 و راه ی تان خدمت به خلق بود و آزادگی
 و آرمان تان شکست زنجیر های استبداد و بندگی
 و نفرت تان از استثمار و استعمار و اشغال‌گری
 آری آری اندیشه خروشان سرخ تان،
 ستودنی ست، ستودنی ست!
 آرام بخوابید، راحت بخوابید!!!
 ما برای پیاده نمودن آرمان های سرخ تان
 برای برپایی جنگ خلق و درخشانی ستاره ها
 و ویرانی سیاهی شب های ظلمت
 و برافروزی شعله های خورشید عدالت
 «جان های مانرا فدا
 سرزمین نوینی را بناء
 لشکر ستم‌گران را به خاک و خون یک‌سان
 و بنیان ظلم را ویران
 خواهیم نمود.»
 ای رفیقان رفته سرخ تاریخ
 راحت بخوابید، آرام بخوابید.

زنده باد حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

زنده باد جنگ مقاومت ملی مردمی انقلابی

پیش بسوی آینده درخشان

با شکوه باد آرمان های سرخ هم‌زمان مان!

کمیته منطقوی شماره اول حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

اول سرطان ۱۴۰۰

دو اعلامیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و یک مقاله تحلیلی پیرامون مذاکرات صلح با طالبان، قبلاً در وبسایت حزب نشر شده است ولی نظر به تراکم بار نشراتی، اینک درین شماره از شعله جاوید اختصاص داده شده است.

امپریالیسم اشغال گر امریکا اکنون در افغانستان

راه حل سیاسی با طالبان را نسبت به راه حل نظامی ترجیح می دهد

همان طوری که شهر قندوز چند مرتبه بین اشغال گران امپریالیست، رژیم دست نشانده و طالبان دست به دست گردید، همین اکنون این شهر از هر طرف در محاصره طالبان قرار دارد.

به همین ترتیب شهرهای لشکرگاه، ترین کوت، مهتر لام، پلخمری، لوگر، میدان شهر و شهر فراه نیز در معرض تهدید شدید امنیتی قرار دارد و طالبان بر بقیه شهرها حملات جبهوی مرتباً انجام می دهند. به این ترتیب در ظرف سه هفته چهار ولسوالی از ولایات میدان وردک، لغمان، تخار و قندوز از کنترل رژیم دست نشانده خارج گردیده است، و در بسیاری از ولایات، ولسوالی ها در معرض سقوط قرار گرفته اند.

علاوه بر جنگ های ارتجاعی - استخباراتی، ده ها عملیات انتحاری و انفجاری در مناطق حساس شهر کابل و سایر شهرها و مناطق تحت کنترل رژیم دست نشانده صورت گرفته و می گیرد و تلفات وسیعی بر نظامیان رژیم دست نشانده و در عین حال اهالی ملکی وارد آورده که آخرین نمونه آن حمله وحشیانه و جنایت کارانه بر مکتب دخترانه سیداشهداء دشت برچی است که تلفات سنگین بر جا گذاشته است.

امروز به خوبی هویدا است که مناطق تحت کنترل رژیم دست نشانده نسبت به سال های قبل کاملاً کاهش یافته است. طبق آمار که خود اشغال گران امپریالیست داده اند در آخر سال ۲۰۱۸ میلادی مناطق تحت کنترل اشغال گران امپریالیست و رژیم دست نشانده در حدود ۵۷ فیصد قلمرو کشور را تشکیل می داد. اما امروز این مناطق کمتر از ۵۰ فیصد تمام قلمرو کشور تقلیل یافته است. اکثریت شاهراه های کشور در کنترل طالبان است.

تضادهای درون رژیم دست نشانده، رژیم پوشالی را به سرحد فروپاشی نزدیک ساخته است. تظاهرات مردم ولایت فاریاب به خاطر تعیین داود لغمانی به حیث والی میمنه، رژیم پوشالی را به چالش کشیده است. این وضعیت شباهت زیادی به دوره اخیر ریاست جمهوری نجیب دارد. این ها نمونه هایی از تشدید تضادهای درونی رژیم پوشالی است.

اوباما در دور دوم ریاست جمهوری اش اعلان نمود که تا آخر سال ۲۰۱۶ میلادی تعداد قوای امریکایی در افغانستان از چهارده هزار (۱۴۰۰۰) نفر به یک هزار (۱۰۰۰) نفر تقلیل می یابد، در اخیر سال ۲۰۱۶ نه تنها این کار عملی نگردید، بل که تعداد قوای اشغال گر از ۱۴۰۰۰ به ۱۹۰۰۰ نفر افزایش نیز یافت.

اشغال گران امپریالیست با افزایش قوای تازه نفس در افغانستان هر چه تلاش نمودند تا بن بست نظامی را در میدان های جنگ بشکنانند، اما موفق به این کار نگردیدند، بالاخره اشغال گران امریکایی از افزایش قوای شان به این نتیجه رسیدند که با افزایش قوای اندک نمی توانند سیاست سرکوب قاطع علیه طالبان و داعشیان را پیش ببرند، بل که فقط قادر به "سیاست حمایت قاطع" از نیروهای نظامی رژیم دست نشانده خواهند بود. و بخوبی درک نمودند که آن ها در حالتی هم قرار ندارند که برای بار دوم تعداد قوای شان را در افغانستان به حد صد و پنجاه هزار نفر افزایش دهند. بدین اساس اشغال گران امریکایی به این نتیجه قطعی رسیدند که دست از افزایش قوای تازه نفس به افغانستان بردارند و وارد معامله سیاسی با دست پروردگان دیروزی شان شوند و به این ترتیب دست پروردگان دیروزی و امروزی شان را در یک رژیم دست نشانده اسلامی گوش به فرمان پسا توافق جمع نمایند، تا از یک طرف از تلفات جانی عساکر شان جلوگیری نمایند و از طرف دیگر مصارف هنگفت نظامی شان را به حد اقل برسانند.

بعد از این نتیجه گیری مقامات عالی رتبه دولتی امریکا صراحتاً اعلان نمودند که سیاست جنگی امریکا در افغانستان به بن بست رسیده است و دیگر راه حل نظامی ندارد.

اشغال گران امپریالیست از فساد گسترده رژیم دست نشانده و بخصوص فساد نیروهای مسلح رژیم به شدت می نالند و

مطمئن اند که با موجودیت این رژیم وضعیت اشغال‌گران در افغانستان وخیم‌تر از قبل می‌گردد، و باید هر چه زودتر یک رژیم اسلامی پسا توافق با میان‌جی‌گری "سازمان ملل" در افغانستان ایجاد گردد تا عمر اشغال کشور طولانی‌تر نگردد.

عدم حضور جنگی نیروهای مائوئیست و شخصیت‌های انقلابی، ملی - دموکرات در میدان جنگ یک کمبود و ضعف جدی محسوب می‌گردد. از میان برداشتن این کمبود و ضعف در قدم اول متوجه نیروهای مائوئیست کشور است که از راه مبارزه ایدئولوژیک فعال و نشست‌های رودر رو به حل اختلافات به پردازند و به گروه‌گرایی و سکتاریزم خط بطلان کشند و در هم آهنگی و هم‌سوئی با تمامی نیروهای انقلابی و ملی - دموکرات این بن بست را درهم شکنند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یک‌بار دیگر تعهد جدی خود را برای حرکت در چنین مسیری اعلام می‌نماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۲ جوزای ۱۴۰۰ خورشیدی

(۲۳ می ۲۰۲۱ میلادی)

با تغییر اوضاع در افغانستان مائوئیست‌ها و نیروهای انقلابی باید نیاز مبارزاتی عاجل و فوری کشور را درک نمایند.

زمانی که «مذاکرات بین‌الافغانی» شروع گردید حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پیش‌بینی نمود که این مذاکرات طولانی‌تر از مذاکرات میان امریکایی‌ها و طالبان خواهد بود و به زودی نتیجه مطلوبی طبق میل اشغال‌گران امریکایی نخواهد داد. و با آن‌که ترامپ تلاش نمود که قبل از انتخابات ریاست جمهوری نتایج مطلوبی از این مذاکرات بدست آورد، و از آن‌که به نفع خود در انتخابات ریاست جمهوری امریکا بهره برداری سیاسی نماید، اما مذاکرات حسب میلش پیش‌رفت و طولانی‌تر گردید، زمانی که انتخابات ریاست جمهوری امریکا فرا رسید، هر دو طرف مذاکره‌کننده منتظر نتایج انتخابات امریکا ماندند.

چینی که جو بایدن وارد کاخ سفید شد اعلان نمود که «توافق‌نامه صلح» دوحه را بازبینی خواهد نمود. رژیم پوشالی امیدواری زیاد داشت که جو بایدن بر خلاف سیاست ترامپ با «توافق‌نامه صلح» دوحه مخالفت نماید.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در همان زمان اعلان نمود که سیاست جو بایدن در افغانستان تغییر نخواهد کرد، بل که ادامه همان سیاست گذشته خواهد بود.

جو بایدن با تعقیب سیاست امریکا در افغانستان بعد از صد روز دوره زمامداری اش اعلام خروج نیروهای اشغال‌گر را تأیید نمود، و اعلان نمود که خروج نیروهای امریکایی از اول می ۲۰۲۱ شروع الی ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ ادامه می‌یابد. یا به عبارت دیگر خروج نیروهایش را پنج ماه دیگر به تعویق انداخت.

طالبان گرچه از اعلام خروج نیروهای اشغال‌گر توسط جو

مذاکرات مستقیم میان اشغال‌گران امریکایی و طالبان در اواسط سال ۱۳۹۷ خورشیدی شروع گردید. این مذاکرات مدت ۱۸ ماه را در بر گرفت و بالاخره به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۹۸ خورشیدی (۲۹ فبروری ۲۰۲۰ میلادی) منجر به «توافق‌نامه صلح» میان اشغال‌گران امریکایی و طالبان گردید و به این ترتیب طالبان به اشغال‌گران امریکایی تسلیم شدند. در «توافق‌نامه صلح» بصورت واضح و روشن از خروج کامل نیروهای نظامی اشغال‌گران تا اول می ۲۰۲۱ سخن به میان آمده، اما امریکایی‌ها در این «توافق‌نامه» دو امتیاز از طالبان گرفتند. در توافق‌نامه میان امریکایی‌ها و طالبان، «توافق‌نامه امنیتی» میان اشغال‌گران امریکایی و رژیم دست‌نشانده مسکوت گذاشته شده و هم‌چنین هیچ صحبتی در مورد شبکه‌های قوی استخباراتی نیروهای اشغال‌گر صورت نگرفته است. این بدان معناست که طالبان «قرارداد امنیتی» و حضور نیرومند «شبکه‌های قوی استخبارتی» اشغال‌گران را در افغانستان پذیرفته‌اند. امریکایی‌ها در بدل این دو امتیاز علاوه بر خروج نیروهای نظامی شان به طالبان وعده سپردند که دولت آینده افغانستان (دولت پسا توافق) اسلامی خواهد بود و به منظور تأمین این هدف شورای عالی علما تاسیس خواهد شد. دولت موقت روی کار خواهد آمد و قانون اساسی جدید ساخته خواهد شد. پنج هزار زندانی طالبان تا بیستم حوت ۱۳۹۸ خورشیدی از بند رها می‌گردند. طالبان نیز تعهد نمودند که بعد از رهایی زندانیان شان مذاکرات با رژیم دست‌نشانده را شروع می‌کنند. اما این کار صورت نگرفت و رهایی زندانیان طالبان به تعویق افتاد و با تعویق افتادن رهایی زندانیان طالبان مذاکرات بین رژیم دست‌نشانده و طالبان نیز به تعویق افتاد.

بایدن استقبال نمودند، اما این تصمیم بایدن را نقض آشکار و صریح «توافق نامه صلح» دوحه خواندند.

طالبان در بدل به تعویق افتادن خروج نیروهای نظامی امریکایی از افغانستان خواهان رهایی هفت هزار افراد زندانی طالبان و حذف رهبران شان از لیست سیاه سازمان ملل گردیدند و اعلان نمودند تا زمانی که این خواست شان بر آورده نشود در «مذاکرات بین الافغانی» شرکت نخواهند کرد.

اشغال گران امریکایی به تاریخ اول می ۲۰۲۱ اقدام به خروج نیروهایش از افغانستان نمودند. طبق برنامه اعلام شده از سوی دولت امریکا قرار است تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱ تمامی نیروهای نظامی اشغال گران امریکایی و متحدین شان افغانستان را ترک نمایند.

طبق توافق به عمل آمده میان نیروهای امریکایی و طالبان باید خروج نیروهای نظامی ناتو همزمان با خروج نیروهای نظامی امریکا از افغانستان نیز شروع شود. یعنی تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱ تمامی نیروهای نظامی اشغال گر از افغانستان بیرون خواهند گردید.

همان طوری که بارها گفتیم باز هم می گوئیم که اشغال گران امریکایی خواهان خروج کامل از افغانستان نیستند. افغانستان بعد از خروج نیروهای نظامی اشغال گران یک کشور مستعمره باقی می ماند. زیرا تعداد زیادی از پرسونل اردوی کشورهای اشغال گر در پهلوی نیروهای استخباراتی شان در افغانستان به لباس ملکی باقی خواهد ماند که در پهلوی وظایف جاسوسی، آموزش نظامی و استخباراتی نیروهای رژیم دست نشانده کنونی و پس توافق را پیش خواهند برد. و در ضمن اشغال گران امریکایی در کشورهای خاور میانه و خلیج فارس پایگاه های نظامی دارند، و طبق "توافق نامه امنیتی" و "توافق نامه های استراتژیک" با رژیم دست نشانده هر آن و لحظه که ضرورت به نیروهای نظامی اشغال گر در افغانستان باشد به فوریت طبق این توافق نامه ها در افغانستان عمل خواهند نمود و یا اهداف مورد نظر شان را با سلاح های دور برد آماج قرار خواهند داد.

امپریالیست های امریکایی خواهان آنند تا افغانستان را بصورت دراز مدت تحت کنترل خود نگه دارند و از این طریق تحولات بعدی منطقه و قدرت های منطقه یی را زیر نظر داشته باشند.

در شرایط کنونی بهترین راه برای رسیدن امریکایی ها به این مقصد شوم شان که از لحاظ اقتصادی هم به صرفه شان است ایجاد یک رژیم پس توافق دست نشانده گوش بفرمان در افغانستان است. جوانب مختلف این استراتژی امپریالیزم امریکا در افغانستان عبارت است از:

۱- حفظ حالت مستعمراتی افغانستان.

۲- ایجاد یک دولت موقت اسلامی پس توافق با طالبان. هدف اصلی امپریالیزم امریکا از سازش و تبانی با طالبان نابودی و یا به حد اقل رساندن جنگ مسلحانه اسلامیست ها در افغانستان است.

ایجاد چنین وضعیتی در افغانستان نه تنها استثمار و ستم بر زحمت کشان، میلیت های تحت ستم و زنان را در افغانستان افزایش می دهد، بل که عرصه را بر نیروهای ارتجاعی غیر پشتون بشمول لیبرال ها و "چپ" تسلیم شده به اشغال گران و رژیم پوشالی و هم چنین نهادهای سر هم بندی شده (کمیسون حقوق بشر، سازمان های مدافع حقوق زنان و نهادهای جامعه مدنی) توسط اشغال گران امپریالیست و رژیم پوشالی را نیز تنگ تر می سازد، زیرا رژیم ایجاد شده پس توافق از رژیم دست نشانده کنونی هم اسلامی تر و هم شئونست تر می گردد.

۳- اشغال گران امپریالیست با بیرون نمودن نیروهای نظامی می خواهند که در افغانستان دیگر تلفاتی نداشته باشند و به مصارف نظامی هنگفت شان در افغانستان خاتمه دهند، و به همین ترتیب حساسیت های دینی و ملی نسبت به خودشان را تخفیف دهند.

ما بارها بیان داشتیم که مقاومت ارتجاعی طالبان نمی تواند مانند دوره مقاومت ضد سوسیال امپریالیزم "شوروی" قوت های اشغال گر را از کشور اخراج نموده و رژیم دست نشانده را سرنگون سازد.

ما این مطلب را نیز مشخص نموده بودیم که طالبان نیروهایی اند که در اصل توسط امپریالیست های امریکایی و انگلیسی و وابستگان منطقه یی شان ساخته و پرداخته شده اند، به همین ترتیب امپریالیزم امریکا راه سازش و معامله را با طالبان در پیش گرفته است.

بنائاً طالبان راه (سازش و معامله) را که با امپریالیزم اشغال گر امریکایی و رژیم دست نشانده در پیش گرفته اند بی برگشت است، و چاره های جز سازش و معامله گری ندارند.

با توجه به تمامی مسایل بر شمرده شده فوق الذکر، بر پایی و پیش برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغال گران امپریالیست و رژیم دست نشانده کنونی و رژیم دست نشانده پس توافق در افغانستان یک ضرورت غیر قابل انصراف است. بدون یک چنین جنگی خاتمه بخشیدن به انقیاد مستعمراتی کشور و حصول استقلال سیاسی کشور غیر ممکن خواهد بود.

قدر مسلم است که بعد از تکمیل پروسه خروج قوای نظامی اشغال گران امپریالیست و تشکیل یک رژیم پس توافق با طالبان، اشغال گران امپریالیست امریکایی و رژیم دست نشانده پس توافق به عنوان دشمنان عمده خلق های کشور آماج مبارزات نیروهای انقلابی و توده های مردم قرار خواهند

مخالف اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی از هیچ گونه کوشش و تلاشی دریغ نورد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان معتقد است که ایجاد چنین هم آهنگی مبارزاتی میان نیروها و شخصیت‌های انقلابی ملی - دموکراتیک زمینه مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی را برای حل اختلافات مساعد می‌سازد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یکبار دیگر از تمامی نیروها و شخصیت‌های مائوئیست و ملی - دموکراتیک می‌خواهد که این مسئولیت عاجل و تاریخی خویش را درک نموده و برای تحکیم و گسترش روز افزون این هم آهنگی مبارزاتی جدا کوشا باشند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در عین حالی که خود را مکلف به اجرا و پیش برد این مسئولیت‌های عاجل و درازمدت مبارزاتی می‌داند، از سائر نیروها و شخصیت‌های انقلابی مائوئیست و ملی - دموکرات نیز می‌خواهد که در جهت راه اندازی عملی از هیچ‌گونه تلاش و کوششی دریغ نمایند.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۳ جوزای ۱۴۰۰ خورشیدی

(۲۴ می ۲۰۲۱ میلادی)

www.cmpa.io

sholajawid2@hotmail.com

گرفت. اما نباید این مطلب را از نظر دور داشت که وضعیت کشور بعد از بیرون شدن نیروهای نظامی اشغالگران از افغانستان از جهات معین و مشخصی در حال تغییر است. یا به عبارت دیگر رژیم دست‌نشانده و اشغالگران امپریالیست حامی و پشتیبان شان آماج عمده مبارزات ملی و انقلابی قرار خواهد گرفت. این بدان معنا نیست که در چنین حالتی ترکیب مجموعی دشمنان عمده انقلاب و خلق‌های افغانستان تفاوت خواهد نمود، بل که بدان معناست که آماج مستقیم تاکتیکی روزمره در مبارزات انقلابی در درجه اول رژیم دست‌نشانده خواهد بود.

توجه دقیق به مسایل فوق الذکر و تعیین تاکیک‌های مبارزاتی اصولی و مناسب با اوضاع در حال تغییر در افغانستان برای پیش‌برد اصولی و قاطع استراتژی انقلابی، یک نیاز مبارزاتی جدی و غیر قابل اجتناب است. طبق گفته رفیق ضیاء «قاطعیت و استواری در استراتژی و انعطاف در تاکتیک‌ها لازم و ملزوم یکدیگر اند.»

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با درک عمیق ضرورت عینی جامعه نه تنها خواهان پیش‌برد تمامی وظایف بر شمرده شده فوق الذکر است، بل که خواهان حل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی با تمام نیروهای مائوئیست کشور از طریق مذاکرات رودر رو و تامین هم آهنگی به خاطر خاتمه بخشیدن به گروه‌گرایی و سکتاریزم می‌باشد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با این درک عمیق رسالت تاریخی خود می‌داند که به خاطر تامین هم آهنگی میان تمامی نیروها و شخصیت‌های انقلابی ملی - دموکرات

ایجاد صلح سر تاسری در افغانستان ممکن و میسر نیست

گرچه نیروهای مسلح حزب در برابر حمله طالبان مقاومت نمودند، اما زمانی که تلفات زیادی بر آنها وارد گردید عقب نشینی نمودند و طالبان دیگر به نیروهای حزب اسلامی اجازه فعالیت‌های مسلحانه را ندادند. این عمل کرد طالبان در برابر حزب اسلامی، گلبدین را به این نتیجه قطعی رساند که دیگر جایی برایش باقی نمانده و باید باب مذاکره را با رژیم پوشالی شروع نماید. اشغالگران امریکایی از مذاکرات حزب اسلامی و رژیم پوشالی استقبال نموده و از پیوستن گلبدین به رژیم حمایت نمودند. گلبدین از پیوستن به رژیم پوشالی دو مسئله را مد نظر قرار داده بود:

۱ - با پیوستن به رژیم پوشالی می‌تواند مورد جلب توجه اربابان سابقش (امپریالیزم امریکا و انگلیس) قرار گیرد و از طریق انتخابات قدرت را بدست آورد.

۲ - تمامی بخش‌های فروپاشیده حزب اسلامی را دوباره متحد نموده و تحت رهبری خود در آورد. اما بعد از پیوستن حزب

چند سال بعد از اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم اشغالگر امریکا، طالبان موفق شدند که نیروهای نظامی از رمق افتاده خود را بسیج نموده و جنگ قسمی ارتجاعی شان را علیه اشغالگران امپریالیست ورژیم دست‌نشانده شروع نمایند. وقتی این جنگ رو به گسترش نهاد امیر مفلوک حزب اسلامی موضع ضد اشغال اختیار نمود و خواهان خروج نیروهای اشغالگر از افغانستان گردید. در چنین حالتی بود که تعدادی از نیروهای مسلح حزب اسلامی تحت رهبری طالبان به فعالیت آغاز نمودند و بعضی شان بصورت مستقل بنام حزب اسلامی فعالیت‌های جنگی شان را آغاز کردند. بعد از چند سال گلبدین به این نتیجه رسید که از راه جنگ امکان به قدرت رسیدنش نیست، و برای رسیدن به قدرت باید با اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی وارد مذاکره شود. نیروهای مسلح حزب اسلامی با رژیم پوشالی در تماس شدند. زمانی که طالبان از روابط نیروهای مسلح حزب اسلامی با رژیم پوشالی خبر شدند بالای شان حمله نمودند،

امنیتی" سر باز زد و امضاء آن را مشروط به تامین صلح توسط اشغال‌گران امریکایی نمود.

زمانی که اشرف غنی به چوکی دست‌نشانده‌گی تکیه زد در همان روزهای اولیه قدرت پوشالی "توافق‌نامه امنیتی" را با امریکایی‌ها توسط حنیف اتمر بدون کدام شرطی به امضاء رساند.

امضاء "توافق‌نامه امنیتی" میان امریکایی‌ها و رژیم پوشالی نه تنها این که شعار ریاکارانه صلح خواهی را کنار نگذاشت، بل که بیش‌تر از پیش آن‌را تقویت نمود. ما در همان زمان با صراحت اعلان نمودیم که:

« در قدم اول معلوم است که اشغال‌گران و دست‌نشانده‌گان شان، از خود توافق‌نامه امنیتی به عنوان حربه سرکوب‌گرانه استفاده می‌کنند. در قدم دوم روشن است که صلح خواهی کنونی آن‌ها، اگر در داخل افغانستان مسیر سازش و آشتی میان اشغال‌گران و دست‌نشانده‌گان شان از یکسو و مقاومت جنگی ارتجاعی ضد آن‌ها از سوی دیگر را تعقیب می‌کنند، اما در سطح کل منطقه افغانستان را به درون گرداب جنگی امپریالیستی و ارتجاعی‌ای می‌کشاند که دامنه آن از پاکستان تا نایجیریا و از کردستان و عراق و سوریه تا یمن و سومالیا و سودان را در بر گرفته است.

وجه مشخصه ایدئولوژیک- سیاسی این جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی تقسیم شدن تقریباً تمامی آن‌ها به دو صف بندی ارتجاعی - مذهبی تشیع و تسنن- وهابی و آمادگی فکری و سیاسی هر دو صف بندی برای خدمت به امپریالیست‌های امریکایی و سایر قدرت‌های امپریالیستی و هم‌سوئی جنگی با آن‌ها در عین درگیر بودن با هم است.

اخیراً هم رهبری طالبان و هم بخش‌هایی از بنیادگرایان شیعه درون رژیم دست‌نشانده نظراً و عملاً نشان داده اند که تا این حد یا آن حد به این صف بندی متخاصم منطقه‌یی خدمت‌گار امپریالیست‌های امریکایی و سایر امپریالیست‌ها پیوسته اند. سهم‌گیری آشکار جوانان جنگجوی مرتبط به آن‌ها در جنگ‌های سوریه به روشنی نشان‌دهنده این وضعیت است، کما این که گروهان‌گیری‌های مسافرین بزرگ راه‌ها، به جرم تعلق مذهبی و ملیتی مشخص، توسط طالبان تبدیل شده به داعشی‌ها نیز واضحاً نشان‌دهنده این چنین وضعیت منفی است.

مانورهای ارتجاعی عاقبت نیندیشانه رهبری طالبان بنام داعش و تبدیل شدن لباس و بیرق سفید بخشی از نیروهای طالبان به لباس و بیرق سیاه و مورد اجرا قرار گرفتن گروهان‌گیری‌های غیر قابل مسئولیت‌گیری توسط آن‌ها، یا حداقل مسامحه و مماشات در قبال شان، از یک طرف و تبلیغات پیهم اغراق آمیز رژیم دست‌نشانده در مورد "خطر

اسلامی به رهبری گلبدین به اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی هیچ یک از دو مورد فوق‌الذکر به تحقق نییوست. گرچه گلبدین در انتخابات شرکت نمود، اما در انتخابات هم از نظر افتاده بود.

رژیم پوشالی در مورد "مذاکرات صلح" با گلبدین به تبلیغ پرداخت و مبالغ‌ه‌نگفتی را در این راه سرمایه‌گذاری نمود. وقتی مذاکرات بین حزب اسلامی به رهبری گلبدین و رژیم پوشالی شروع گردید این مذاکرات چندین سال ادامه پیدا نمود. و بالاخره به تاریخ اول میزان ۱۳۹۵ خورشیدی "توافق‌نامه صلح" میان رژیم دست‌نشانده و حزب اسلامی امضاء گردید.

زمانی که پروسه "مذاکرات صلح" میان رژیم دست‌نشانده و حزب اسلامی شروع گردید، ذهنیت عامه مردم این بود که به نتیجه رسیدن مذاکرات بین گلبدین و رژیم پوشالی جنگ‌ها فروکش می‌کند و بالاخره منجر به صلح در افغانستان می‌گردد. ما در همان زمان خاطر نشان ساختیم که داد و فریاد "مذاکرات صلح" از طرف اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی ریاکارانه و فریب‌کاران است. زیرا رژیم پوشالی و اشغال‌گران امپریالیست نه خواهان صلح در افغانستان اند و نه می‌توانند صلح سر تاسری در افغانستان ایجاد نمایند. آن‌ها این داد و فریاد را نه به منظور صلح، بل که به منظور انقیاد مردمان این سر زمین راه انداخته و به پیش می‌برند.

زمانی که "مذاکرات صلح" میان رژیم پوشالی و حزب اسلامی به رهبری گلبدین به نتیجه رسید و "توافق‌نامه صلح" میان شان امضاء گردید، توده‌های ستم‌دیده شاهد تسلیمی حزب اسلامی به رهبری گلبدین مانند بخش‌های دیگر حزب اسلامی به اشغال‌گران امریکایی و رژیم پوشالی بودند. اما این تسلیمی به هیچ چیزی منجر نگردید جز این که دایره جنگ و خونریزی را در افغانستان بیش‌تر از پیش توسعه بخشید. علت اساسی این بود که صلح خواهی ریاکارانه رژیم پوشالی به منظور به انقیاد در آوردن تمامی مردم ستم‌دیده افغانستان به راه افتاده بود و هیچ معنای دیگری جز تسلیم شدن مردم به خواسته‌های اشغال‌گران و وطن‌فروشان را در بر نداشت، و فعلاً هم چنین است.

امپریالیزم اشغال‌گر امریکا، به مدت ده سالی که رژیم پوشالی حامد کرزی در قدرت دست‌نشانده‌گی تکیه زده بود، نتوانست که صلح انقیاد طلبانه را بر مردمان این سرزمین تحمیل نماید، بناءً در قدم اول "توافق‌نامه استراتژیک" را با رژیم پوشالی به امضاء رساند و به تعقیب آن خواهان به امضاء رساندن "توافق‌نامه امنیتی" با رژیم پوشالی گردید، از این که در مدت ده سال حاکمیت رژیم پوشالی حامد کرزی، امریکایی‌ها نتوانستند صلح انقیاد طلبانه را بر مردم این سر زمین تحمیل نمایند، حامد کرزی از امضاء "توافق‌نامه

حیله‌گری‌ها و نیرنگ‌های نمایشی امپریالیستی- ارتجاعی برای فریب توده‌های زحمت‌کش افغانستان بوده و می‌باشد. این نمایشات مضحک، ترکیبی از نمایشات جاری انتخاباتی لیبرالی-مضحک رژیم دست‌نشانده، استبداد جهادی و استبداد امارتی طالبانی خواهد بود.

ما بارها و با صراحت گفتیم که این نمایشات مضحک امپریالیستی - ارتجاعی نمی‌تواند به سرعت و فوریت جامعه عمل بپوشد. بل که بر درد و رنج توده‌های زحمت‌کش افغانستان خواهد افزود و حداقل چند سال دیگر حالت جنگی به شکل تقابل - تبانی میان رژیم دست‌نشانده و طالبان به عنوان یک جنگ داخلی ارتجاعی همراه با مداخلات اشغال‌گران ادامه خواهد یافت. یا به عبارت دیگر امضای توافق‌نامه به معنای ختم جنگ داخلی ارتجاعی و هم‌چنین پایان کامل حالت مستعمراتی کشور نخواهد بود.» (شماره ۲۴ شعله جاوید دور چهارم)

از امضاء "توافق‌نامه صلح" میان امریکایی‌ها و طالبان بیش از یک و نیم سال می‌گذرد، مردم زحمت‌کش افغانستان شاهد پیش‌بینی مثبت شعله جاوید اند.

امضاء توافق‌نامه صلح" میان امریکایی‌ها و طالبان، از یک سو «طالبان را ... بصورت بالفعل به یک نیروی فرقه‌گرایانه مذهبی و ملیتی خادم امپریالیست‌های اشغال‌گر امریکایی و متحدین شان تبدیل» نمود و «بنیادگرایان شیعه و سنی داخل رژیم دست‌نشانده را به سوی سهم‌گیری بیش‌تر در جنگ‌های فرقه‌ی مذهبی در افغانستان سوق» داد و دامن‌گیر کل منطقه نیز گردیده است.

بر مبنای همین وضعیت اسفناک است که نبرد علیه اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و متحدین شان بعد از امضاء "توافق‌نامه صلح" میان طالبان و امریکایی‌ها بدست فراموشی سپرده شد و از آن زمان تاکنون اشغال‌گران امپریالیست حتی یک نفر تلفات هم نداده اند.

جنگ‌های ارتجاعی - استخباراتی داخلی و تشدید روز افزون آن و حتی ترورهای هدفمند، انتحار و انفجار مراکز تعلیمی و ... بیان‌گر جنگ‌های فرقه‌گرایانه مذهبی و مداخلات پنهان و پیدای امپریالیست‌ها و کشورهای منطقه است. و از سوی دیگر امضاء "توافق‌نامه امنیتی" میان امریکایی‌ها و طالبان نه تنها منجر به ختم جنگ در افغانستان نگردید، بل که تخفیف خشونت‌ها را نیز در بر نداشت و بر «درد و رنج توده‌های زحمت‌کش افغانستان» افزود و در حدود یک و نیم سال به تشدید جنگ‌ها «به شکل تقابل - تبانی میان رژیم دست‌نشانده و طالبان به عنوان یک جنگ داخلی ارتجاعی همراه با مداخلات اشغال‌گران ادامه» یافته است.

داعش" در افغانستان از جانب دیگر، آن حرکت‌های ارتجاعی فرقه‌گرایانه مذهبی است که در صورت دوام و تعمیق و گسترش بیش‌تر می‌تواند هم طالبان را یکبار دیگر بصورت بالفعل به یک نیروی فرقه‌گرای مذهبی و ملیتی خادم و خدمت‌گار امپریالیست‌های اشغال‌گر امریکایی و متحدین شان تبدیل نماید و هم بنیادگرایان شیعه و سنی داخل رژیم دست‌نشانده را به سوی سهم‌گیری بیش‌تر در جنگ‌های فرقه‌ی مذهبی در افغانستان سوق دهد. این چنین وضعیتی نه تنها افغانستان را عمیقاً و وسیعاً به گرداب جنگ‌های فرقه‌گرایانه مذهبی کل منطقه خواهد کشاند، بل که در نهایت باعث به فراموشی سپردن نبرد علیه اشغال‌گران توسط طالبان و تقویت بیش‌تر بنیادگرایی سنی و شیعه در درون رژیم دست‌نشانده خواهد شد.» (شعله جاوید دور چهارم - شماره پنجم - صفحه ۳ و ۴)

ما در این زمان به خوبی شاهد این پیش‌بینی شعله جاوید هستیم که حرکت‌های ارتجاعی فرقه‌گرایانه مذهبی بطور آگاهانه از هر دو طرف دامن خورده است. انتحار و انفجارات در مناطق مشخص و ملیت‌های زیر ستم بیان‌گر سهم‌گیری بیش‌تر نیروهای ارتجاعی در جنگ‌های فرقه‌ی مذهبی است. دلیل ملیشه‌سازی امروزی رژیم دست‌نشانده توسط نیروهای دولتی و احزاب جهادی، دامن زدن به جنگ‌های ارتجاعی فرقه‌گرایانه مذهبی است. حرکت‌های امروزی (ملیشه‌سازی رژیم پوشالی) به هیچ‌وجه به منافع علیای مردم زحمت‌کش کشور نبوده، بل که تامین‌کننده منافع اشغال‌گران امپریالیست در جهت به انقیاد در آوردن بیش‌تر کشور و مردمان است.

امروز این ملیشه‌سازی که توسط نیروهای دولتی - جهادی به پیش برده می‌شود، هر کدام شان اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. در مدت بیست سال این جنایت‌کاران تثبیت نمودند که هیچ ارتباطی به منافع ملی کشور، آزادی مردمان این سرزمین و استقلال کشور نداشته و ندارند، بل که حسب منافع شخصی و تامین منافع اربابان اشغال‌گر شان حرکت نموده اند. حرکت‌های امروزی شان زیر نام "خیزش‌های مردمی" هیچ چیز دیگری نیست جزب تامین منافع اربابان اشغال‌گر شان.

زمانی که "توافق‌نامه صلح" میان امریکایی‌ها و طالبان به امضاء رسید باز هم ذهنیت عامه این بود که جنگ‌ها خاتمه خواهد یافت و صلح در افغانستان به میان خواهد آمد. در همان زمان یعنی امضاء "توافق‌نامه صلح" میان امریکایی‌ها و طالبان ما به صراحت اعلان نمودیم که صلحی در کار نخواهد بود.

«آن چه امروز تحت نام "مذاکرات صلح با طالبان" توسط اشغال‌گران امریکایی در قطر نهایی گردید یکی دیگر از

توافق مهیا گردد.

خطر سازش نیروهای مسلح ضد رژیم پوشالی به اشغال‌گران امریکایی بعنوان یک خطر استراتژیک همیشه وجود خواهد داشت. فقط و فقط می‌توان این خطر را از طریق برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی بطور بنیادی بر طرف ساخت.

به هر صورت با معامله‌گری رژیم پوشالی و طالبان تحت رهبری امریکایی‌ها و ایجاد دولت پسا توافق، از یک طرف اشغال‌کشور در سطح خفیف‌تری پابرجا می‌ماند و از سوی دیگر صلح سرتاسری بر مبنای علیای مردم در افغانستان به وجود نخواهد آمد. ما بارها این را بیان نموده ایم که «امپریالیست‌ها همیشه بر نیروهای زوال‌یابنده و قرون وسطایی متکی هستند. این بار هم تمام نیروهای قرون وسطایی دست‌پرورده کنونی و سابقش را به دور یک دسترخوان جمع نموده و حضور پررنگ استخباراتی اش را در افغانستان حفظ خواهند نمود.

با توجه به مسایل فوق‌الذکر برقراری روند سازش و تباری میان اشغال‌گران امریکایی و طالبان هر چه باشد جز حفظ حالت مستعمراتی - استخباراتی و عدم استقلال حقیقی کشور چیز دیگری نخواهد بود. در چنین حالتی "رژیم اسلامی پسا توافق" باز هم از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی زیر سیطره اشغال‌گران امریکایی قرار خواهد داشت و یک رژیم دست‌نشانده خواهد بود.

آنچه که امروز زیر نام "صلح" در افغانستان سرزبان‌هاست، صلحی بر مبنای منافع علیای توده‌های زحمت‌کش افغانستان و استقلال کشور نخواهد بود. لذا مسایل اساسی انقلاب در افغانستان لاینحل باقی می‌ماند. در چنین صورتی جا به جایی در تضاد عمده به وجود می‌آید. بناءً ما باید به استقبال اوضاع جدید رفته و روی‌کردهای مبارزاتی خود را طبق این تحول عیار ساخته و در مطابقت با خط و مشی حزبی خویش بازبینی نموده و تلاش نماییم قبل از هر امری یک جمع‌بندی علمی منسجم از عمل‌کردها و نظرات دو دهه گذشته خود به عمل آوریم و بر مبنای آن اقدامات بعدی خود را در پرتو شرایط جدید عیار سازیم.» برای معلومات بهتر به شماره ۲۴ شعله جاوید دور چهارم مراجعه نمائید.

۹ سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی

۲۰۲۱/۶/۳۰ میلادی

همان طوری که پیوستن حزب اسلامی گلبدین به اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده یک خیانت ملی آشکار می‌باشد، به همان اندازه تسلیم شدن طالبان با "امضاء" توافق نامه صلح" به اشغال‌گران امریکایی خیانت ملی محسوب می‌گردد.

جنگ کنونی در افغانستان یک جنگ ارتجاعی - داخلی به منظور امتیازگیری‌های بیش‌تر در میز گفتگوهای به اصطلاح صلح در قطر است.

دو دلقک سیاسی دست‌نشانده با دیگر مهره‌های خاین شناخته شده روز پنج‌شنبه ۱۴۰۰/۴/۳ خورشیدی (۲۰۲۱/۶/۲۴ میلادی) به پابوسی با دار شان به امریکا سفر نمودند و در روز جمعه ۱۴۰۰/۴/۴ خورشیدی (۲۰۲۱/۶/۲۵ میلادی) وارد کاخ سفید شدند و به پابوسی جو بایدن مشرف گردیدند. صحبت میان شان ادامه همان صحبت‌های قبلی بود فقط چیزی که برای رژیم دست‌نشانده دل‌خوش کن است، آن چیزی است که توسط لطیف محمود سخنگوی رییس جمهور رسانه‌ای گردیده است مبنی بر این‌که با دار تعهد سپرده که ۳۷ چرخ‌بال بلک هاک و دو هواپیمای جنگی به افغانستان کمک نماید. بایدن دو باره به کمک سه میلیارد و سه صد میلیون دالری امریکا به افغانستان در سال ۲۰۲۲ میلادی تاکید نموده است.

رژیم پوشالی بخوبی درک نموده که اشغال‌گران امپریالیست با طی یک مرحله گفتگو با طالبان و امضاء "توافق نامه صلح" با ایشان، به طالبان حیثیت یک نیروی مستقل و مشروع بخشید و آن‌ها را با دولت دست‌نشانده هم ردیف قرار داده است. و این را نیز بخوبی درک نموده که برای امریکایی‌ها مصداق صلح با طالبان غیر از آن چیزی است که حتی پنج سال قبل مطرح بوده است.

هدف امریکایی‌های اشغال‌گر از مذاکرات بین‌افغانی و برقراری "صلح" توسط افغان‌ها هیچ چیز دیگری جز به انقیاد در آوردن مردمان این سرزمین نیست. امریکایی‌ها از مسیری که بر گزیده اند (مذاکرات بین‌افغانی و ایجاد دولت پسا توافق) بر نخواهند گشت و طالبان نیز راهی را که بر گزیده اند (تسلیمی به اشغال‌گران امریکایی) بی‌برگشت است. دیر یا زود هر دو طرف به میز مذاکرات خواهد نشست و بعد از گفتگوهای دوام دار رژیم پسا توافق حسب میل امریکایی‌ها ایجاد خواهد شد و انقیاد کشور طولانی تر خواهد گردید. زیرا امریکایی‌ها بعد از توافق رژیم دست‌نشانده و طالبان بر سر میز مذاکره خواهان ایجاد رژیمی است که آن را کنترل نموده و از آن طریق بتواند هم حرکات القاعده و داعش را کنترل نماید و هم کشورهای منطقه و بخصوص امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین را زیر کنترل داشته باشد. گفتگوهای "مذاکرات بین‌افغانی" زمانی به نتیجه قطعی می‌رسد که شرایط فوق‌الذکر برای ایجاد دولت پسا

